

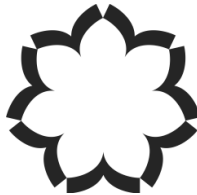


تجلی هویت ایرانی در نیویورک

نشر جمهور

تهران ۱۳۸۶

سرشناسه	: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری
عنوان و نام پدیدآور	: تجلی هویت ایرانی در نیویورک /
مشخصات نشر	: تهران: نشر جمهور، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص.؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س م.
فروست:	: نشر جمهور؛ ۱. سیاسی؛ ۱
شابک	: 978-964-91049-2-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: سیاسی--سخنرانی ها-مصاحبه ها.
موضوع	: سیاسی--سخنرانی ها-مصاحبه ها.
رده بندی کنگره	: ک / BP
رده بندی دیویی	: ۳۶ / ۲۵۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹/۵۵۶



نشر جمهور

تجلی هویت ایرانی در نیویورک

ناشر: نشر جمهور (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)

شمارگان: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶

قیمت: ۹۸۰ تومان

شابک : 978-964-91049-2-0

نشانی: تهران-خ جمهوری-خ دانشگاه جنوبی- پ ۱۸۷ تلفن: ۶۶۴۱۹۲۳۷

E-mail: RDC@GOVIR.IR

فهرست مطالب

- ۱- مقدمه..... ۵
- ۲- نبرد متافیزیکی در کلمبیا (متن کامل سخنرانی رییس جمهور در دانشگاه کلمبیا)..... ۹
سه شنبه ۳ مهر ۱۳۸۶
- ۳- گزارش ویژه (پرسش و پاسخ دکتر احمدی نژاد با استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا)..... ۱۹
سه شنبه ۳ مهر ۱۳۸۶
- ۴- غروب امپراتورها و طلوع مصلح کل (سخنرانی رییس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد)..... ۲۹
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۵- اعتلای میراث و هویت ایرانی (سخنرانی رییس جمهور در دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا)..... ۴۳
سه شنبه ۱ مهر ۱۳۸۶
- ۶- سیاست سلطه در تراژوی نقد (سخنرانی در دیدار با پژوهشگران سیاسی و اصحاب رسانه)..... ۵۹
سه شنبه ۳ مهر ۱۳۸۶
- ۷- مصاحبه رییس جمهور با رسانه ها در سازمان ملل متحد (نیویورک)..... ۷۹
سه شنبه ۳ مهر ۱۳۸۶
- ۸- اعتلای اسلام و انحطاط در ایدئولوژی های مدرن (سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون مسلمان سراسر آمریکا)..... ۹۳
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۹- جهان در تمنای توحید (سخنرانی رییس جمهور در جمع خاکام های آمریکا)..... ۱۰۷
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۱۰- عیسای مسیح با موعود امم خواهد آمد (سخنرانی در جمع اصحاب کلیسا و شماری از رهبران یهودی)..... ۱۱۱
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۱۱- مصاحبه رییس جمهور با چارلی رز (شبکه ۱۳ آمریکا)..... ۱۱۹
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۱۲- مصاحبه رییس جمهور با خبرنگاری AP (نیویورک)..... ۱۴۵
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۶
- ۱۳- مصاحبه رییس جمهور با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران..... ۱۵۳

مقدمه

نبرد کلمبیا؛

سر آغاز انقلاب های مخملین در اردوگاه لیبرال دموکراسی

ما اکنون در متن حماسه نیویورک هستیم و به تمام ابعاد و دستاوردهای حرکت نماینده ملت ایران در این شهر پرهیاهو و به خصوص دانشگاه کلمبیا وقوف و آگاهی نیافته ایم. مدتی پس از این رخداد تاریخی در خواهیم یافت که عمق ماجرا چه بوده و چه آثاری را برای ایرانیان و دیپلماسی ایرانی به همراه داشته است. چه اینکه آدمی در متن حادثه از کشف تمام وجوه آن قاصر است و بعضاً با حب و بغض بدان می نگرد. آینده به این سخن گواهی خواهد داد، اما بی شک به اجمال باید گفت؛ رویارویی فکری کلمبیا سرآغازی در عرصه بین المللی خواهد شد. در بررسی اولیه، دو رخداد تاریخی در مقیاسی شگفت آور توجه جهانیان را در یک سال گذشته به خود معطوف کرده است. جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه مقاومت اسلامی لبنان و رویارویی فکری ایرانیان با دولت آمریکا در دانشگاه کلمبیا دو حادثه اعجاب انگیز به شمار می آیند. بنا بود از نیل تا فرات به تصرف صهیونیسم جهانی درآید! اما شنی تانک های میرکاو در همان مارون الرأس بر گل ماند! در عوض قلب و روح جهانیان از مارون الرأس تا دانشگاه کلمبیا به تسخیر انقلاب اسلامی در آمد و جزوی از اعماق استراتژیک جهان اسلام شد.

با اینکه دو نبرد ۳۳ روزه و رویارویی در کلمبیا، یکی فیزیکی و قسم اخیر آن متا فیزیکی است، اما از حیث ماهیت به یکدیگر شباهت تام دارند. ماهیت جنگ ۳۳ روزه، جنگ علیه آزادی، شرف و استقلال بود. آمریکا، اسرائیل، فرانسه و... در یک سو، اما حزب الله و ملت های آزادیخواهی همچون لبنان، فلسطین، ایران و سوریه سوی دیگر صحنه نبرد بودند. عملیات روانی در رسانه های منطقه و جهان علیه حزب الله سازماندهی شد، آنها تروریست و مسؤؤل خرابی کشور و نیز بی خانمانی مردم و البته عامل وضع بد اقتصادی معرفی شدند. احزاب دل

ملت لبنان را خالی کرده و سعی می کردند رشته‌های همبستگی ملی را در برابر دشمن پاره کنند. تماس‌های پنهان، حاکی از آن بود که برخی برآن شدند تا مقاومت ملی از سلاح خلع شود. حضور پی در پی سیاستمداران غربی هم در پشت جبهه حزب الله، برخوردار از پیام‌های معناداری برای در هم شکستن مقاومت بود. مدیریت مقاومت اسلامی در لبنان با مدیریت حماسه‌ی نیویورک از حیث هوشمندی، تدبیر، شجاعت و قدرت ابتکار عمل نیز دو پدیده نزدیک به هم به شمار می‌آیند.

در نبرد متافیزیکی کلمبیا، اولاً همانند دو سفر گذشته نماینده ایران و هیأت همراه به مجمع عمومی، پیشاپیش رسانه‌های نظام سلطه در راه اندازی عملیات روانی علیه ایرانیان تلاش‌های بی حد و حصری سامان دادند، القای عدم پذیرش هیأت ایرانی، لغو سخنرانی نماینده ملت ایران در سالن اجلاس، عدم پذیرش طرح پرسش و پاسخ دکتر احمدی نژاد با بوش از سوی کاخ سفید، ممانعت از حضور رییس جمهور در محل حادثه ۱۱ سپتامبر و تلاش برای لغو دعوت دانشگاه کلمبیا از رییس جمهور، جزو محورهای ضد ایرانی این عملیات روانی بود تا همه چیز متوجه صحنه اصلی نبرد ایران و آمریکا در دانشگاه کلمبیا گردد و این چنین بود که این آوردگاه به تمامیت حضور ایران و آمریکا در رسانه‌های جهان تبدیل شد. مکانی که اگر چه ممکن بود برخی منتقدین دولت بوش هم در آن حضور داشته باشند، لکن حوادث و بازتاب‌های بعدی مؤید آن است که سازمان‌های مختلف امنیتی، سیاسی و رسانه‌ای آمریکا پیشاپیش آن را برای نبردی ضد ایرانی مطابق میل خویش تدارک کرده بودند. پیش فروش بلیت‌های سالن اجلاس، نصب ویدیو پروجکشن‌های متعدد، گسیل کردن صهیونیست‌های نژادپرست به سمت دانشگاه، کاربست جلوه‌های ویژه روانکاوانه‌ی ضد مخاطب در جایگاه سخنرانی و قرائت بیانیه تند سیاسی و نیز دشنام به نماینده ملت بزرگ ایران از سوی میزبان رسمی، علی‌الظاهر این نبرد فکری را پیشاپیش به نفع جبهه آمریکایی‌ها مغلوب کرده بود.

جنجال گروه فشار مستقر در مجاورت دانشگاه به فرماندهی یکی از مقام‌های ارشد رژیم صهیونیستی با پوشش رسانه‌ای پی در پی و گستره تحرکات ضد ایرانی آنها نیز مؤید آن بود که علی‌الظاهر «خط دوم» جبهه ایران نیز سقوط کرده است!

از حیث آثار، شاید بتوان گفت این فتح الفتوح به مراتب فراتر از ابعاد نبرد فیزیکی ایرانیان در فتح فاو بود. در کلمبیا وضع به گونه‌ای دیگر بود. درفاو راهکارهای علوم طبیعی و علوم

نظامی غلبه داشت اما در اینجا علوم انسانی و پیچیدگی های غیر قابل پیش بینی حکم می راند. نخبگان ایرانی فتح فاو، برای مسخر کردن زمین در عملیات آبی - خاکی والفجر ۸، علاوه بر کاربست اصول پیش دستانه غافل گیری به اندازه گیری جریان جزر و مد آب تا چهل سال قبل مبادرت کردند، اما در کلمبیا رفتارهای میزبان هرگز قابل پیش بینی نبود، حتی اگر خود ایشان از میهمان، دعوت هم کرده باشند. علی الظاهر همه چیز علیه ایرانی ها سازماندهی شده بود، هوچیگری اولیه رسانه ها و دشنام رییس دانشگاه در این نبرد متافیزیکی، همان اصل غافلگیری نبردهای فیزیکی بود که علیه ایرانیان تدارک گردید. بیانیه سراسر غرض آلود رییس دانشگاه، همان آتش تهیه پر حجم قبل از تک اصلی دشمن بود که «خط حد» ایرانی ها را در هم کوبیده بود. برخی از سیگنال های صادره از پشت جبهه هم برای دشمن جالب توجه و غنیمت بود. این سیگنال ها البته در عرف امنیت ملی، نوعی کدهای اطلاعاتی ارایه شده به دشمن هم به شمار می رود؛ این که رییس جمهور بهتر است از عزیمت به نیویورک خودداری کند! و این که سفر نیویورک به ضرر ایرانیان خواهد بود، و نیز لغو آن سرشار از منفعت برای آنهاست، علاوه بر نقض همبستگی ملی، چیزی جز خالی کردن دل سربازان خط مقدم ملت و نماینده اصلی آن در نیویورک نبوده و نیست. این در شرایطی است که بدانیم، رژیم صهیونیستی هم، از یکی از اضلاع جبهه ایرانیان در حال ورود به خط یک ایرانی ها در کلمبیا بود. لذا می توان گفت همه چیز گویای جریان داشتن نبردی حقیقی و به مراتب دشوارتر از فتح فاو، و نبردهای حزب الله در مارون الرأس بود که در نیویورک به وقوع می پیوست. آن هم از نوع برون مرزی، یعنی جبهه ای که برای ایرانیان پشت نداشت. نبردی حقیقی اما بدون شلیک حتی یک گلوله و نپزیدن یک جنگنده. اما همان طور که در بهم ریختگی و از جا در رفتگی سازمان گروه های غواص در فتح فاو، همه ی اذهان، نگاهها و ذکرها به حضرت فاطمه ی زهرا (س) و آیه ی مبارکه ی «و جعلنا...» معطوف بود و به گشایش و فتح سنگرهای کلیدی جهان می انجامید در نیویورک نیز علاوه بر تدبیر، حکمت و هوشمندی نماینده ی فهیم ملت؛ دعای فرج مصلح کل، چشم ها و گوش ها را مستعد شنیدن گفتار حق کرد. دعایی که عقده ها را می گشاید و التهاب و جزر و مد های سیاست و عملیات های روانی را دفع می کند، حتی اگر قرار باشد در شهر پر آوازه صهیونیست نشینی همانند نیویورک در ایالات متحده آمریکا در حال مناظره باشی! اکنون دیگر شهروندان دهکده جهانی همانند عصر حجاز به حرف های سران قریش گوش فرا نمی دهند و هنگام

مواجهه با نمایندگان ملت بزرگ ایران، پنبه از گوش خارج می‌سازند. به یاد آورید روزگاری که ابو جهل و ابوسفیان صحنه گردانی رسانه ای جبهه مقابل پیامبر (ص) را بر عهده داشتند و طرح و تاکتیک پنبه در گوش کردن را به عنوان یک پروژه برای نشنیدن کلام اسلام به اعراب بادیه نشین توصیه می‌کردند. اما اعراب پس از مدتی دریافتند که بنا به قضاوت عقل باید پنبه از گوش خویش برکشند و ...، اینک آمریکایی‌ها شنیدند آنچه را که نباید می‌شنیدند! و این سرآغاز فصلی جدید در آمریکاست که ممکن است سبب تحولات مختلفی در نظم و انتظام دهکده جهانی هم به شمار رود. چه این که جوانان آمریکایی پس از این، هرگز به دوره بادیه نشینی جاهلی و مدرن خویش باز نخواهند گشت، و شاید بتوان گفت آمریکا از این پس، بیش از این که منتظر انقلاب‌های رنگین و مخملین در دیگر کشورهای جهان باشد باید یکی از رنگین‌ترین آنها و شاید خونین‌ترین‌اش را در نیویورک و واشینگتن به انتظار بنشیند. اگر چه دیر زمانی است که جهانیان پس از فروپاشی کمونیسم، اضمحلال لیبرال دموکراسی را به انتظار نشستند اما اقدام تاریخی نماینده ملت بزرگ ایران در نبرد متافیزیکی کلمبیا این فروپاشی را به ساعت صفر نزدیک تر کرده است.

اینک تدوین «تجلی هویت ایرانی در نیویورک» پاسخی به هزاران درخواست محبت آمیز گروه‌های مختلف اجتماعی به خصوص صاحبان اندیشه، پژوهشگران، دانشگاهیان و دانش پژوهان مشتمل بر سخنرانی‌ها، گفتگوها و گزارشی از جلسات پرسش و پاسخ جناب آقای احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در سومین سفر کاری ایشان به نیویورک است که در این مجلد تقدیم علاقمندان می‌شود.

سیزدهم مهر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش

معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

نبرد متافیزیکی در کلمبیا^۱

اشاره:

پاسخ رییس جمهور به سخنان اهانت آمیز رییس دانشگاه کلمبیا:

این رسم میهمان نوازی نیست! قرائت بیانیه پیش از سخنان من توهین به شعور دانشجویان است.

پیش از شروع سخنرانی رییس جمهور در دانشگاه کلمبیا «لی بولینگر» رییس دانشگاه در روشی نامتعارف و غیر اخلاقی سخنان گستاخانه و توهین آمیزی علیه رییس جمهور و مواضع جمهوری اسلامی ایران طرح کرد و دکتر محمود احمدی نژاد در واکنش به سخنان اهانت آمیز رییس دانشگاه کلمبیا با آرامی و لبخند، ادعای مطرح شده توسط «لی بولینگر» را بیانیه سیاسی دانست و گفت: رسم میهمان نوازی ایرانیان اینگونه نیست که علیه میهمان سخنانی گفته شود.

رییس جمهور تصریح کرد: من یک دانشگاهی هستم که صرفاً درباره برخی مباحث تاریخی سوالاتی را مطرح کرده‌ام. آیا پاسخ به این سوالات باید توهین، تهمت و سخنان منفی باشد. بهتر این بود که به شعور و آگاهی دانشجویان احترام گذارده می شد و این بیانیه سیاسی خوانده نمی شد.

دکتر احمدی نژاد اضافه کرد: از دو سال پیش سوالاتی را به عنوان یک استاد دانشگاه درباره یک واقعه تاریخی مطرح کردم ولی به جای آنکه سوالات مطرح شده، پاسخ داده شود، یک سری توهین و تهمت علیه من مطرح شد. متأسفانه این کار از طرف کسانی صورت می‌گیرد که خود را معتقد به آزادی بیان و اطلاعات می‌دانند.

رئیس جمهور موضوع فلسطین را یک زخم کهنه ۶۰ ساله

۱-سخنرانی جناب آقای دکتر احمدی نژاد، رییس جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه کلمبیا(۸۶/۷/۳)

دانست و اظهار داشت: ۶۰ سال است که مردم این کشور آواره شده‌اند، ۶۰ سال است که مردم را کشته‌اند و ۶۰ سال است که روزانه درگیری و ترور وجود دارد.

دکتر احمدی نژاد اظهار داشت: ۶۰ سال است که زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی را با بالگرد و هواپیما می‌کشند و خانه‌های آنان را بر سرشان خراب می‌کنند و ۶۰ سال است که امنیت خاورمیانه به خطر افتاده و ۶۰ سال است که شعار توسعه طلبی از نیل تا فرات توسط گروه‌های مشخصی در آن قسمت از جهان داده می‌شود.

وی خطاب به دانشجویان و دانشگاہیان حاضر در جلسه گفت: به عنوان یک دانشگاہی و از منظر آکادمیک دو سوال از شما دارم و شما قاضی باشید و بگویید که آیا پاسخ به این سوالات باید توهین، تهمت و صحبت‌های منفی باشد یا این که باید با این دو سوال برخوردی منطقی داشت و به آن پاسخ داد. دکتر احمدی نژاد تاکید کرد: مانند شما و هر دانشگاہی دیگر من تا جواب این سوال را پیدا نکنم، آرام نخواهم نشست. بنابراین منتظر پاسخ‌های منطقی به جای توهین هستیم. رییس جمهور افزود: سوال اول این است، اگر هولوکاست واقعیت عصر ما است و اتفاق افتاده چرا اجازه نمی‌دهند در این زمینه تحقیق علمی انجام شود: تا به این مساله از یک منظر دیگر هم نگاه شود؟

وی اظهار داشت: دوست ما (رئیس دانشگاہ کلمبیا) به سال ۱۹۳۰ اشاره و مبدا این واقعه را در این سال ذکر کرد اما به نظر من هولوکاست در زمان جنگ جهانی دوم و بعد از ۱۹۳۰ و در ۱۹۴۰ رخ داد، پس باید این وقایع را دقیقاً بررسی کنیم.

دکتر احمدی نژاد با تاکید بر اینکه بسیاری از محققین می‌خواهند درباره این مساله تحقیق مستقلی انجام دهند، خاطر نشان کرد: چرا این اجازه به اندیشمندان داده نمی‌شود و آنها را در زندان می‌اندازند؟ در حال حاضر یک سری از استادان اروپایی برای اینکه درباره هولوکاست از یک نظرگاه دیگر مطلب نوشته و برخی از نکات آن را زیر سوال برده‌اند، به زندان افتاده‌اند. رییس جمهور تاکید کرد: چرا نباید اندیشمندان اجازه هرگونه تحقیق در این مورد را داشته باشند؟ به من گفته‌اند که به اندازه کافی در این باره تحقیق شده است. سوال این است که چرا

وقتی در خصوص مباحثی همچون آزادی، دموکراسی و مفاهیمی مانند خدا، مذهب و حتی فیزیک یا شیمی که به اندازه کافی مورد تحقیق قرار گرفته است، باز هم به تحقیق ادامه می‌دهیم و از آن حمایت می‌کنیم، اما از تحقیق درباره یک واقعه تاریخی که ریشه بسیاری از فجایع سنگین در این منطقه و این عصر شده ممانعت به عمل می‌آید.

رئیس جمهور سوال دوم را اینگونه مطرح کرد: اگر این یک واقعه تاریخی و واقعا رخ داده، چرا مردم فلسطین باید بهای آن را بپردازند. این مساله در اروپا رخ داد و مردم فلسطین هیچ نقشی در آن نداشتند؛ پس چرا مردم فلسطین باید بهای واقعه‌ای را بدهند که هیچ نقشی در آن نداشتند؟

دکتر احمدی نژاد یادآور شد: مردم فلسطین هیچ جرمی مرتکب نشده اند. آنها هیچ نقشی در جنگ جهانی دوم نداشتند، آنها با مردم یهودی و مسیحی در صلح زندگی می‌کردند و مشکلی با هم نداشتند. امروزه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان در کنار هم زندگی می‌کنند و مشکلی هم ندارند، ولی چرا پنج میلیون مردم بی‌گناه فلسطین باید ۶۰ سال آواره و به دیگر کشورها پناهنده شوند؟ آیا این یک جنایت نیست؟ آیا سوال کردن درباره این جنایات باید جنایت محسوب شود؟ چرا یک دانشگاهی مانند من به خاطر این سوال‌ها باید هدف توهین قرار بگیرد؟ آیا این است معنای آزادی و آزادی اندیشه؟

رئیس جمهور همچنین در پاسخ به ادعای رئیس دانشگاه کلمبیا درباره برنامه هسته‌ای کشورمان گفت: ما کشوری هستیم که از ۳۳ سال پیش عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم. اساسنامه این آژانس به اعضا صریحاً اجازه می‌دهد که فن‌آوری صلح‌آمیز سوخت هسته‌ای را داشته باشند. این مساله در اساسنامه صریحاً و بدون قید و شرط ذکر شده است و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را نقض کند.

وی افزود: البته آژانس مسوول بازرسی است. ما هم یکی از کشورهاییم هستیم که بیشترین مقدار همکاری را با آژانس داشته ایم و تاسیسات کشورمان، ساعت‌ها، هفته‌ها و روزهای بسیار مورد بازرسی آژانس قرار گرفته است. گزارش‌های آژانس نیز نشان داده که فعالیت‌های ایران کاملاً صلح‌آمیز بوده و هیچ

انحرافی نداشته است و در کل همکاری ایران را مثبت ارزیابی کرده اند.

رییس جمهور با اشاره به اینکه دو یا سه قدرت خودخواه می‌خواهند حق ملت ایران را بگیرند، خاطر نشان کرد: آنها می‌خواهند این تخصص را به صورت انحصاری در اختیار خود داشته و دیگران محتاج آنان باشند.



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه

فطرت بشر کاشف حقیقت و ضامن سعادت

رییس محترم و دانشگاهیان عزیز، استادان و دانشجویان!

ابتدا سلام عرض می‌کنم و خداوند عزیز حکیم را شاکرم که توفیق حضور در یک محیط علمی و در جمع جویندگان حقیقت و پژوهشگران عرصه علم و معرفت را عنایت فرمود.

می‌خواهم در این جلسه ارزشمند درباره ارزش علم و عالم با شما سخن بگویم. اساتید و علما، چراغهای فروزانی هستند که هر کدام در عرصه، نورافشانی و وادی‌های تاریک و مبهم را روشن می‌کنند و بشر را از سردرگمی و جهل نجات می‌دهند.

کلیدهای فهم واقعیت‌های جهان در دست دانش پژوهان و معرفت جویان است. عرصه‌های کشف نشده و عوالم ناپیدا و علوم دست نیافته اندازه ندارد و پنجره‌های بسته با مجاهدت و تلاش عالمان به سوی حقایق گشوده می‌گردد.

با هر تلاش دریچه‌ای باز می‌شود و حقیقتی مکشوف می‌گردد.

در هر زمان که شان رفیع علم و معرفت محفوظ مانده و عالمان و محققان با احترام و تکریم مواجه بوده‌اند بشر گام‌های بلندی در تعالی و کمال مادی و معنوی برداشته است و بالعکس در هر دوره که علم و عالم مغضوب و منفور بوده‌اند، آن دوره‌ها در تاریخ بشر، تاریک بوده و بشریت در زندان جهل و غفلت خود محبوس مانده است.

اگر فطرت بشر که رمز تداوم حقیقت جویی و تلاش برای کشف حقایق است نبود، انسان در اسارت جهل باقی می‌ماند و راه‌های سعادت بشر مفتوح نمی‌شد.

فطرت و دینچه ماندگار خداوند تعالی در نهاد انسان است.

همان خدایی که بشریت را به جهان آورد و معرفت را اولین و بزرگترین هدیه خویش به او معرفی کرد تا بشر بتواند او را بشناسد.

پیام انبیاء الهی ضامن رهایی انسان از جهل

در داستان حضرت آدم (ع) محاجه‌ای بین ملائکه و خداوند در گرفت. آنان بشر را موجودی سفاک و ماجراجو پنداشتند و به خداوند اعتراض کردند، پاسخ این بود من می‌دانم چیزی را که شما نمی‌دانید. آن گاه خداوند حقایق عالم را به آدم آموخت و او به فرمان خدا آنان را بر ملائکه عرضه کرد.

آنان از درک حقایق عاجز ماندند و سپس خداوند فرمود نگفتم من عالم غیب آسمانها و زمین هستم، این چنین بود که آدم مسجود ملائکه شد.

در ماموریت همه انبیاء الهی سخن اول تلاوت آیات و نشانه‌های حق و تعلیم کتاب و حکمت همراه با تزکیه و پاکی بوده است و در مورد حضرت عیسی آمده است: «و یعلمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل و رسولا الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بایه من ربکم».

یعنی به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد و او پیامبر به سوی بنی اسرائیل است به راستی که من از جانب خدا نشانه‌ای آورده‌ام.

قران کریم سوره علق اولین کلامی که بر پیامبر اسلام نازل شد دستور به خواندن بود.

اقرا باسم ربک الذی خلق (بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد) و در ادامه فرمود اقرا و ربک الاکرم (بخوان به نام پروردگارت که گرامی‌ترین است) الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم (او که با قلم آموخت و آموخت به انسان آنچه را نمی‌دانست) ملاحظه می‌فرمایید که در چند آیه‌ای که اول بار بر پیامبر اسلام نازل شد بحث از قرائت، تعلیم و قلم است و این آیات خداوند را به عنوان معلم انسان معرفی می‌کند معلمی که به انسان هر چه را که نمی‌دانست آموخت.

در بیانی دیگر رسالت پیامبر اسلام را این طور بیان می‌فرماید که او کسی است که از بین مردم عامی پیامبری را از خودشان برانگیخت تا آنان را از آلودگی‌های فکری و اعتقادی و اخلاقی پاک کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد.

تمام سخن و پیام انبیاء الهی عبور دادن انسان از تاریکی‌های جهل، غفلت خرافه، اخلاق ناصواب و اندیشه‌های نادرست به سوی علم، معرفت، نور و اخلاق صحیح است. علم را به نور معنا و تعریف کرده‌اند، علم یعنی روشنائی و علم حقیقی علمی است که بشر را از گمراهی نجات دهد و نافع به حال او باشد. در یکی از تعابیر بلند آمده است که علم نوری است که خداوند در قلب کسانی که بخواهد می‌افکند.

در این بیان علم هدیه‌ای الهی و قلب، جایگاه این هدیه معرفی شده است. اگر قبول کنیم که علم به مفهوم نور است آنگاه دایره آن از حوزه علوم تجربی فراتر می‌رود و هر حقیقت پیدا و پنهانی را شامل می‌شود.

محصور بودن در علوم تجربی، ستم به گستره وسیع علم

یکی از ستم‌های بزرگ به علم، محدود کردن دایره آن به علوم تجربی بوده است درحالی که گستره علم بسیار وسیعتر است. حقایق عالم محدود به حقایق مادی نیست و ماده سایه‌ای از حقیقت بالاتر است و خلقت مادی تنها یک طبقه از خلقت عالم است. انسان نمونه‌ای از خلقت است که جمع ماده و روح است و روح و جوهر انسانی بر مادیت و جسم او غلبه دارد.

نکته بسیار مهم دیگر ارتباط علم با پاکیزگی روح و جان و اخلاق و رفتار است. در تعلیمات انبیاء الهی یک حقیقت همواره باید مقارن و مصاحب یعنی همیشه همراه علم باشد و آن پاکی روح و اخلاق نیکو است.

علم و معرفت با معنای وسیعی که گفتم یک حقیقت زلال و پاک است. علم روشنائی است، کشف است و آن عالم و پژوهشگری می‌تواند به این حقیقت دسترسی یابد که او هم پاک و زلال باشد و اندیشه‌های غلط، اوهام و خرافات و یا وابستگی‌های مادی و خودخواهی‌ها مانع او از ادراک و پذیرش حقایقی که کشف می‌شوند، نگردد. **دوستان عزیز، فرهیختگان، حضار محترم!**

علم و معرفت آفاتی نیز دارد.

شاید بزرگترین آفت آموختن و یاددادن و اندیشه و تحقیق، خودخواهی‌ها و آلودگی‌ها و وابستگی‌های مادی و منافع شخصی باشد.

دل بستگی‌های مادی، انسان را در نقطه مقابل حقایق عالم قرار می‌دهد، انسان آلوده و وابسته در پذیرش حقیقت مقاومت می‌کند حتی اگر آن را پذیرفت در برابر آن تمکین

و از آن تبعیت نمی‌کند.

بسیارند عالمانی که حقایق را می‌دانند اما به آن ایمان نمی‌آورند و خودخواهی‌ها اجازه نمی‌دهد حقیقت را قبول کنند.

آیا کسانی که در طول تاریخ بشریت، جنگها را تحمیل کرده‌اند از درک این حقیقت که جان و مال و ناموس و سرزمین و حقوق انسانها محترم است عاجز بوده‌اند یا اینکه می‌دانسته‌اند اما به آن ایمان نیاورده و در برابر آن تمکین نمی‌کردند.

تا قلب انسان خالی از کینه، حسد و خودخواهی نشود، در برابر حقیقت، روشنایی و علم تمکین نمی‌کند.

آفات قرار گرفتن علم عالمان در خدمت ظالمان

علم نوری است که حامل آن باید پاک و منزه باشد.

اگر بشریت به بالاترین علوم مادی و معنوی دسترسی پیدا کند اما علما و دانشمندان پاکیزه نباشند آن را در خدمت بشریت قرار نخواهند داد آنگاه ممکن است چند حالت اتفاق بیافتد.

- تنها بخشی از حقایق را که به نفع آنان است در اختیار مردم قرار دهند و بخش‌هایی از آن را کتمان کنند چنانکه حتی بعضی از علمای ادیان الهی در گذشته چنین کردند و متأسفانه امروز نیز برخی از پژوهشگران و دانشمندان حقایقی را از مردم پنهان می‌کنند.

- علم و عالم در خدمت منافع شخصی، گروهی و حزبی قرار گیرد مع‌الاسف در جهان امروز قدرتمندان زورگو بسیاری از عالمان و علوم مختلف را در اختیار خویش گرفته‌اند تا ملت‌ها را چپاول کنند و همه فرصت‌ها را در انحصار خود بگیرند. شما می‌بینید؛ با استفاده از ابزار و شیوه‌های علمی ملت‌ها را فریب می‌دهند. اقدامات خود را توجیه می‌کنند، برای آنان دشمنان فرضی و فضای ناامنی و ترس ایجاد می‌کنند تا به نام مبارزه با ناامنی و تروریسم همه امور را تحت کنترل خود بگیرند.

آزادی‌های فردی و اجتماعی ملت خود را نیز نقض می‌کنند و حتی به حریم خصوصی افراد هم احترام نمی‌گذارند، تلفن‌ها را شنود و رفت و آمدها را کنترل و ناامنی روانی ایجاد می‌کنند و با استفاده از چنین فضایی اقدامات جنگ‌طلبانه خود در نقاط

مختلف دنیا را توجیه می‌کنند.

- با استفاده از شیوه‌ها و برنامه ریزی‌های علمی و دقیق، فرهنگ‌های بومی را که حاصل هزاران سال تلاش، تعامل و خلاقیت و هنرورزی ملت‌هاست مورد حمله قرار می‌دهند.

- تلاش می‌کنند با نابودی آن، مردم را بی‌هویت و رابطه آنان را با تاریخ و ارزشهای خود قطع نمایند. با القاء خصولتها و روشهایی که ملت‌ها را به ذلت تقلید و مصرف‌گرایی، سلطه‌پذیری، ترس، احساس حقارت و ناتوانی می‌کشاند زمینه را برای به یغما بردن منابع مادی و معنوی آنان فراهم می‌کنند.

- ساخت بمب‌ها و سلاح‌های مخرب اتمی، میکروبی و شیمیایی نتیجه دیگری از دست اندازی قدرتهای بزرگ به ساحت علم و تحقیق است.

اگر نبود همکاری برخی از عالمان و محققان نسل‌های مختلف بمب‌های اتمی و میکروبی، شیمیایی و نوترونی تولید نمی‌شد.

آیا سلاح‌های مزبور برای دفاع از امنیت جهانی است؟ برافراشتن چتر تهدید دائمی اتمی چه دستاوردی برای بشریت دارد؟

اگر جنگ اتمی بین قدرتها رخ دهد چه فاجعه بشری اتفاق خواهد افتاد. آثار تشعشعات بمب‌های ناکازاکی و هیروشیما در نسل‌های جدید مردم آن مناطق هم دیده می‌شود و معلوم نیست تا چند نسل دیگر ادامه خواهد داشت. آثار تشعشعات اورانیوم ضعیف شده مصرفی در ابتدای جنگ در عراق روی مردم می‌تواند محل مطالعه و تحقیق باشد.

این فجایع بشری وقتی اتفاق می‌افتد که علم عالمان در خدمت ظالمان قرار گیرد.

ضرورت استخدام علم برای خدمت به بشریت

دانشگاهیان محترم!

خوانند، پاکان، پیامبران و صالحان را شایسته دریافت علم و معرفت قرار داد چون می‌دانست علم هم نور و هدایت و ابزار خدمت به بشریت است و هم می‌تواند حجاب و سلاحی علیه بشریت باشد، از این رو سفارش فرمود که آموختن با پاکی و صداقت هم‌نشین باشد.

در رسالت پیامبران، هم پالایش و تزکیه و زدودن خودخواهی‌ها و دنیا طلبی‌ها و هم تبلیغ کتاب و علم و حکمت را قرار داد.

اگر علم و پاکی با هم قرین شود، هم عالم، علم را بهتر دریافت می‌کند و هم مردم از علم او به درستی منتفع می‌شوند.

اگر تاریخ را ملاحظه کنید هرچه خوبی و خیر به بشریت رسیده است از ناحیه عالمان پاکیزه است همان‌ها که علم و معرفت خویش را در خدمت بشریت قرار داده‌اند و هدف آنان روشن کردن راه و کشف حقایق و کمک به سعادت و کمال بشریت بوده است.

این عالمان هر چه در علم جلوتر رفته‌اند نسبت به مردم تواضع بیشتری داشته و از اخلاق نیکوتری برخوردار بوده‌اند.

معمولا علمای پاک اخلاق و پاک رفتار، رهبران فکری، معلمان اخلاق و مصلحان بشر نیز بوده‌اند.

همه مصلحان بشریت ابتدا عالمان و معلمان خوبی بوده‌اند. در روایتی از بزرگان دینی آمده است آن هنگام که عالم فاسد شود عالم به فساد کشیده می‌شود و اگر عالم صالح باشد عالم درست می‌شود.

علم دریچه‌ای به سوی خدا و میوه آن عمل است. عالمان باید در قبال علم خود احساس مسوولیت کنند. عالمان بی‌عمل مانند درختان بی‌ثمر هستند، عالمان حقیقی در برابر نابسامانی‌ها، رنجها و بی‌عدالتی‌ها ساکت نمی‌نشینند و علم خود را ظاهر و مردم را آگاه می‌سازند.

عالمان در برابر ستمگران و زورگویان بپا می‌خیزند و اجازه نمی‌دهند جاهلان دروغ بگویند و مردم را فریب دهند و حقوق آنان را ضایع کنند.

ساحت علم یک ساحت قدسی و الهی و علم امانت خداوند جهان است. ورود ناپاکان به این عرصه، ظلم به بشریت است.

قدرتمندان زورگو هم علم را به نفع مطامع خود مصادره می‌کنند و هم با زورگویی اجازه نمی‌دهند عالمان و اندیشمندان وارد عرصه‌هایی شوند که کشف حقایق در آن عرصه‌ها موجب رسوایی آنان می‌شود. این شرم‌آور است که قوانینی تصویب می‌شود

که طبق آن، تحقیق در مورد برخی وقایع تاریخی ممنوع می‌شود و محققینی که در آن عرصه‌ها وارد شوند مجرم شناخته و به تحمیل زندان یا پرداخت جریمه محکوم می‌گردند.

پرسش و علت جویی، همراه ابدی بشریت

بزرگترین و واضح‌ترین حقیقت جهان، خداست. همه عالم و هر چه در اوست، نشانه اوست و درعین حال باب تحقیق و مطالعه در اصل وجود خداوند همچنان باز است و کسی را به جرم مطالعه و تحقیق در بود و نبود خدا محاکمه و زندانی نمی‌کنند و چه بسیار کسانی که با مطالعه و تحقیق به خدای بزرگ ایمان می‌آورند.

در معارف اسلامی آمده است که شک مقدمه یقین است مشروط بر اینکه انسان در آن متوقف نماند لذا چه اشکالی دارد که اجازه دهند در وقایع تاریخی هم تحقیق و مطالعه شود تا ابعاد وقایع شفاف‌تر شود.

خصلت علت جویی و سوال کردن تا ابد همراه بشر خواهد بود چرا که در غیر این صورت، کمال و پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

تاسف دیگر از ایجاد انحصار توسط برخی قدرت‌های بزرگ در ساحت علم و حتی مخالفت با پیشرفت‌های علمی دیگران است.

این هم از عجایب عصر ماست که برخی قدرت‌های بزرگ نمی‌خواهند شاهد پیشرفت ملت‌های دیگر باشند و با هزار بهانه، تهمت و فشار سیاسی و اقتصادی، مانع توسعه علمی دیگران می‌شوند، همه اینها ناشی از دوری آنان از ارزش‌های انسانی و اخلاقی و مکتب انبیاء الهی است. آنان برای خدمت به بشریت تربیت نشده‌اند.

ملازمه علم با اخلاق و تزکیه

علما و اندیشمندان محترم!

خلاصه کلام این که علم و معرفت بالاترین هدیه خداوند به بشر است و فطرت کمال طلبی و حق جویی بشر همیشه او را در تکاپوی علم آموزی و کشف حقایق نگه داشته است.

علم باید با اخلاق و تزکیه همراه باشد تا هم عالم و محقق به درستی آن را دریافت کند و هم بشریت به خوبی و به درستی از آن استفاده کند، عالمان پاکیزه نه فقط چراغ‌های هدایت، بلکه مصلحان بشری نیز هستند.

نباید اجازه داده شود قدرتمندان زورگو به ساحت علم دست اندازی کنند، علوم را مصادره و در خدمت مطامع خود علیه بشریت بکار گیرند و یا اینکه عرصه‌های تحقیق را محصور و محدود کنند.

ساخت علم، ساحتی قدسی است که باید پاکیزه بماند، خداوند بر همه حقایق آگاه است و عالم و معلم و محقق را دوست دارد.

به امید روزی که عالمان صالح، حاکمان جهان باشند و مصلح کل که عالم الهی و صالح است به همراه مسیح بر جهان حکومت کنند.

و السلام علیکم و رحمہ الله و برکاته



◆ گزارشی ویژه^۱

پرشش و پاسخ دکتر احمدی نژاد با استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا

تحقیق در پیستی هولوکاست و ۱۱ سپتامبر ضامن روشنگری در حقایق تاریخی رییس جمهوری اسلامی ایران پس از سخنرانی در جمع دانشگاهیان دانشگاه کلمبیا، به پرسش‌های آنان به‌طور صریح و مستدل پاسخ داد. دانشجویی از دکتر محمود احمدی نژاد سوال کرد «آقای رییس جمهور، اظهارات شما امروز و در گذشته سوالات بسیاری را ایجاد کرده است از جمله اینکه آیا دولت شما یا خود شما به دنبال نابودی اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی هستید؟» که رییس جمهور پاسخ داد: ما همه ملت‌ها را دوست داریم، ما با تمامی یهودیان دوست هستیم. یهودیان در ایران با صلح و امنیت زندگی می‌کنند. باید متوجه باشید که مطابق قانون و قانون اساسی کشور ما، به ازای هر ۱۵۰ هزار نفر جمعیت یک نماینده برای مجلس انتخاب می‌شود، اما جامعه یهودی که تعداد آنها در ایران یک پنجم این رقم است، یک نماینده مستقل در مجلس دارند، بنابراین پیشنهاد ما برای مسئله فلسطین پیشنهادی انسانی و

دمکراتیک است.

دکتر احمدی نژاد گفت: آنچه که ما می‌گوییم حل این مشکل ۶۰ ساله است. ما باید به مردم فلسطین اجازه بدهیم تا خود برای آینده خود تصمیم بگیرند و این کاملاً بر اساس منشور سازمان ملل و اصول بنیادی آن است.

رئیس جمهور با بیان اینکه ما باید به یهودیان، مسلمانان و مسیحیان فلسطین اجازه بدهیم تا خود از طریق یک همه‌پرسی آزاد برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند و هر چه که آنها به عنوان یک ملت تصمیم بگیرند، باید محترم شمرده شود و همگان بپذیرند، تاکید کرد: هیچکس نباید در امور ملت فلسطین دخالت کند و هیچکس نباید تخم اختلاف بکارد. نباید دهها میلیارد دلار تجهیزات و اسلحه به یک گروه در آنجا بدهد.

دکتر احمدی نژاد که اظهاراتش با کف زدن‌ها و تشویق ممتد حاضران توأم بود، تصریح کرد: ما می‌گوییم که ملت فلسطین خود باید برای آینده‌اش تصمیم بگیرد و حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند و این چیزی است که ملت ایران خواستار آن است.

پس از اظهارات رئیس جمهور یکی از حاضران پرسید «ما می‌خواهیم پاسخ واضح به این سوال را بشنویم؛ آیا شما یا دولت شما نابودی اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی را دنبال می‌کند؟ اگر ممکن است بصورت بله یا خیر جواب بدهید.» که دکتر احمدی نژاد خاطر نشان کرد: شما سوال کردید ولی می‌خواهید پاسخ را آن طور که می‌خواهید بشنوید، این آزادی دسترسی به اطلاعات نیست.

رئیس جمهور که این جمله‌اش باعث تشویق حاضران شد، گفت: من تنها موضع خود را می‌گویم و از شما می‌پرسم آیا مساله فلسطین یک مساله بین‌المللی مهم است یا خیر؟ لطفاً جواب بله یا خیر بدهید؟ که سوال کننده نیز جواب داد: بله! سپس دکتر احمدی نژاد گفت: از همکاری شما متشکرم. ما این مشکل را که ۶۰ سال ادامه داشته است پذیرفتیم و حال هر کس راه حلی دارد و راه حل ما انجام همه‌پرسی آزاد است. اگر این همه‌پرسی انجام شود نتایج آن را خواهید دید. اجازه بدهید که

مردم فلسطین به صورت آزادانه تصمیم بگیرند که برای آینده خود چه می‌خواهند بکنند، بعد آنچه که شما در نظر دارید رخ خواهد داد و انجام می‌شود.

ملت ایران قربانی تروریسم

دکتر احمدی نژاد در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «چرا دولت شما به تروریست‌ها کمک می‌کند؟ آیا دست از این کار برمی‌دارید و اجازه می‌دهید که ناظران بین‌المللی این مساله را تایید کنند؟»، اظهار داشت: سوالی از شما دارم. اگر کسی بیاید و در نزدیکی شما بمب منفجر کند و رییس جمهور و اعضای دولت را تهدید کند و اعضای سنا و کنگره را بکشد با آنها چه رفتاری دارید؟ آیا به آنها جایزه می‌دهید یا این که به آنها نام تروریست می‌دهید؟ واضح است که آنها را تروریست خطاب می‌کنید.

رییس جمهور خاطرنشان کرد: دوستان عزیز! ملت ایران قربانی تروریسم شده است. ۲۶ سال قبل در محلی که من کار می‌کنم - خیلی نزدیک به محلی که من کار می‌کنم - یک گروه تروریست، رییس جمهور و نخست وزیر منتخب مردم را با بمب کشتند و آنها را به خاکستر تبدیل کردند. یک ماه قبل از آن تاریخ نیز در یک عملیات تروریستی دیگر ۷۲ نفر از اعضای مجلس و بالاترین مقامات کشور شامل چهار وزیر و هشت معاون وزیر در اثر این عملیات تروریستی تکه تکه شدند. ظرف شش ماه چهار هزار نفر از مردم ایران جان خود را به خاطر عملیات تروریستی از دست دادند و ترور شدند. همه اینها توسط یک گروه تروریستی انجام شد و متأسفانه این گروه امروز در کشور شما تحت حمایت دولت آمریکا فعالیت می‌کند و بصورت آزادانه اعلامیه پخش می‌کند و اردوگاه آنها در عراق در حمایت دولت آمریکا است.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه ملت ایران در اثر فعالیت‌های تروریستی صدمه دیده و ما اولین کشوری هستیم که به تروریسم اعتراض و نیاز به جنگ با تروریسم را مطرح کرده‌ایم، تصریح کرد: ما باید ریشه‌های تروریسم را مشخص کنیم و علل ریشه‌ای آن را ریشه کن کنیم. ما در خاورمیانه زندگی می‌کنیم و برای ما کاملاً واضح است که چه قدرتهایی

تروریسم را ایجاد می‌کنند و از آنها حمایت کرده و تامین مالی می‌کنند. ملت ما در تاریخ همیشه دست دوستی به سوی کشورهای دیگر دراز کرده است. ما کشوری با فرهنگ هستیم. ما نیازی به تروریسم نداریم چرا که خود قربانی تروریسم هستیم.

بطلان نظریه توقف تحقیق در چیستی هولوکاست

رییس جمهور سپس در پاسخ به این مطلب که «یک سری سوال در رابطه با هولوکاست مطرح شده مبنی بر این که از زمان ۱۹۴۰ در اثر اقدامات دولت نازی این واقعاتها مستند شده است. چرا شما تقاضای تحقیق بیشتر را در این مورد دارید؟ به نظر می‌رسد که دلیلی برای این کار نباشد مگر این که سوالی درباره اصل این واقعات مطرح باشد. آیا می‌توانید بگویید چرا این تحقیق لازم است؟»، گفت: از سوال شما متشکرم، من یک دانشگاهی هستم آیا می‌توان چنین بیان کرد که تحقیق درباره یک پدیده برای همیشه به پایان رسیده است؟ آیا می‌توانیم کتابها را برای همیشه درباره یک واقعه تاریخی ببندیم؟ نظرات متفاوتی با هر تحقیق بروز پیدا می‌کند. با متوقف کردن تحقیق در حقیقت پیشرفت علم و دانش را متوقف می‌کنیم.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه شما نباید این سوال را از من بکنید. شما باید از خود پرسید که چرا فکر می‌کنید که این قابل سوال است و آیا شما می‌خواهید جلوی پیشرفت علم و دانش را بگیرید؟ افزود: آیا در علم فیزیک چیز مطلق وجود دارد؟ ما اصولی در ریاضیات داریم که بیش از ۸۰۰ سال است که به عنوان مطلق پذیرفته شده‌اند ولی علوم جدید برخی از این مطلقها را رد کرده و منطقیهای جدید برای ریاضیات بوجود آمده است. بنابراین ما باید به محققین و دانشمندان اجازه بدهیم هر پدیده‌ای را مورد تحقیق قرار دهند. چرا باید آنها را متوقف کنیم؟

رییس جمهور خاطر نشان کرد: من در سوال خودم فرض را بر این گذاشته‌ام که این واقعه «هولوکاست» رخ داده است با چنین فرضی سوال این است که چرا مردم فلسطین باید بهای آن را بپردازند؟ این سوال جدی است و این مساله دو بعد دارد.

در این لحظه مجری برنامه گفت: برای تحقیقات علمی حداقل یک پایه وجود دارد. بنابراین تقاضای تحقیق در مورد حقایقی که مشخص هستند، نشان می‌دهد که انکار آنچه که در اروپا رخ داده، مطرح است. دکتر احمدی نژاد در پاسخ اظهار داشت: شما آزاد هستید که آنچه می‌خواهید از صحبت‌های من برداشت کنید ولی آنچه که من به وضوح می‌گویم این است که در اولین سوال، من در واقع حق محققین اروپا را مطرح می‌کنم و در زمینه علوم و تحقیقات سوال می‌کنم که در آن هیچ چیزی مطلق نیست و در مورد هیچ چیزی به اندازه کافی تحقیقی انجام نشده است، حتی در فیزیک هم این گونه نیست.

رییس جمهور افزود: تحقیقاتی که درباره فیزیک انجام شده بیش از تحقیقات درباره هولوکاست است ولی هنوز هم به تحقیق در علم فیزیک ادامه می‌دهیم، چه اشکالی دارد که در خصوص هولوکاست هم این کار انجام شود؟ این چیزی است که افکار عمومی خواهان آن است. اندیشمندان و محققین علاقمند هستند که به یک مساله از نقطه نظرهای مختلف نگاه کنند، بویژه به این مساله که اساس بسیاری از تحولات سیاسی در خاورمیانه ظرف ۶۰ سال گذشته بوده است. رییس جمهور اظهار داشت: چرا آن را کاملاً متوقف کنیم؟ شما باید دلیل موجهی برای آن داشته باشید و این واقعیت که به اندازه کافی در این زمینه تحقیق شده، توجیه کافی برای من نیست.

منزلت و تشخیص زنان در ایران

از دکتر احمدی نژاد سوال شد «زنان ایران از حقوق اولیه بشر محروم هستند چرا اینگونه است؟ و چرا در ایران اعدام وجود دارد؟» که رییس جمهور پاسخ داد: آزادی در ایران آزادی حقیقی است، مردم ایران آزاد هستند و زنان در ایران بالاترین سطح آزادی را دارند، دو نفر از معاونین رییس جمهور زن هستند. در سطوح بالای تخصصی در مجلس و دولت و در دانشگاه‌ها نیز زنان حضور فعال دارند. در زمینه بیوتکنولوژی و سایر زمینه‌های فن‌آوری، صدها زن دانشمند فعالانه مشغول کار می‌باشند.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه ملت ما آزاد است و بالاترین سطح

شرکت کننده را در انتخابات دارند و ۸۰ تا ۹۰ درصد در انتخابات شرکت می کنند که نیمی از آنان زن هستند، بنابراین اینکه ادعا شود زنان ما آزاد نیستند، واقعیت ندارد؟ تاکید کرد: این منصفانه نیست وقتی که یک دولت با دولت دیگر مخالف باشد یک سری دروغ را علیه آن منتشر کند تا واقعیت را طور دیگری نشان دهد.

رییس جمهور درباره بخش دوم سوال نیز گفت: در مورد اعدام ها هم دو سوال مطرح است. اگر شخصی مواد مخدر وارد کشور کند و جوانان ایران، ترکیه، اروپا و آمریکا را از بین ببرد آیا به آنان جایزه می دهید؟ مجازات کسانی که جان صدها میلیون جوان را در جهان از بین می برند چگونه باید باشد. آیا شما در آمریکا مجازات مرگ ندارید؟ قطعاً دارید. دکتر احمدی نژاد افزود: در ایران هم مجازات مرگ برای کسانی که مواد مخدر قاچاق می کنند و به حقوق مردم تجاوز می کنند، وجود دارد. اگر کسی با اسلحه به خانه ای وارد شود و عده ای را بکشد و برای اخذ پول گروگانگیری کند، در آمریکا با آنان چگونه رفتار می کنید؟ آیا به آنان جایزه می دهید؟ آیا یک پزشک می تواند به میکروبها اجازه دهد تمامی کشور را آلوده کنند؟

رییس جمهور اظهار داشت: در کشور ما قانون حاکم است. کسانی که حقوق مردم را با اسلحه زیر پا بگذارند، آدم کشی کنند، ناامنی ایجاد کنند و مواد مخدر بفروشند یا آن را در سطح وسیع توزیع کنند، به مرگ محکوم می شوند.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه در مورد زنان شاید فکر می کنید که زن بودن یک جرم است، تاکید کرد: زن بودن یک جرم نیست، زنان بهترین مخلوقات خداوند هستند، آنان مظهر مهربانی و زیبایی هستند که خداوند به آنان داده است، آنان در ایران مورد احترام هستند. در ایران هر خانواده ایرانی که صاحب فرزند دختری می شود، ۱۰ برابر خوشحال تر از این می شود که صاحب پسر شود.

رییس جمهور با اشاره به اینکه زنان در ایران بیش از مردان مورد احترام هستند، گفت: آنان از بسیاری از مسوولیت های قانونی که به دوش مردان است معاف هستند. آنان مادران آینده هستند، در فرهنگ ایرانی

مردان، پسران و دختران همیشه بر دست مادرانشان بوسه می‌زنند که نشان از احترام آنان برای زنان است و ما به این فرهنگ افتخار می‌کنیم.

ضرورت پژوهش در ماهیت ۱۱ سپتامبر

دانشجویی از رییس جمهوری پرسید: از دیدار امروز در دانشگاه کلمبیا امیدوارید چه نتیجه‌ای بگیرید؟ و در مورد این که اجازه دیدار از محل تراژدی ۱۱ سپتامبر به شما داده نشد چه نظری دارید؟ که دکتر احمدی نژاد گفت: من میهمان شما هستم، از من دعوت رسمی شد که به دانشگاه کلمبیا بیایم ولی می‌خواهم مطلبی را بگویم. وقتی در ایران ما کسی را به عنوان میهمان دعوت می‌کنیم به او احترام می‌گذاریم و این رسم ما است و می‌دانم که مردم آمریکا هم همین رسم را دارند. رییس جمهور افزود: سال گذشته می‌خواستیم به محل تراژدی ۱۱ سپتامبر بروم و به قربانیان آن ادای احترام و با خانواده‌های قربانیان ابراز همدردی کنم، ولی برنامه‌ها به طول انجامید و تا نیمه شب درگیر مذاکرات و ملاقات‌ها بودیم و دیدار از این محل مشکل شد. به دوستان گفتم که سال بعد این را در برنامه‌ریزی بگنجانند تا به قربانیان این حادثه ادای احترام کنم.

دکتر احمدی نژاد گفت: متأسفانه عده‌ای از گروه‌ها نسبت به این موضوع واکنش شدید و بسیار بدی نشان دادند. آیا این بد نیست که از ادای احترام به خانواده‌های قربانیان این تراژدی جلوگیری کنند؟ یک فردی گفت که این اهانت است و من گفتم که این ادای احترام من را می‌رساند چرا این‌گونه فکر می‌کنید؟

رییس جمهور افزود: با این شیوه چگونه انتظار دارید جهان و امور آن را اداره کنید؟ فکر نمی‌کنید که بسیاری از مشکلات جهان به خاطر همین نحوه برخورد با مسایل است. این روش بدبینانه نسبت به بسیاری از مردم به خاطر خودخواهی و خودبینی است که باید کنار گذاشته شود و به همه احترام بگذاریم تا فضای دوستانه رشد کند و همه ملت‌ها بتوانند با هم گفت و گو کنند و به سمت صلح پیش بروند.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه می‌خواستیم درباره تراژدی ۱۱ سپتامبر با

خبرنگاران صحبت کنم، این واقعه بزرگی بود که وقایع بسیاری بعد از آن رخ داد. پس از ۱۱ سپتامبر افغانستان اشغال شد و بعد هم عراق اشغال شد. شش سال است که منطقه ما دچار ناامنی، ترور و ترس شده است، تصریح کرد: اگر ریشه‌های ۱۱ سپتامبر به دقت بررسی شود و این که چرا این حادثه اتفاق افتاد و چه شرایطی منجر به آن شد و چه کسانی دقیقاً در آن دست داشتند، همه متوجه خواهند شد که چگونه می توان جلوی بحران عراق را گرفت و مشکل افغانستان و عراق را حل کنند.

ملازمه عقب ماندگی فکری و مجهز شدن به بمب اتمی

رییس جمهور در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا دولت شما می خواهد اورانیومی را که برای ساختن تسلیحات هسته‌ای استفاده می شود، غنی کند؟ آیا دست از این کار بر می دارید؟ خاطر نشان کرد: اول اینکه در برنامه هسته‌ای کاملاً در چارچوب قانون حرکت می کنیم. دوم این که ما تحت بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی هستیم و سوم این که این برنامه کاملاً صلح آمیز است. فن آوری غنی سازی اورانیوم که در دست داریم، تنها برای غنی سازی زیر پنج درصد است، اورانیوم زیر پنج درصد هم تنها می تواند برای سوخت استفاده شود.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه گزارش های مکرر آژانس به وضوح گواه این است که جمهوری اسلامی ایران از برنامه صلح آمیز هسته‌ای هیچگونه تخطی نداشته است، تاکید کرد: همه می دانیم که پرونده هسته‌ای ایران یک مساله سیاسی است و این مساله حقوقی نیست.

رییس جمهور اظهار داشت: آژانس بین المللی انرژی اتمی فعالیت های صلح آمیز ایران را تایید کرده است و تنها دو یا سه قدرت هستند که فکر می کنند حق دارند علم و دانش را بصورت انحصاری در اختیار خود داشته باشند. آنها انتظار دارند که دولت و ملت ایران دست نیاز به سوی آنها دراز کرده و از آنها سوخت هسته‌ای طلب کند و دانشی را که خود دارند از دیگران دریافت کنند و البته این کشورها پس از مدتی از ارایه دادن آن خودداری خواهند کرد.

دکتر احمدی نژاد که اظهاراتش با تشویق حاضران تایید شد، افزود:

بنابراین ما می‌دانیم که چه می‌خواهیم شما که نسل پنجم بمب‌های اتمی را تولید کرده و در حال آزمایش آن هستید چه حقی دارید که اهداف صلح‌آمیز هسته‌ای دیگران برای تولید انرژی را زیر سوال ببرید؟ رییس جمهور با تاکید بر اینکه ما به تسلیحات هسته‌ای اعتقاد نداریم زیرا سلاح هسته‌ای برخلاف اصول انسانی است، گفت: اجازه بدهید یک شوخی با شما داشته باشم، هر سیاستمداری که به دنبال تسلیحات هسته‌ای باشد از نظر سیاسی دچار عقب ماندگی ذهنی است. پس از این اظهارات حاضران در این نشست با کف زدن اظهارات رییس جمهور را تایید کردند.

احترام متقابل پیشیناز مذاکره سیاسی

در ادامه این جلسه از دکتر احمدی نژاد سوال شد «آیا ایران آماده گفت و گو با دولت آمریکا است؟ از این گفت و گو امید دارد که چه حاصل شود؟ چگونه مشکلات بین دولت‌های آمریکا و ایران حل می‌شود؟» که رییس جمهور گفت: ما از اول اعلام کرده‌ایم که آماده مذاکره با همه کشورها با در نظر گرفتن احترام متقابل هستیم. ۲۸ سال قبل وقتی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ما دیکتاتوری مورد حمایت غرب را کنار زدیم و دموکراسی و آزادی را به دست آوردیم. در آن زمان تنها ایجاد رابطه با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و رژیم نژاد پرست صهیونیستی مستثنی بود که اکنون آپارتاید از بین رفته است.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه ما خواهان روابط دوستانه و برادرانه هستیم و ملت با فرهنگ و با تمدن ایران اسلامی همواره خواهان گفت و گو و مذاکره بوده است، خاطر نشان کرد: ما به مذاکره و گفت و گو معتقدیم و همه مسایل را می‌توان به آسانی حل کرد، نیازی به تهدید نیست، نیازی به اسلحه و بمب نیست و اگر گفت و گو کنیم نیازی به درگیری نخواهد بود. ما منطق روشنی در این مورد داریم.

رییس جمهور با تاکید بر اینکه نحوه اداره جهان زیر سوال است و معتقدیم روش کنونی منجر به صلح و امنیت در جهان نمی‌شود و راه‌حلی‌هایی که ما داریم بر اساس ارزش‌ها و روابط انسانی بین کشورها است، تصریح کرد: ما آماده مذاکره با همه دولت‌ها هستیم ولی تحت

شرایطی که احترام متقابل برای هر دو طرف باشد. دیدید برای کمک به امنیت عراق سه بار با آمریکایی‌ها صحبت کردیم و سال قبل، پیش از این که به نیویورک بیایم اعلام آمادگی کردم که در سازمان ملل با رییس جمهور آمریکا درباره مسایل مهم بین‌المللی مناظره انجام شود.

ضرورت التزام عملی آمریکا به اصلاح رفتار مقابل ایران

دکتر احمدی نژاد افزود: دولت آمریکا باید حقوق مردم ایران را به رسمیت بشناسد و به تمامیت ارضی کشورها احترام بگذارد. دولت آمریکا باید رفتار گذشته‌اش را کنار بگذارد. ۲۸ سال است که آنها مدام ما را تهدید کرده، به ما توهین نموده و از پیشرفت‌های علمی ما جلوگیری کرده‌اند. شما می‌دانید که صدام دیکتاتور، توسط دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی در حمله به ایران حمایت شد. او هشت سال جنگ جنایتکارانه را ادامه داد و ۲۰۰ هزار ایرانی جان خود را در این جنگ از دست دادند و ۶۰۰ هزار نفر نیز مجروح شدند. او از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و هزاران ایرانی قربانی سلاح‌های شیمیایی شدند. از آن زمان ما تحت تبلیغات مختلف، محاصره اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بوده‌ایم، چرا؟ برای این که از دست یک دیکتاتور آزاد شده‌ایم و برای این که آزادی و دموکراسی برای خود می‌خواهیم.

رییس جمهور با دعوت از استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا برای حضور در ایران گفت: همین جا از همه استادان و دانشجویان دعوت می‌کنم که به ایران بیایند و با دانشجویان صحبت کنند. اساتید و دانشجویان می‌توانند به هر دانشگاه یا انجمن دانشجویی که بخواهند بروند. بیش از ۴۰۰ دانشگاه در کشور ما وجود دارد که می‌توانید انتخاب کنید. ما به شما تریبون صحبت داده و صددرصد احترام می‌گذاریم. از دانشجویان می‌خواهیم که بیایند و به حرف‌های شما گوش دهند. در حال حاضر روزانه صدها گردهمایی شبیه به این در دانشگاه‌های ما برگزار می‌شود.

غروب امپراتورها و طلوع مصلح کل^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و السلام و الصلوه على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين
اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه
والمستشهدين بين يديه

رئیس محترم، هیأت های محترم نمایندگی، خانم‌ها و آقایان!
از اینکه توانستم بار دیگر در این مجمع مهم جهانی شرکت کنم خوشحالم و خدای
بزرگ را سپاسگزارم.

چالش‌های مهم جهان؛ ریشه‌ها و چشم‌اندازها

در فضای پر التهاب کنونی و غلبه فریادها، تهدیدها و تنش‌ها و در دورانی که تدابیر
قدرت‌های بزرگ از حل مشکلات ناتوان، عدم اعتماد در عرصه‌های منطقه‌ای و بین
المللی روز افزون و امنیت روانی جوامع، تحت هجوم سنگین طراحی‌های تبلیغاتی و
سیاسی مخدوش و ناامیدی از اثر بخشی سیاست‌ها و اقدامات سازمان‌های بین المللی
در برقراری صلح و امنیت پایدار و صیانت از حقوق ملت‌ها رو به گسترش است، قصد دارم
به برخی چالش‌های مهم و اصلی امروز جهان و علل و ریشه‌های آن اشاره و راه‌های
برون رفت از آنها را بررسی نمایم.

از ضرورت اصلاح وضع موجود و چشم‌انداز امید بخش و روشن آینده، دوران تجلی
همه زیبایی‌ها، عشق‌ها و کرامت‌ها، برپایی عدالت و شکوفایی همه استعدادهای الهی
انسان و حاکمیت خداپرستی و تحقق وعده خداوند حکیم با شما سخن بگویم. سپس
موضوع هسته‌ای ایران را به عنوان یک واقعیت و آزمایشگاه سنجش صداقت‌ها
و کارآمدی‌ها و ایستادگی‌ها و پیروزی‌ها در معرض قضاوت شما قرار دهم و در پایان

۱- سومین سخنرانی دکتر احمدی نژاد؛ رئیس جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل ۱۳۸۶/۷/۴

پیشنهادات خود را ارائه نمایم.

دوستان و همکاران گرامی!

می دانید که بشریت، امروز با چالش های مهم، متعدد و متنوعی مواجه است که به برخی از آنها اشاره می کنم؛

۱. تلاش سازمان یافته برای فروپاشی خانواده و کاهش منزلت زن

خانواده مقدس ترین و با ارزش ترین بنیاد انسانی است که به منزله کانون پاکترین عشقها و محبت متقابل مادران، پدران و فرزندان و محیط امن برای تربیت نسل های بشری و بستر شکوفایی عاطفه ها و استعدادها، همواره مورد احترام همه اقوام و ادیان و فرهنگها بوده است.

امروز شاهد یک هجمه سازمان یافته از ناحیه دشمنان انسانیت و چپاولگران اقتصادی برای فروپاشی این نهاد اصیل هستیم که با ترویج لا ابالی گری و خشونت و شکستن حریم های عفت و پاکدامنی در صدد انجام آن هستند.

وجود ارزشمند زن به عنوان مظهر جمال الهی و نقطه جوشش محبت، عاطفه و پاکی، در دهه های اخیر دستخوش سوء استفاده گسترده اصحاب قدرت، رسانه و ثروت شده است. در برخی از جوامع، این وجود عزیز را در حد ابزار تبلیغاتی ساقط کرده اند و همه پرده های عفت و حریم زیبایی ها و پاکی ها را شکسته اند.

این یک خیانت بزرگ به جامعه بشری و نسل های متوالی و ضربه ای جبران ناپذیر به پایه انسجام اجتماعی یعنی خانواده است.

۲. نقض گسترده حقوق بشر، توسعه تروریسم و اشغالگری؛

امروز متأسفانه حقوق بشر به طور وسیع توسط برخی قدرت ها به ویژه از ناحیه مدعیان انحصاری آن مورد تعرض قرار می گیرد. برپایی زندانهای مخفی، ربایش افراد و محاکمه و مجازات مخفیانه و بدون رعایت معیارهای دادرسی، شنود گسترده مکالمات، بازگشایی نامه ها و احضارهای مکرر به مراکز پلیسی و امنیتی به امری عادی بدل شده است. با اعلام نظر دانشمندان و مورخان در موضوعات مهم جهانی مخالفت و آنان را محاکمه و زندانی می کنند.

به بهانه های گوناگون کشورها را اشغال و نا امنی و اختلاف ایجاد می کنند و همین ها را بهانه استمرار اشغالگری قرار می دهند. بیش از شصت سال سرزمین فلسطین

به عنوان جبران خسارتی که در جنگ در سرزمین اروپا دیده اند در اشغال رژیم غیر قانونی صهیونیستی است، مردم آن آواره یا تحت فشارهای سنگین نظامی و تحریم‌های اقتصادی یا در زندانهای مخوف‌اند. اشغالگران حمایت و تمجید می‌شوند و مردم مظلوم مورد هجوم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی قرار می‌گیرند. به جرم آزادی‌خواهی آب و برق و دارو را بر مردم فلسطینی و در شهر و دیار خودشان می‌بندند و با دولت برآمده از رای آنها مخالفت می‌کنند.

جریان‌ات تروریستی زیر سایه سیاستمداران و نظامیان قدرتهای بزرگ سازمان می‌یابند و به جان و مال ملتها تعرض می‌کنند. با اعلام قبلی، صهیونیست‌های بی‌فرهنگ، مردم را در خانه و شهرشان ترور می‌کنند و تروریست‌ها مدال صلح می‌گیرند و حمایت می‌شوند. از طرف دیگر عده‌ای از مردم یهودی را با تبلیغات دروغ و به بهانه رفاه و شغل و غذا از نقاط مختلف دنیا آواره و در سرزمین اشغالی فلسطین اسکان می‌دهند و آنان را تحت سخت‌ترین محدودیت‌ها، فشار روانی و تهدید دائمی نگه می‌دارند. از بازگشت آنان به وطن اصلی شان جلوگیری می‌کنند و با زور و تبلیغ آنان را وادار به کینه‌ورزی نسبت به مردم بومی فلسطین می‌کنند.

سرزمین عراق به بهانه اسقاط دیکتاتور و کشف سلاح کشتار جمعی اشغال می‌شود. دیکتاتور عراق که زمانی طولانی مورد حمایت همین اشغالگران بود می‌رود و سلاحی کشف نمی‌شود ولی اشغالگری به بهانه‌های گوناگون همچنان ادامه می‌یابد. هر روز مردم کشته، زخمی و آواره می‌شوند و اشغالگران نه تنها پاسخگو و شرم‌منده نیستند، بلکه در گزارشی، ایجاد بازار فروش سلاح را به عنوان دستاورد لشکرکشی خود معرفی می‌کنند. حتی با قانون اساسی، مجلس و دولت برآمده از رای مردم عراق نیز مقابله و مخالفت می‌کنند و در عین حال شجاعت پذیرش و اعلام شکست قطعی خود و خروج از عراق را نیز ندارند.

متأسفانه شاهد این واقعت تلخ هستیم که برخی قدرتها جز برای خود و حزب و گروهشان برای هیچ انسان و ملتی ارزش قائل نیستند. از نظر آنان حقوق بشر، برابر با درآمد ها و منافع کمپانیهای آنان و دوستانشان است. حقوق و حیثیت مردم امریکا نیز قربانی خود خواهیهای برخی قدرتمندان است.

۳. هجمه به فرهنگ‌های بومی و تحقیر ارزش‌های ملی ملتها

فرهنگ، نماد هویت و رمز ماندگاری ملتها و اساس تعامل آنان با دیگران است. در یک حرکت سازمان یافته، فرهنگ‌های بومی که پیام آور یکتا پرستی، عشق و برادری‌اند مورد هجوم گسترده تخریبی قرار می‌گیرند، سنت‌ها و ارزش‌های ملی تحقیر و خودباوری و شخصیت ملتها مورد توهین و تمسخر قرار می‌گیرد. هدف از این، ترویج روحیه تقلید، مصرف‌گرایی، دوری از خدا و ارزش‌های انسانی و شکستن مقاومت ملتها و چپاول منابع آنان توسط قدرت‌های بزرگ است.

۴. گستره فقر، بی‌سوادی و محرومیت از بهداشت و فاصله فقیر و غنی در جهان
در حالی که بخش مهمی از منابع طبیعی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین با تسلط سیاسی و اقتصادی برخی قدرت‌ها به یغما می‌رود، وضعیت فقر و محرومیت بسیار هشدار دهنده است. به برخی آمارهای منتشره توسط سازمان ملل متحد توجه کنید:
_ روزانه حدود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه سر بر بالین می‌گذارند و حدود ۹۸۰ میلیون نفر در فقر مطلق‌اند؛ یعنی روزانه کمتر از یک دلار قدرت خرید دارند.

_ مردم ۳۱ کشور یعنی ۹ درصد جمعیت جهان دارای طول عمر متوسط ۴۶ سال یعنی ۳۲ سال کمتر از متوسط کشورهای برخوردار هستند.

_ نسبت برخورداری بین غنی و فقیر در برخی نقاط به ۴۰ برابر رسیده است.
_ در بسیاری از کشورها، اکثریت مردم از آموزش و تعلیم و تربیت محروم‌اند.
_ در کشورهای در حال توسعه از هر یکصد هزار مادر، در هنگام زایمان ۴۵ نفر می‌میرند. این نسبت در کشورهای برخوردار ۷ است و نسبت کودکانی که در هنگام تولد می‌میرند ۵۹ در برابر ۶ است.

_ یک سوم مرگ و میر در جهان یعنی روزانه ۵۰ هزار نفر ناشی از عوامل مربوط به فقر است.

گمان می‌کنم همین تعداد عدد و رقم گویای واقعیت بسیار تاسف بار حاکم بر مناسبات اقتصادی در جهان است.

۵. نادیده گرفتن ارزشهای متعالی و ترویج فریب و دروغ

برخی قدرت‌ها تمام ارزش‌های بشری نظیر صداقت، پاکی و امانتداری را برای پیشبرد اهداف خود قربانی می‌کنند. تردید و فریب کاری را در مناسبات بین دولتها و بین مردم رواج می‌دهند. آشکارا دروغ می‌گویند، تهمت می‌زنند، بر خلاف قانون عمل

می‌کنند و فضای اعتماد و دوستی را به شدت تخریب می‌کنند. آنان رسماً اخلاق و ارزشهای متعالی را از مناسبات کنار گذاشته‌اند و خودخواهی، برتری‌جویی، کینه ورزی و تحمیل را جایگزین عدالت، احترام به دیگران، عشق، محبت و صداقت کرده‌اند. اینان همه خوبی‌ها و زیباییهای زندگی را فدای مطامع خود می‌کنند.

۶. نقض قوانین و حقوق بین الملل و نادیده گرفتن تعهدات

برخی از کسانی که خود واضع قوانین بین المللی هستند آشکارا و به راحتی آن را نقض و سیاست تبعیض آلود و دوگانه اعمال می‌کنند. قانون خلع سلاح اتمی را وضع می‌کنند ولی هر روز نسل‌های جدیدی از آن را آزمایش و انبارها را پر می‌کنند. منشور ملل متحد را تنظیم کرده‌اند ولی حق استقلال و حاکمیت بر سرنوشته ملت‌ها را محترم نمی‌شمارند. قراردادهای رسمی خود را به راحتی و با تغییر سیاست زیر پا می‌گذارند. به قوانین مربوط به حفظ محیط زیست تن نمی‌دهند. بیشترین تخلف از قوانین توسط چند قدرت جهانی انجام می‌شود.

۷. گسترش سایه تهدید و مسابقه تسلیحاتی

برخی قدرتها در مناسبات جهانی و هر کجا که منطبق آنان در می‌ماند به راحتی از زبان تهدید استفاده می‌کنند. رقابت سنگین تسلیحاتی سایه تهدید را بر جهان می‌گستراند. مردم اروپا که قربانی دو جنگ بزرگ و چند جنگ دیگر خانمانسوز و چند دهه جنگ سرد در قرن گذشته بودند، امروز نیز زیر سایه تهدید زندگی می‌کنند و منافع، امنیت و سرزمین آنان در سایه مسابقه تحمیلی از سوی برخی قدرتها در خطر قرار می‌گیرد. یک قدرت زورگو به خود حق می‌دهد که با استقرار سامانه موشکی، زندگی را به کام مردم یک قاره تلخ کند و زمینه ساز رقابت تسلیحاتی گردد.

برخی حاکمان به ظاهر قدرتمند که تصور می‌کنند وسیله اقتداری در اختیار دارند، بی‌صبرانه و در هر موضعی و هر زمانی از زبان تهدید استفاده می‌کنند و به این ترتیب سایه ناامنی را بر مردم، ملت‌ها و مناطق می‌افکنند.

و بالاخره؛

۸. ناتوانی سازو کارهای بین المللی برای رفع این چالش‌ها و برپایی صلح و

امنیت پایدار؛

آشکارا مشاهده می‌شود که سازمان‌ها و سازو کارهای موجود فاقد ظرفیت و توانمندی لازم برای حل مشکلات، رفع چالش‌ها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و

برادری و امنیت هستند. کمتر دولت و ملتی است که برای احقاق حقوق یا دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی خود امیدی به این سازو کارها داشته باشد. دوستان و همکاران صمیمی!

چالش‌ها بیش از این است و می‌دانم اگر هریک از شما در این موضع سخن می‌گفتید موارد فراوان دیگری را ذکر می‌کردید، لیکن به همین بسنده می‌کنم.

ملازمه نابسامانی‌های کنونی با قدرت فاتحان جنگ دوم جهانی

اینک سؤال مهم و تعیین کننده این است که ریشه این چالش‌ها و نابسامانی‌ها چیست و در کجاست؟

در یک ارزیابی علمی و دقیق ریشه این وضعیت در دو عامل اساسی خلاصه می‌شود.

بدون تردید عامل اول را باید در مناسبات برآمده از جنگ دوم جهانی جستجو کرد. آنجا که برخی قدرت‌های پیروز، نقشه سلطه بر جهان را ترسیم و سیاست‌های خود را نه بر اساس عدالت بلکه بر اساس تضمین منافع پیروزمندان در برابر شکست خوردگان تنظیم کردند. از این رو سازوکارهای برآمده از این رویکردها و سیاست‌ها نیز ۶۰ سال است که از حل عادلانه مسائل جهانی عاجز است.

برخی قدرت‌های بزرگ همچنان رفتار پیروزمندان در جنگ جهانی را دارند و سایر دولت‌ها و ملت‌ها، حتی آنان که در جنگ هیچ مشارکت و دخالتی نداشته‌اند را شکست خوردگان جنگ به حساب می‌آورند و از موضع ارباب و رعیتی، ملت‌ها را تحقیر و از آنان باج خواهی می‌کنند.

برای خودشان حقوق برتر قائلند و در برابر هیچ سازمان و مرجع بین‌المللی پاسخگو نیستند.

ناکارآمدی شورای امنیت در تأدیه حقوق ملت‌ها

همکاران، جناب رئیس، خانم‌ها و آقایان!

در میان همه سازمان‌های ناکارآمد، متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل در صدر قرار دارد.

شرایطی ایجاد کرده‌اند که برخی قدرتها با حق ویژه و انحصاری در شورای امنیت، چه شاکي باشند و چه متهم، همزمان دادستان، قاضی و مجری حکم هم هستند. بسیار

طبیعی است که کشورها و ملت‌های مورد تعرض آنان امید نداشته باشند از طریق آن شورا حقوق خود را تادیه کنند.

بشریت شاهد بود که متأسفانه در تمام جنگ‌های طولانی نظیر جنگ کره و ویتنام، جنگ صهیونیستها علیه فلسطینیان و لبنان، جنگ صدام علیه ملت ایران و جنگ‌های نژادی در اروپا و آفریقا همواره برخی از قدرتهای عضو در شورای امنیت در یک طرف مخاصمه بوده‌اند یا از یک طرف که غالباً متجاوز بوده است و یا از اصل مخاصمه حمایت کرده‌اند.

عراق را ببینید، ابتدا سرزمین را اشغال و سپس از شورای امنیت تقاضای مجوز کردند. شورایی که همین اشغالگران با حق و تو در آن حضور دارند. مردم عراق باید از چه کسی و به کجا شکایت کنند و امید احقاق حق خود را داشته باشند؟

در لبنان دیدیم که برخی قدرتها مدت سی و سه روز شورای امنیت را، به امید غلبه رژیم صهیونیستی، از تصمیم‌گیری بازداشتند و زمانی که از پیروزی آن رژیم اشغالگر مأیوس شدند اجازه دادند قطعنامه آتش بس صادر شود. در حالی که وظیفه اصلی شورای امنیت جلوگیری از گسترش نزاع، برقراری آتش بس و متعاقب آن صلح و امنیت است. مردم لبنان باید به چه کسی و کدام سازمانی شکایت کنند؟
عالیجنابان، خانم‌ها و آقایان!

حضور برخی قدرتهای انحصار طلب، شورا را از انجام وظایف اصلی خود یعنی پاسداری از صلح و امنیت بر پایه عدالت بازداشته است. اعتبار شورا مخدوش و کارایی آن در دفاع از حقوق اعضای سازمان ملل از بین رفته است. بسیاری از ملتها اعتماد خود را به این شورا از دست داده‌اند.

برخی دیگر از ساز و کارها مثل ساز و کارهای پولی و بانکی نیز وضعیت مشابهی داشته و به ابزار تحمیل خواسته برخی قدرتها تبدیل شده‌اند. روشن است که این ساز و کارها توان پاسخگویی به نیازهای امروز و حل چالش‌ها و برقراری مناسبات عادلانه و پایدار را ندارند.

همکاران عزیز!

بازگشت به ارزش‌های الهی تنها راه اصلاح پایدار

باز بدون تردید عامل دوم و مهمتر، روی گردانی برخی از قدرتهای بزرگ از اخلاق، ارزشهای الهی و آئین پیامبران و نادیده گرفتن دستورات خدای حکیم و همچنین حاکمیت انسانهای ناصالح است. افراد ناصالحی که نمی توانند خود را اداره و کنترل کنند چگونه می توانند بر بشریت حکومت و امور انسانها را اصلاح کنند؟ متأسفانه آنان خود را به جای خدا قرار داده‌اند! تابع هوس های خود هستند و همه چیز را برای خودشان می خواهند. برای آنان کرامت انسانی، جان و مال و سرزمین دیگران اعتباری ندارد.

قرن هاست بشر زخم عمیق برخی قدرت‌های ناصالح را بر تن خسته خود دارد و همین امروز نیز ریشه اصلی مشکلات جهان، بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و اخلاق و مدیریت انسانهای خودخواه و ناشایسته است.

دوستان، خانمها، آقایان!

تنها راه اصلاح پایدار، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتا پرستی، احترام به کرامت انسانها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است.

ضرورت تشکیل جبهه همبستگی برای صلح و ارتقای مجمع عمومی سازمان ملل
برای تحقق این هدف از همگان دعوت می‌کنم تا جبهه برادری، دوستی و صلح پایدار برپایه خداپرستی و عدالت را تحت عنوان «همبستگی برای صلح» تشکیل دهیم و از تجاوزها و خودخواهی‌ها جلوگیری و فرهنگ محبت و عدالت را ترویج کنیم و اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با کمک همه دولت‌ها و ملت‌های مستقل، صلح طلب و عدالت خواه در این مسیر حرکت خواهد کرد.

خدا پرستی، عدالت و عشق به انسان‌ها باید بر همه ارکان سازمان ملل حاکم شود و این سازمان باید مرجع عدالت محوری باشد که هر عضو آن از حمایت‌های معنوی و حقوقی برابر با دیگران برخوردار باشد.

مجمع عمومی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی باید به عنوان اصلی‌ترین رکن این سازمان شناخته شود تا به دور از فشارها و تهدیدهای قدرتهای بزرگ نسبت به اصلاح ساختارهای سازمان ملل اقدام کند و به ویژه شورای امنیت را از وضعیت موجود تغییر دهد و ساختار جدیدی مبتنی بر عدالت و دموکراسی برای آن تعریف نماید تا بتواند

پاسخگوی نیازهای موجود و حل چالش‌ها و برقراری ثبات و امنیت پایدار باشد.

ضرورت بازخوانی «حق» و «تکلیف» در پرونده هسته‌ای ایران
جناب رئیس، عالیجنابان!

موضوع هسته‌ای ایران یک نمونه آشکار از عملکرد این سازو کارها و اندیشه حاکم بر آنان است.

همه می‌دانید، ایران عضو رسمی آژانس و پایبند به قوانین و مقررات آن است و بیشترین همکاری را در تمام زمینه‌ها داشته است. همه فعالیت‌های ایران صلح‌آمیز و کاملاً شفاف بوده است.

طبق اساسنامه هر عضو آژانس حقوق و تکالیفی دارد. مکلف است در مسیر صلح‌آمیز حرکت و تحت نظر آژانس به دیگر اعضاء برای بهره‌مندی از چرخه تولید سوخت یاری کند و حق دارد که از حمایت آژانس برخوردار باشد و طبق قوانین با کمک سایر اعضاء و آژانس چرخه تولید سوخت را در اختیار بگیرد.

ایران تاکنون همه تکالیف خود را بجا آورده است ولی از حق کمک‌های فنی سایرین و آژانس و در مقطعی از حمایت آژانس نیز بی‌بهره بوده است. حدود پنج سال برخی از همان قدرتهایی که ذکر کردم با فشار سنگین بر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تلاش کردند از بهره‌مندی ملت ایران از حقوق خود جلوگیری کنند.

موضوع هسته‌ای را از مسیر قانونی خارج و با فضاسازی سیاسی از همه توان خود برای تحمیل خواست‌هایشان بهره بردند. دولت ایران برای اعتماد سازی، تمام راه‌ها را طی کرد ولی آنان به چیزی جز توقف کامل همه تحقیقات و فعالیتها و حتی رشته‌های دانشگاهی و محروم کردن ملت ایران از همه حقوق خود قانع نبودند تا جایی که حتی مراکزی که جزء چرخه تولید سوخت و نیازمند نظارت آژانس نبود نیز تعطیل شد.

پس از سه سال مذاکره و تلاش برای اعتماد سازی، ملت ایران به این باور قطعی رسید که دغدغه این قدرتها انحراف احتمالی فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست بلکه این بهانه‌ای برای جلوگیری از پیشرفت علمی او است و اگر روند ادامه یابد تا ۲۰ سال بعد هم احتمال برخورداری از حقوقش وجود ندارد.

به همین دلیل تصمیم گرفت کار را از همان مسیر درست حقوقی یعنی آژانس دنبال کند و تحمیل‌های سیاسی و غیرقانونی قدرتهای زیاده‌خواه را کنار بگذارد.

شناخته شدن کشور ایران به عنوان دارنده چرخه تولید صنعتی سوخت هسته‌ای در مدت دو سال اخیر بارها و بارها ملت ایران به واسطه سوء استفاده قدرتها از شورای امنیت مورد اتهام و حتی تهدید نظامی و تحریم‌های غیرقانونی قرار گرفت ولی به لطف ایمان به خدا و وحدت ملی، گام به گام جلو رفت و اینک کشور ایران به عنوان دارنده چرخه تولید صنعتی سوخت هسته‌ای با کاربرد صلح آمیز شناخته شده است. متأسفانه شورای امنیت در این موضوع بسیار روشن حقوقی تحت تاثیر فشار برخی قدرتهای زورگو نتوانست عدالت را برپا دارد و از حقوق ملت ایران پاسداری کند.

خوشبختانه اخیراً آژانس مجدداً در صدد بازیابی نقش قانونی خود یعنی حمایت از حقوق اعضاء در کنار نظارت بر فعاليتها برآمده است. ما این را رویکرد درست و عملکرد صحیح این سازمان ارزیابی می‌کنیم. قبلاً، به طور غیر قانونی اصرار بر سیاسی کردن موضوع هسته‌ای ملت ایرنا داشتند ولی امروز به لطف ایستادگی ملت ایران، کار به آژانس برگشته است و من رسماً اعلام می‌کنم که از نظر ما موضوع هسته‌ای ایران خاتمه یافته و به یک امر عادی در آژانس بدل شده است.

امروز سؤال‌های مهم و فراوانی درباره فعالیت‌های هسته‌ای برخی از همین قدرتها در آژانس مطرح است که باید بررسی شود. البته ملت ایران همواره آماده گفتگوی سازنده با همگان بوده و خواهد بود.

می‌خواهم از همه دولتها و ملت‌هایی که در این دوره سخت، از حقوق قانونی ملت و سرزمین من حمایت کردند و از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و دیگر دوستان در شورای امنیت و شورای حکام و از کارشناسان قانونمدار و متعهد آژانس و از مدیرکل آن به خاطر ایستادگی بر قانون تشکر کنم و اعلام کنم که برخلاف قدرتهای انحصار طلب، ملت ایران آماده است طبق تکالیف اساسنامه آژانس و زیر نظر این سازمان تجربیات خود را در قالب برنامه آموزشی در اختیار دیگر اعضا قرار دهد.

ضرورت عبرت‌گیری سازمان‌های جهانی در مقابل بیداری ملت‌ها

اینک خطاب به کسانی که حدود پنج سال مزاحم ملت ایران شدند، به مردم با فرهنگ و تمدن ساز سرزمین توهین کردند و اتهامها زدند، نصیحت می‌کنم که؛ از تاریخ و از اقدامات اخیر خود عبرت بگیرند. با ملت بزرگ ایران بسیار بد رفتاری کردند ولی توجه کنند که با دیگر اعضاء سازمان‌های بین‌المللی چنین نکنند. آبروی سازمان‌های

جهانی را قربانی خواسته های خود نکنند. امروز ملتها بیدارند و می ایستند. شما خودتان را اصلاح کنید دنیا اصلاح می شود.

بشارتی از قرآن؛ غروب امپراتورها و طلوع صلح کل

ملت ها خوبند و می توانند با هم در صلح و صفا زندگی کنند. آن ها بکوشند به ملت های خودشان خدمت کنند، دیگران نیازی به آن ها ندارند.

آیا وقت آن نرسیده است که آن ها از مسیر خودخواهی و تبعیت از شیطان به مسیر خداپرستی برگردند؟!

آیا دوست ندارند که از آلودگی ها پاک شوند، تسلیم امر خدا شوند و به او ایمان بیاورند؟

ایمان به خدا یعنی ایمان به صداقت، پاکی، عدالت و عشق به دیگران !
آنان بدانند که از پاکی، صداقت، عدالت، دوست داشتن و احترام به کرامت انسان ها ضرر نمی کنند و مطمئن باشند در نزد ملتها این ارزشها زیباتر و پسندیده تر است.
این دعوت همه پیامبران الهی از حضرت آدم تا نوح و ابراهیم، موسی کلیم الله، عیسی روح الله و حضرت محمد رسول الله(ص) است.
اگر دعوت را اجابت کنند نجات می یابند و اگر اجابت نکنند به سرنوشت گذشتگان دچار می شوند.

قرآن کریم می فرماید:

«و هر کس دعوت حق را اجابت نکند خدا را در زمین ناتوان نمی کند و برای او یاورانی جز خدا نخواهد بود و او در گمراهی آشکار است.»

آنان هیچ چیز از خود ندارند و نمی توانند از سیطره حکومت و اراده خدا فرار کنند. در این اجتماع مهم باید این سخن خدای بزرگ در قرآن کریم را به آنان یادآور شد که:

«آیا به قدرت ها و دولت های قبل از خود نمی نگرند. اگر گذشتگان صاحب چیزی بودند، آن را نگه می داشتند و اجازه نمی دادند شما جایگزین آنان شوید. خدا به واسطه گناهانشان آنان را نابود کرد و کسی در برابر خدا از آنان حفاظت نکرد.»

آنان بدانند راه و رسم و اندیشه مبتنی بر بی عدالتی و ظلم از بین خواهد رفت. آیا نشانه های بیداری و مقاومت مبتنی بر خداپرستی، انسان دوستی و عدالت طلبی ملتها

را نمی‌بینند. آیا متوجه نیستند که غروب امپراتوری‌ها نزدیک است.

امیدوارم این دعوت پاسخ عملی داشته باشد.

عالیجنابان!

ملتها و دولت‌ها مجبور نیستند که تابع بی‌عدالتی برخی قدرتها باشند. آنان به دلایلی که ذکر شد شایستگی رهبری و تدبیر امور جهان را از دست داده‌اند. من رسماً اعلام می‌کنم که؛ دوران مناسبات برخاسته از جنگ دوم جهانی و دوران اندیشه‌های مادی مبتنی بر خودخواهی و سیطره طلبی پایان یافته است.

آغاز دوران گرایش به توحید، مهرورزی، عدالت و صلح طلبی

بشر از یک گردنه سنگین تاریخی عبور کرده است و دوران گرایش به توحید، پاکی، مهرورزی، احترام به دیگران، عدالت و صلح طلبی واقعی آغاز شده است.

وعده الهی است که حق پیروز است و زمین به انسان‌های صالح به ارث خواهد رسید. ای آزادگان، مومنان و مردم جهان به خدا امیدوار باشید و ای تشنگان ارزش‌های متعالی در هر کجا که هستید بکوشید تا با خدمت به انسان‌ها و عدالت خواهی، فرصت تحقق این وعده بزرگ الهی را فراهم کنید. دوران تاریکی‌ها پایان می‌پذیرد، اسیران به خانه‌های خود برمی‌گردند، سرزمین‌های اشغالی آزاد می‌گردد، فلسطین و عراق از سلطه اشغالگران آزاد می‌شود و مردم اروپا و آمریکا از فشار صهیونیستها رهایی خواهند یافت. دولتهای مهربان و دوستدار انسانها جایگزین دولتهای خشن و زورگو خواهند شد. کرامت انسانی اعاده می‌گردد. عطر دل‌انگیز عدالت منتشر خواهد شد و مردم با محبت و برادری در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. تلاش در این راه و برای حاکمیت انسانهای صالح و انسان صالح کامل، آخرین برگزیده خدا و موعود امم، در حقیقت مرهم نهایی زخمها و خلال همه مشکلات و بر پا کننده عشق، زیبایی، عدالت و حیات سعادت‌مند در همه دنیاست. همین اعتقاد و تلاش، رمز وحدت و تعامل سازنده بین ملتها و دولتها و اتحاد جامعه بشری و همه عدالتخواهان واقعی است.

بدون تردید موعود امم و مصلح کل و نجات بخش نهایی و آخرین بیک آسمانی، به همراه حضرت مسیح و سایر مصلحان، می‌آید و همراه همه خداپرستان، عدالت طلبان و مهرورزان، آینده درخشان را برپا و جهان را پر از عدل و زیبایی خواهد کرد. این وعده خداست و وعده خدا تخلف نمی‌پذیرد. بیایید ما هم سهمی در تحقق این همه

شکوه و زیبایی داشته باشیم. به امید آینده روشن بشری و طلوع صبح رهایی و آزادی همه انسانها و محو مظاهر ظلم، نفرت و خشونت و حاکمیت کامل عشق و محبت در سراسر جهان؛ آینده ای که آن را نزدیک می بینم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

اعتلای میراث و هویت ایرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر اعوانه وانصاره والمستشهدين

بین یدیه

مجامع ایرانیان سرشار از نشاط و خوبی‌ها

خدا را سپاسگزارم و از صمیم دل خوشحال که یک بار دیگر این توفیق را عنایت کرد به نیویورک بیابیم و با هموطنان عزیز ایرانی ملاقات بکنیم. بگذارید همین ابتدای کار آن احساسم را به شما بگویم، معمولاً ما در این سفرها که می‌رویم، کارهای ما بسیار، بسیار فشرده است. همین الان بیش از ۲۴ ساعت است که ما تقریباً سرپا هستیم؛ یعنی از قبل از اذان به وقت تهران تا الان، اما در این سفرها، خب کار و بحث هست، می‌دانید، سفرهای دیپلماتیک و بحث‌ها و سر و کله زدن با بعضی‌ها که حالا عده‌ای از آنها خوب اند و عده‌ای از آنها باید خیلی فشار بیاوری تا مطلب تو سرشان فرو برود.

آنجا که مایه آرامش است و یک جا همه خستگی‌ها را از تن آدم بیرون می‌برد، جلسه دیدار با ایرانیان عزیز است.

هر جا که می‌رویم در هر کشوری، وقتی که با ایرانیان ملاقات می‌کنیم، می‌بینیم آنجا یک پارچه شور و نشاط و همدلی، پاکی، همت، اراده و بلند نظری، انسانیت و همه خوبی‌ها زیر یک سقف جمع می‌شود. وقتی که انسان این همه عظمت را می‌بیند، هم افتخار می‌کند و هم خدا را شکر می‌کند که قطره‌ای از اقیانوس بیکران ملت عزیز ایران است.

می‌خواهم صحبت‌های من طولانی نباشد که شما خسته نشوید. طبیعی است وقتی

ما همدیگر را می بینیم، حرف‌های فراوانی برای گفتن داریم به خصوص درباره ایران عزیزمان، که قلب تک تک ما به عشق او می تپد و همه همت‌های ما برای آبادانی او صرف می شود.

خدا را سپاس می کنم که ملاقات امسال ما را در ماه مبارک رمضان قرار داد. ماه رمضان ماه خوبی‌ها و زیبایی‌ها، عشق‌ها و محبت‌ها، پاکی‌ها و طهارت‌هاست؛ ماهی است که درهای رحمت خدا باز می شود، همین طور باران رحمت به سوی موحدان و انسانهای خوب می بارد.

من خدا را سپاسگزارم که این دیدار را در ماه مبارک رمضان قرار داد. ماه رمضان هم ماه پاکی درونی و هم پاکی اجتماعی است، ماه رفع کدورت‌ها، صلح، دوستی، ماه افطاری دادن‌ها، محبت کردن‌ها، بزرگواری کردن‌ها و دور هم جمع شدن‌ها، ذکر خدا گفتن، قرآن تلاوت کردن و عبادت کردن است. خدا را سپاسگزارم که در این ماه توفیق دیدار با شما نصیب شد.

من می خواهم یک مطلب درباره ایران و ویژگیهای ایران زمین عرض کنم و یک مطلب درباره اوضاع امروز داخل ایران و کارهایی که می‌شود، یک مطلب کوتاهی هم راجع موضوع هسته ای برایتان بگویم، و دست آخر هم یک سفارشی به هموطنان عزیزم داشته باشم.

ایران کانون جوشش فرهنگ و تمدن

اما درباره ایران، شما می دانید، این‌ها را می خواهم بگویم که همه دنیا بدانند، گرچه همه انسان‌های منصف دنیا و آنهایی که آشنا به تاریخ اند، آنهایی که علم و اندیشه شان عمیق است، این حرف‌ها را می دانند. دنیا بدانند ایران همواره کانون جوشش فرهنگ و تمدن بوده است.

بروید به تاریخ نگاه کنید. هر ملتی و هر کشوری با یک ویژگی شناخته می شود. وقتی به ملت ایران می‌رسیم، ویژگی ممتاز و برجسته ملت ایران، فرهنگی بودن، انسان دوست بودن، عاقل بودن و با تدبیر بودن است. این ویژگی برجسته ملت ماست که در تاریخ می درخشد.

ملت ایران قریب هفت هزار سال سابقه تمدنی دارد. وقتی این هفت هزار سال را مطالعه می کنیم، ویژگی‌های بسیار برجسته ای که همه آنها ریشه فرهنگی دارد، به

چشم می خورد.

یکی از زیباترین ویژگی‌های ملت ایران این است که در طول تاریخ ملت ایران همواره موحد بوده است.

حتی در این کاوش‌های باستان‌شناسی بسیار گسترده، یک نشانه هم پیدا نشده است که ملت ایران در طول تاریخش راهی غیر از یکتا پرستی را دنبال کرده باشد. ویژگی دیگر ملت ایران این بوده که همیشه کمال جو بوده، ملتی بوده که در یک جا نایستاده، هر برشی که از تاریخ پر افتخار ملت ایران می‌زنیم، می‌بینیم در آن مقطع، هر شرایط سیاسی حاکم بوده، ملت ما، ملت کمال جویی بوده، یعنی همیشه بهترین‌ها را انتخاب کرده و همیشه به سمت جلو و به سمت قله‌های تعالی حرکت کرده، هیچ وقت ما سراغ نداریم که ملت ایران در جا زده باشد. یا یک چیز بهتر را رها کرده باشد و چیز بدتری را انتخاب کرده باشد.

از ویژگی‌های دیگر ملت ایران این است که همیشه حقیقت‌جو و حق‌طلب بوده است، ما در تاریخ سراغ نداریم که یک کسی آمده باشد یک حرف روشن و حقی زده باشد، ملت ایران در مقابل او مقاومت کرده باشد. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد.

ملت ایران همواره در مقابل سخن حق و سخن درست خاضع بوده و آن را می‌پذیرفته، شما شنیده‌اید ما تنها ملتی هستیم که با اشتیاق وقتی دعوت اسلام آمد، خود ملت ایران اسلام را پذیرفت، والا هیچ کس قادر نبود، هیچ امری را به ملت ایران تحمیل کند، چرا؟ چون ملت ایران حق‌طلب است، یک حقیقت را ببیند، می‌پذیرد، استدلال درستی را ببیند، می‌پذیرد.

ملت ایران تنها ملتی است که با اینکه قلبش مالا مال از عشق به ایران است، اما این عشق سوزان مانع این نمی‌شود که چشمش را به روی حقایق ببندد و اگر کسی کلام حقی، حرف درستی و ایده روشنی داشت، او را کنار بزند، این جزء ویژگی‌های ممتاز ملت ایران است.

ایران کشور میراث فرهنگی

از ویژگی‌های دیگر فرهنگ سازی است. امروز بحث میراث فرهنگی و این‌ها، بحث بسیار مهمی است در جوامع، بیاییم ایران را ورق بزنیم، تاریخ ایران را ورق بزنیم. قطعه قطعه خاک زیبا و گلستان ایران را ورق بزنیم، و جب به جب ایران سرشار از

میراث غنی فرهنگی است.

شما می دانید، بالاخره بنده شاید تنها کسی هستم که به همه جای ایران سفر کرده ام. تمام شهرستانهای ایران را دیده‌ام، تاریخ تمام بخشها، شهرستانها و مناطق ایران را مطالعه کرده ام، به شما می توانم به طور قاطع بگویم در چیزی حدود ۳۶۰ شهرستان ما و بیش از ۱۰۰۰ بخش ما حتی یک بخش و یک شهرستان پیدا نمی شود، وقتی مطالعه می کنیم دارای یک میراث غنی فرهنگی نباشد.

آن قدر آثار فرهنگی ایران فراوان است که ما نمی توانیم به آن برسیم. در بعضی کشورها می رویم، بالاخره یک ساختمان یا معماری ای دارند که ارزشمند است اما آن چنان قابلی هم نیست. آن قدر به آن رسیده اند، پرداخته اند توریست می برند، برایش جزوه چاپ کرده اند، فیلم درست کرده اند، مقاله می نویسند، کاتالوگ درست کرده اند، اما در روستاهای دورمان می بینیم چند تا از اینها بسیار غنی تر، زیباتر، انسانی تر، مردم دارند داخل آن زندگی می کنند. الان سازمان میراث فرهنگی ما با همه توان دارد اینها را شناسایی و ثبت می کند و ثبت جهانی می دهد. در عرض دو سه سال تعداد میراث فرهنگی ما از سیزده هزار گذشت، از بیست هزار گذشت. میراثی که هر کدامش یک ارزش تاریخی و قابل عرضه کردن به همه دنیاست. این سابقه ایران است.

حالا یک شوخی کنم با بعضیها که می خواهند انتقام بکشند از ملت ایران؛ می دانند در مقابل همبستگی، ایمان و اراده ملت ایران نمی توانند بایستند. با تحریف تاریخ می خواهند از تاریخ ملت ایران انتقام بگیرند. من شوخی کردم با یکی از دوستان، این فیلمی که ساخته بودند که عقده گشایی کرده اند از ملت ایران، در آن آمده بود که در زمان داریوش کبیر ما بیست و هفت کشور از حاکمیت ایران تبعیت می کردند. من در یک جلسه ای گفتم، اشتباه می کنید حق ایران را ضایع کردید. آن موقعی که تاریخ را می خواندیم و مستند است، ۴۲ ملیت از ملت ایران تبعیت می کردند نه ۲۷ ملت.

البته این نبوده که ایران با زور بمب اتم و موشک، تهدید و این به خاطر فرهنگ غنی و متعالی ایران بوده، جامعه ایرانی آن قدر پیشرفته، متعالی، منضبط، و انسانی زندگی می کرده که تبعیت از فرهنگ ایران برای دیگران یک افتخار بوده، این نبوده به زور ایرانیها بروند و بگویند شما باید از ما تبعیت کنید. نه خیر. درست است که ایران همیشه یک کشور مقتدر بوده، اما در تاریخ ایران، ما حتی یک صحنه سراغ نداریم که

بعضی حکومت‌هایی که ملت ایران هم خیلی دل خوشی از آنها ندارد، آنها رفته باشند تجاوز و سرکوب کرده باشند.

چنین چیزی نداریم. حتی آنجایی که دشمن را دفع می‌کردند، سرکشها را دفع می‌کردند، حاکمیت ایران در مرز فلات ایران می‌ایستاده، عقب تر نمی‌رفته، می‌رفته سرکوب می‌کرده متجاوز را، همان متجاوز را می‌نشاند همانجا می‌گفته ادامه بده حکومت را اما دیگر در سرت خیال تجاوز به ایران راه نده!

دنیا می‌داند و بداند سهم ملت ایران در علم، هنر، اندیشه، فرهنگ و ارزش‌های انسانی سهم بسیار ممتازی است، سهمی یگانه است. کدام ملتی هست که در هر بخش علمی وارد می‌شویم، صدها دانشمند درجه یک را معرفی بکند. در ریاضیات بهترین دانشمندان تاریخ بشر متعلق به ایران اند. در پزشکی بهترین دانشمندان متعلق به ایران اند. در هئیت و نجوم و ستاره شناسی متعلق به ایران اند. آن موقعی که در بعضی از کشورها گالیله را به جرم اینکه گفت زمین گرد است و می‌چرخد تا پای گیوتین بردند ۴۰۰ سال ۵۰۰ سال قبل از آن برای دانشمندان ایرانی حرکت زمین، کروی بودن زمین، چرخش زمین، یک مسئله بسیار عادی بود.

در هنر و ادبیات که اصلاً کی می‌تواند با ملت ایران همپایی بکند. و هنرمندان و نویسندگان و شعرای بزرگ ایران افتخار همه بشریت اند. ملت ایران همیشه یک ملت فرهنگی بوده است. ملت ایران همواره دوستدار سایر ملتها بوده است.

امروز هم همین طور است. هر جای دنیا شما بروید، می‌بینید ایرانی‌هایی که آنجا زندگی می‌کنند منشأ خیر، لطف و دوستی اند و هر جا ایرانی‌ها می‌روند و در هر جامعه ای خودشان را به سرعت بالا می‌کشند. در صنعتی وارد می‌شوند موفق اند، در کار علمی، تجاری، فرهنگی و حتی در کار سیاسی هم که وارد می‌شوند، موفق اند. ما الان می‌بینیم. اصلاً کجا ایرانی‌ها آزارشان به کسی رسیده است؟ ایرانیان در طول تاریخ هیچ گاه قصد تجاوز نداشته اند و آزار و اذیتشان به کسی نرسیده است، اما تاریخ شاهد است هرکس اراده کرده است، حقوق ملت ایران را ضایع بکند، ملت مقتدر ایران داغ ننگ را بر پیشانی او چسبانده است.

ایران کشور دوستی‌ها و پیشرفتهای بزرگ علمی

ملت ایران همواره صلح طلب بوده، همواره طرفدار صلح و امنیت در جهان بوده،

اصلاً پیام ملت ایران، پیام صلح و دوستی است. فرهنگ ملت ایران، فرهنگ صلح و دوستی و برادری است، اما تاریخ بارها تجربه کرده است که این ملت ممکن است از خیلی چیزها بگذرد، اما از حقوق اساسی خود، از سرزمین و منافع ملی خود حتی سرسوزنی عقب نشینی نخواهد کرد.

حالا بگذارید یکی دو کلمه راجع به ایران بگویم. البته شما خبر دارید، اما می‌خواهم بگویم که دنیا هم بداند، امروز به لطف خدا، قطار پیشرفت ایران روی ریل صحیح، با سرعت روز افزون در حال حرکت است.

یک ماه قبل من رفتم از یک مرکز تحقیقاتی بیوتکنولوژی که روی سلول‌های بنیادین و در موضوع ژنتیک کار می‌کنند دیدار کردم. بعضیها را نمی‌توانیم امروز بیان کنیم. می‌دانید که در دنیا عده‌ای هستند که مخالف پیشرفت ملت‌ها هستند اگر بفهمند یک ملتی پیشرفت کرده، به عکس ملت ایران‌اند، به جای اینکه خوشحال بشوند عصبانی می‌شوند، خودشان را دچار زحمت و اذیت می‌کنند.

به شما بگویم به لطف خدا دانشمندان ما در بسیاری از زمینه‌ها از جمله زمینه‌های ژنتیک و بیوتکنولوژی، سلول‌های بنیادین، الان دستاوردهایی دارند که منحصر به فرد است و دستاوردهایی دارند که فقط دو سه کشور اینها را در دنیا دارد و دستاوردهایی دارند که حداکثر ۱۸ کشور به آنها دسترسی پیدا کرده و هر روز یک کشف جدید.

در نانوتکنولوژی، هوا فضا، شیمی و فیزیک هم همین طور است. شما الان آمارها را ببینید، هر سال مقالات علمی که دانشمندان ایرانی می‌دهند در دنیا، با سرعت تصاعد هندسی دارد بالا می‌رود.

سازمان‌دهی انقلاب اقتصادی در کشور

در بخش‌های دیگر هم همین طور است. امروز سیاست‌های اصل ۴۴ ابلاغ شده، ما به سرعت در حال سازمان‌دهی و مقدمه‌سازی یک انقلاب اقتصادی در کشور هستیم. همه ملت دست به دست هم بدهند با یک تلاش ملی و عمومی ان شاء الله ایران عزیز را بسازیم که شایسته نام ملت ایران بشود.

من نمی‌خواهم روی اینها زیاد سر شما را در بیاورم. من یادم هست ما سال ۵۴، ۵۵ دانشجوی بودیم می‌رفتیم برای بازدید از روستاهای دور و مناطق محروم. از ۶۵ هزار روستای کشور حتی ۵ هزار روستا هم آب، برق، راه، این‌ها نداشتند، اما به سرعت الان

آبادانی دارد به اعماق کشور می‌رود.

صد در صد روستاهای بالای ۲۰ خانوار ما الان دارای برق اند، ۹۵ درصد آب دارند، راه که همه دارند الحمد لله. الان در روستاهای ما خطوط تلفن، شبکه اطلاعاتی رفته، بعضیها در خانه هایشان دستگاه رایانه گذاشته اند و با دنیا ارتباط الکترونیکی برقرار می‌کند. گرچه هنوز تا رسیدن به قله راه طولانی در پیش داریم. اما سرعتمان بسیار بالاست.

من می‌دانم که همه شما از شنیدن اخبار پیشرفت ایران با همه وجود خوشحال می‌شوید. در بخش انرژی، نفت، صنعت، بعضی‌ها که می‌آیند تبلیغات غیرواقعی می‌کنند، بدانند همین امروز میزان تقاضای سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران روز افزون است. شش ماهه اول امسال به اندازه کل سال گذشته، کل سال گذشته چهار برابر سال قبل و سال قبل دو برابر سال قبل تر تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران داریم و همین مقدار داخلی.

من نمی‌خواهم در این زمینه زیاد شما را معطل کنم. ان شاء الله نمایندگی هم که خانه شماس، باید به طور مرتب اخبار ایران را در اختیار هموطنان عزیز قرار بدهد. اگر هموطنانی می‌خواهند ارتباطی با کشور داشته باشند، خودشان کاری بکنند، یا کشور باید کاری برای هموطنان عزیزمان در خارج از کشور انجام بدهد، باید به طور پیوسته ارتباط برقرار باشد و حتماً آقای خزایی جلسات مفصلی در طول سال باید با شما داشته باشند.

فتح قله‌های هسته‌ای از سوی نخبگان ایرانی

اجازه بدهید یک جمله هم درباره هسته‌ای عرض کنم و دو تا درخواست از شما و نمایندگی در پایان داشته باشم.

سال گذشته یادتان هست که اینجا در موضوع هسته‌ای با هم صحبت کردیم. یکی از قله‌هایی که امروز ملت ایران به آن دسترسی پیدا کرده، فناوری تولید سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز است.

شما سابقه آن را دارید، من وارد نمی‌شوم. اما همین مقدار بدانید. ملت ایران و دانشمندان ما بدون کوچک‌ترین کمک خارجی و در شرایطی که در مقابل ما مانع درست می‌کردند، فشار سیاسی، تحریم فناوری و تکنولوژی، تحریم اقتصادی و انواع

مختلف تحریم بود، جوانان و دانشمندان ما به قله هسته ای دسترسی پیدا کردند. عده ای در دنیا هستند که چند ویژگی دارند؛ اولاً انحصار طلب هستند، دوست دارند همه خوبی‌ها، همه علم‌ها، و ثروت‌ها در اختیار آنها باشد.

دومین ویژگی آنها این است که خیلی خودخواه هستند و خیال می‌کنند رئیس دنیا هستند، خیال می‌کنند این سقف آسمان باز شده فقط اینها پایین افتاده‌اند و خودشان را برتر از دیگران می‌دانند، برای دیگران حق پیشرفت، زندگی، رفاه و علم قائل نیستند. اینها می‌خواهند در اختیار خودشان باشد و اگر دیگران نیاز پیدا کردند، بیایند دست‌هایشان را جلوی این‌ها دراز کنند، التماس کنند بعد این‌ها هم قطره قطره و با تحمیل سیاسی به این‌ها بفروشند.

طبیعی است که با پیشرفت ملت ما مخالف اند. سال گذشته هم من گفتم. این که می‌گویند بمب اتم و فلان خودشان هم می‌دانند دروغ می‌گویند. گزارش‌های آژانس هم که هست، هر بار که گزارش می‌دهند، می‌گویند ما هیچ انحرافی ندیده‌ایم.

هیچ اثری از انحراف ندیده ایم. فعالیت‌های ایران صلح آمیز بوده در مسیر قانون بوده.

بدانید بیشترین همکاری را ما با آژانس کرده‌ایم، چون ما ملتی هستیم که در مقابل قانون مقاومت نمی‌کنیم. می‌گوییم قانون، بسیار خوب، البته یک حاشیه ای به آن می‌زنیم که آن را خواهیم گفت. ما تابع قانونیم، بیشترین همکاریها، بیشترین بازرسیها را با آژانس ما انجام داده ایم، برای اینکه ما ریگی در کفش هایمان نیست. ما می‌خواهیم درست کار کنیم و انرژی صلح آمیز هسته‌ای را در خدمت پیشرفت ملتمان قرار دهیم. حرفهایمان را راحت می‌زنیم. ما با کسی رودربایستی نداریم. وقتی که ما موشک شهاب ۳ را ساختیم علنی آمدیم گفتیم ما یک موشک ساختیم می‌تواند این قدر را بزند.

ما رو در بایستی نداریم. همه چیزمان رو است. حالا در پراتنز بگوییم. با مأموریت یک خبرنگاری پربروز از همین جا آمده بود که مرا عصبانی کند، مرتب توهین می‌کرد، یک جا گفت: تعهد می‌دهی که شما بمب اتمی نسازید.

من گفتم آنهايي که بمب اتم می‌سازند و بمب اتم دارند اینها از نظر سیاسی عقب

افتاده های روزگار ما هستند. گفتم آخر الان حیف پول نیست که آدم بدهد بمب اتم بسازد. به درد چه می خورد؟ اگر بمب اتم در شرایط امروز جهان به درد بخور بود، اتحاد شوروی را حفظ می کرد، اتحاد شوروی چند هزار کلاهک اتمی داشت، اما کلاهک اتمی اش نتوانست از فروپاشی اش جلوگیری بکند.

الان آنهایی که راه افتاده اند چند هزار کیلومتر رفته اند در عراق همه شان بمب اتم دارند، این بمب اتم توانست آنها را از باتلاق عراق نجات بدهد؟ نتوانست نجات بدهد. به چه دردی می خورد پول مردمشان را خرج بمب های نسل چهارم و نسل پنجم می کنند و مرتب انبار می کنند. این پول را بیاورند چهل میلیون فقیر هست در این کشور به فقرای این کشور برسند، اگر دنبال رأی و انتخابات هم هستند، بالاخره چهل میلیون رأی هم ، چهل میلیون رأی است دیگر، به اینها برسد به نفع شماست.

شکست جنگ روانی علیه ایرانیان

آنها خودشان هم می دانند که ملت ایران نیازی به بمب اتم ندارد، اما چرا آن قدر مخالفانند و پافشاری و لجاجت می کنند که حاضر هستند آبروی خودشان، شعارهای خودشان و حتی سازمان های بین المللی که خودشان درست کرده اند که وسیله آن سازمانها بر دنیا حکومت کنند، آبروی آن سازمان ها را هم دارند می برند. چرا؟ علت آن یک جمله بیشتر نیست. من خدمتتان عرض می کنم البته شما ها هم می دانید.

عزیزان، علتش به همان ویژگیهای ایران برمی گردد. آنها می دانند اگر در دنیا منتشر شود که علی رغم محاصره اقتصادی، فشار سیاسی، تضییقات، تحریمات، ملت بزرگ ایران توانست به قله انرژی هسته ای دسترسی پیدا کند، تاریخ ایران زنده می شود و به سرعت ایران به عنوان الگوی همه ملتها انتخاب خواهد شد.

آن ها از این می ترسند، والا این ها هر کدامشان چند هزار کلاهک، موشک ها و ... دارند. من دیدم آقا فکر کرده یک چیزی پیدا کرده، مثلاً حالا خیلی کشف کرده، آمده گفته است، بله با این دستگاه هایی که ایرانی ها گذاشته اند ظرف یک سال می توانند یک عدد بمب بسازند. بابا ملت ایران وقتی این مردم را دارد که تک تک آنها یک قله آتشفشانی از عشق، کار، همت و شجاعت است، دیگر بمب می خواهند چه کار؟

الان کجای کار هستیم؟ این سر و صدا ها را نبینید. این عصبانیت ها برای این است که در مقابل ملت ما کم آورده اند. این ها دو سه سال است مرتب فریاد می زنند

حمله می کنیم، حمله نظامی می کنیم. ساعت ۴ صبح روز ۱۳ فروردین می خواهیم ۱۲۰ نقطه ایران را بمباران کنیم.

دو سال است همواره جنگ روانی، ما آنیم که اگر تصمیم بگیریم، چه خواهیم کرد. مرتب دارند رجزخوانی می کنند. من می خواهم خدمت شما بگویم. این رجزخوانی ها به خصوص این حنجره درانی های این چند روزه به خاطر این است که فهمیده اند دیگر در مقابل ملت ایران دستشان به جایی بند نیست.

بگذارید بعضی خاطرات را بگویم. اینها آمده اند گفتند اگر شما بخواهید تأسیسات هسته ای تان را راه بیندازید حمله نظامی می کنیم. شما می دانید تأسیسات اصفهان اصلاً جزو پادمانها و مقررات آژانس هم نیست، آن قدر اینها پرروی کرده بودند، تحمیل کردند به ملت ما که آن را تعطیل کنند. آن اواخر رسماً اینها را تقاضا کردند. گفتند تمام رشته های دانشگاهی فیزیک و شیمی و مکانیک را که به گونه ای در خدمت انرژی هسته ای است هم باید تعطیل کنید. بعد از طرف ما به آنها گفته بودند ما می خواهیم تحقیقات کنیم، ما می خواهیم ۲۰ سانترفیوژ، داشته باشیم کار تحقیقاتی کنیم. گفته بودند شما برای اینکه ۲۰ تا سانترفیوژ داشته باشید، باید بیاید ۱۰ سال با ما مذاکره کنید تا بعداً شاید ما اجازه بدهیم شما ۲۰ تاسانترفیوژ داشته باشید.

ملت ایران دید که اینها دروغ می گویند که می گویند ما می خواهیم اعتماد پیدا کنیم. اینها مثل اینکه یک نقشه ای دارند می خواهند قدم به قدم ملت ایران را از حقوقش محروم کنند. بعداً هم در جلسات به ما گفتند ما اصلاً قبول نداریم که شما انرژی هسته ای داشته باشید. ما با اجازه شما گفتیم: شما چه کاره هستید که قبول نداشته باشید؟

بالاخره ملت ایران تصمیم گرفت کار را راه بیندازد. وقتی اصفهان را که جزو چرخه سوخت نبود می خواستیم راه بیندازیم. گفتند حمله می کنیم، می زنیم، داغان می کنیم، گفتیم بسیار خوب ما باز می کنیم، ببینیم شما چکار می توانید بکنید. آنجا را باز کردیم دوباره سر و صداها و فریادها. گفتند اگر متوقف نکنید ما شما را محکوم می کنیم، می بریم در شورای امنیت. گفتیم بسیار خوب شما از دستتان آن برمی آید. شما آن کار را بکنید، بلافاصله ما هم یک چرخه ۱۶۴ تایی راه می اندازیم که بچرخد و تولید کند.

آنها کار خودشان را کردند، ما ۱۶۴ تایی را راه انداختیم. قطعنامه صادر کردند دو ماه مهلت دادند، گفتند اگر این را تعطیل نکنید، شما را محکوم می کنیم، تحریم می کنیم. گفتیم بسیار خوب، شما کار خودتان را بکنید، ما هم کار خودمان را می کنیم. بالاخره هر کس هر کاری که بلد است می کند، شما کار خودتان ما کار خودمان. آنها قطعنامه دادند که بله مثلاً فلان افراد را راه نمی دهیم در کشورمان، فلان کالا را به ایران نمی دهیم. فلان کار را اجازه نمی دهیم بشود.

گفتیم بسیار خوب کی شما اینها را اجازه داده بودید؟ شما الان ۲۷ سال ۲۸ سال است که قطعه هواپیمای مسافربری به ما نمی دهید که تمام مقررات جهانی می گوید که باید بدهید. شما چه داده اید که حالا می خواهید جلوی ما را بگیرید. قدم به قدم آنها هر قطعنامه ای که صادر کردند، ما یک قدم جلو رفتیم. تا جایی که امروز چرخه تولید صنعتی سوخت در کشور ما به فضل خدا فعال است و دارد کار می کند.

در این فاصله خیلی حرفها به ما زده اند. جالب بود چند بار به ما گفتند که ما فکر می کردیم اگر شما را تهدید کنیم، اگر بگوییم می بریم شورای امنیت، اگر تحریم کنیم، شما حتماً تسلیم می شوید. ما هم در هر مرحله به آنها می گفتیم شما اشتباه می کنید. اینها یک چیز قبلاً دیده بودند، خیال می کردند همان طور است. ببینید یک آژانس در دنیا تأسیس شده ۵ - ۱۴۴ کشور در آن عضوند و ما هم عضو آن هستیم. این آژانس یک اساسنامه دارد، این اساسنامه چه می گوید: می گوید اولاً همه اعضا حق دارند خودشان چرخه کامل سوخت را داشته باشند. ثانیاً هیچ عاملی حتی بازرسیها حتی شورای حکام نمی تواند یک عضو را از داشتن چرخه سوخت هسته ای محروم کند. سوم چه می گوید: می گوید همه اعضا باید به یکدیگر برای به دست آوردن چرخه سوخت کمک کنند و خود آژانس هم باید کمک بکند.

در مقابل اعضا چه کار باید بکنید؟ باید مقررات آژانس را رعایت کنند و از مسیر صلح آمیز منحرف نشوند.

من به شما می گویم، دنیا هم بداند. ملت ایران تا امروز همه تکالیفش را انجام داده است، اما سرسوزنی از حقوق خودش که کمک دیگران است، بهره ای نبرده است. ملت ایران طلبکار اینهاست. اینها آمده اند مسیر را منحرف کرده اند. اعضای

آژانس یک کار حقوقی با آژانس دارند. خاصیت آژانس این است که بیاید نظارت کند، سوال کند و اعضا هم جواب بدهند. یعنی چه می‌بریم شورای امنیت؟ یعنی چه تحریم می‌کنیم؟ به چه دلیل؟ این بر می‌گردد به همان روحیاتی که اول گفتم؛ روحیه خودخواهی، انحصار طلبی، زیاده‌طلبی، اینکه خودشان را برتر و آقا می‌دانند، برمی‌گردد به آن روحیه.

یک مدت طولانی ما را معطل کردند. الان به لطف خدا و به لطف ایستادگی شما، یادتان باشد ایستادگی شما مثال زنی است. من یک گزارش محرمانه از یکی عناصر پشت پرده همین امریکا خواندم. به رئیس جمهورشان نوشته بود که در این قضیه هسته‌ای با ایرانیان درگیر نشو. مقابل انرژی هسته‌ای ایرانیها ایستادگی نکن. نمی‌توانید کاری جلو ببرید.

بعد استدلال کرده و اسم برده بود از بعضی از ایرانی‌ها که ساکن اینجا هستند. که شاید کسی اسم آنها را بشنود، خیال کند آنها به وطنشان علاقه چندانی ندارند. اما این آقا برای رئیس جمهورشان نوشته بود که فلانی اشتباه نکنی. ایران امروز ۷۰ میلیون انسان متحد است.

بعد گفته بود من با فلان آقا، همان آقایی که مشخصاتش را گفتم، رفتم صحبت کردم، او به من گفته جلوی ایرانی‌ها نایستید، اگر سر قضیه هسته‌ای شما بخواهید با ایرانیها هر جور تقابل و برابری کنید، من ایرانی از اینجا می‌روم آن جا و در مقابل شما با قدرت می‌ایستم.

امروز به لطف این همبستگی، ایمان، و به لطف خدا موضوع دوباره به آژانس برگشته و آژانس دارد نقش خودش را پیدا می‌کند، این‌ها قبلاً به آژانس تحمیل کردند و فشار آوردند و آژانس را کنار زدند. آژانس آمده نقش خودش را پیدا کرده است.

ما می‌گوییم همین درست است و کار در همین مسیر باید برود و این عصبانیت این روزهایشان برای این است می‌بینند که موضوع دیگر از دست آن‌ها دررفته، آژانس آمده گزارش قانونی تهیه کرده که همه کارهای ایران، کارهای درستی است. چون نمی‌توانند از مسیر قانونی و حقوقی و درست کاری انجام بدهند، تلافی آن را سر حنجره شان در می‌آوردند. مرتب فریاد می‌زنند، داد می‌زنند، تهدید می‌کنند، ولی بدانند که در این مرحله هم به لطف خدا هیچ کاری نمی‌توانند علیه ملت ایران انجام

بدهند.

ایرانیان خارج از کشور، سفرای فرهنگی ملت ایران

باید وحدت‌مان را حفظ کنیم. جمله آخر من است. عزیزان من سال قبل هم گفتیم، هر ایرانی در هر کجای دنیا هست، سفیر فرهنگ ملت ایران است؛ همه، تک تک ایرانی‌ها از کوچک و بزرگ برای ملت ایران عزیزند. آنکه شصت سال قبل رفته، الان بچه هایش شاید فارسی بلد نیستند، آنها هم برای ما عزیزند تا آن کسی که الان رفته یا هر موقعی دیگری که علاقه مند باشد، هر نقطه دنیا را برای کار و علم آموزی و فعالیت انتخاب کند. همه شان عزیزند. تک تک شما سفیر فرهنگ ملت ایران اید. باید هم بسته باشید. باید با هم و متحد باشید.

پشتیبان هم باشید. مشکل باشید چه اشکالی دارد تجار ایرانی ساکن این کشور با هم یک انجمن قوی داشته باشند، همدیگر را پشتیبانی کنند و ایران عزیز را هم پشتیبانی کنند. پزشکان ما همین طور، مهندسين ما همین طور. آنهایی که شغل آزاد دارند همین طور. فرهنگی هایمان همین طور. به نظر شما اشکالی دارد؟ با هم باشید، مشکل داشته باشید، بنشینید، فکر کنید. برای دنیا فکر کنید و برای ایران عزیز هم فکر کنید. این توانمندی در شما هست. دولت هم در خدمت شماست. نمایندگی باید در خدمت ایرانی‌ها باشد و از تک تک ایرانی‌ها و تمام فعالیت‌های مثبت ایرانیان عزیز پشتیبانی بکند.

شما می دانید ما در اصلاح ساختارهای کشور سی و پنج شش تا شورای عالی بود که همه را رئیس جمهور باید شرکت می کرد. ما همه اینها را در هم ادغام کردیم. سه یا چهار تا شورا درآمد اما به دلیل اهمیت موضوع شورای عالی ایرانیان را مستقل نگه داشتیم. و گفتیم این شورا باید با تمام توان برنامه ریزی کند، برای خدمت به هم وطنان عزیز که خارج از کشور زندگی می کنند.

جناب آقای مهندس مشایی که معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی هستند، ایشان رئیس این شورا و در واقع جانشین رئیس جمهور در آنجا هستند. یک سازمان دهی بسیار خوب کردند که بیایند از ایرانیها در همه دنیا هر جا که هستند پشتیبانی کنند. ایشان هم می مانند در این سفر، اینجا یکی دو روز می مانند. عزیزانی که ایده و طرح دارند و سعی می کنند به جاهای مختلف سفر کنند، جلسات

داشته باشند. ایده ها و اندیشه ها را بدهید.

من می دانم این طوری هستید و بالاخره من به عنوان خادم شما چون ثبت می شود در تاریخ، باید بگویم، می دانم شما این طوری هستید، اما بالاخره شما و فکر و اندیشه تان و توان خود را تقسیم بندی می کنید. می دانم یک بخشی را مخصوص ایران استثنا کرده اید و قرار داده اید. بالاخره یک بخشی از شبانه روز را بگذاریم برای ایران، اعتلای ایران، افتخار ایران و عظمت ایران، فکر، طراحی و اندیشه کنیم و راه حل بدهیم.

دفتر نمایندگی پشتیبان و خانه ایرانیان در خارج از کشور

یک سفارشی هم به نمایندگی بکنم، سال قبل هم گفتیم، اصلاً ایران یک خانواده است. ملت ایران یک خانواده است. رئیس و مرئوس، این حرفها اصلاً در ایران بر نمی دارد. بنده که عنوان رئیس جمهور دارم افتخارم این است کوچک ایرانیها و خادم همه ملت ایران هستیم.

دفتر نمایندگی مال شماهاست. مال ایران و ایرانیان است، باید خانه ایرانیان و پشتیبان ایرانیان باشد. امیدوارم خبرهای خوبی در این زمینه بشنوم.

جمله آخر، در این سفر بعضی از همکاران، ما را همراهی می کنند. هستند، در پایان همین جلسه هم در یکی از این اتاقها پیش بینی کرده اند می نشینند. اگر کسی کار فوری دارد یا موضوعی دارد که باید حتماً حل بشود مراجعه کند. خود جناب آقای مشایی هستند، آقای وزیر امور خارجه هستند. معاون ایشان معاون اقتصادی وزارت خارجه هستند، برای سرمایه گذاریها، پشتیبانیها، رفع گیرها، وزیر محترم دادگستری آمده اند که اگر کسی کاری موضوعی و سؤالی دارد، نیاز دارد پشتیبانی قضایی شود چه در اینجا، چه در ایران، ایشان آمده اند و هستند. اگر کسی هست آنجا می تواند مراجعه بکند. سردار کارگر (رئیس نظام وظیفه عمومی) آمده اند، چون خبر دادند بعضی جوانهای ما مشکل نظام وظیفه و سربازی دارند. ایشان آمدند همین جا حل کند، کسانی که مشکل دارند.

زبان فارسی حامل متعالی ترین فرهنگ انسانی

در شورای عالی ایرانیان چند تا تصمیم خوب گرفته شد برای اینکه ارتباطات زیاد باشد. این را یادم رفت بگویم، می دانستم شما می دانید، بالاخره ته دل شما ایران

است، عشق شما، اصلاً ایرانی مگر می تواند برود جایی و عشق ایران در دلش نباشد؟ بدانید تنها ملتی هستیم که هر جا که برویم، ۱۲۰ ساله هم که باشیم، آخر عمری وصیت می کنیم که من اگر از دنیا رفتم، مرا ببرید در خاک مقدس ایران دفن کنید. باید ارتباطتان با ایران قوی باشد. فرهنگ ایران را باید حفظ کنیم. فرهنگ ایران، فرهنگ تعالی، پاکی، عدالت، خدا پرستی، صلح و برادری است. این را باید حفظ کنید. به خصوص برای بچه هایمان. این ارتباط باید برقرار باشد. دیگر طراحی آن با شماهاست. ما کمک می کنیم.

ما پارسال از اینها خواستیم اجازه بدهند که یک پرواز مستقیم بگذاریم بین تهران و نیویورک که مردم راحت بتوانند بروند و بیایند، این را متأسفانه موافقت نکردند و امیدواریم امسال موافقت بکنند.

درباره زبان فارسی، زبان فارسی حامل زیباترین و متعال ترین ادبیات و فرهنگ انسانی است. این را باید حفظ کنیم، کلاسها را بگذارید. دولت هم کمک می کند. اگر بناست استادی بیاید، کلاس ویژه‌ای باشد، نواری بیاید، خود شما ابتکاری بکنید. این باید جاری باشد. این رمز جاودانگی و پایداری ماست، هویت ملی ماست و رمز همبستگی ماست .

از همه شما صمیمانه تشکر می کنم. ان شاء الله عبادت شما قبول باشد. ان شاء الله در شب قدر خدای متعال برای شما، ملت ایران، و همه بشریت بهترین سرنوشت را رقم بزند و آن سرنوشت پیروزی همه ملت‌ها و رفع زشتی‌ها و بداخلاقی‌ها از جامعه جهانی باشد.

موفق و پیروز و سربلند باشید.

سیاست سلطه در ترازوی نقد^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره
والمستشهدين بين یدیه

انسان حامل اندیشه، استدلال و ابتکار

از اینکه خدا این فرصت گفتگو را در اختیار من قرار داد، سپاسگزارم و از همه کسانی که نقطه نظرات خود را بیان کردند، تشکر می‌کنم. ۲۳ نفر صحبت کردند، مطمئنم اگر فرصت به اندازه کافی بود، همه دوستان مطالبی برای گفتن داشتند و اگر وقت بیشتری داشتیم، کسانی هم که صحبت کردند، حتماً موضوعات بیشتر و بحث‌های بهتری را مطرح می‌کردند.

موضوعاتی که مطرح شد، گرچه موارد مشترک هم داشت، اما بسیار متنوع و متعدد بود. به نظرم رسید، اگر بخواهیم ریشه برخی اختلاف نظرها و برداشت‌ها را بررسی و پیدا کنیم باید سراغ مسائل نظری برویم؛ همان طور که آقای مولانا بسیار خوب اشاره کردند بسیاری از موضوعات از نگاه شما بحث درستی است و از نگاه فرد دیگری بحث غلطی است؛ حتی در یک موضوع واحد، دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضاد و متناقض وجود دارد. اگر به علت پیردازیم خود به خود اختلافات هم برطرف خواهد شد.

به نظرم اگر این جلسات را مغتنم بشماریم که هست برخی از موضوعات مبنایی را مورد گفتگو قرار دهیم اگر در مسایل مبنایی اشتراک نظر پیدا شود؛ آنگاه در عمل و مسائل موردی و جزئی خود به خود اتفاق نظر خواهد بود. اشکال و ریشه برخی از مباحث به نوع نگاه به انسان، حقوق انسان، روابط بین انسان‌ها، حقوق اجتماعی انسان و ارزش‌های حاکم بر رفتار انسان و جامعه انسانی بر می‌گردد.

۱- سخنرانی جناب آقای دکتر احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران در دیدار با پژوهشگران سیاسی و اصحاب رسانه (نیویورک) ۱۳۸۶/۷/۳

من می‌خواهم نگاهی به انسان از دیدگاه خودم داشته باشم. فکر می‌کنم با خیلی از مواردی که مطرح می‌کنم شما موافقید و در مواردی را که اتفاق نظر نداریم، می‌توانیم با گفتگو و استدلال به اتفاق نظر برسیم. باور من این است که خدای بزرگ همه این جهان را برای انسان آفریده است. انسان ارزشمندترین موجود عالم است و اگر انسان نبود، همه خلقت عالم بی‌معنا و مفهوم بود. باید انسان باشد تا از زیبایی‌های جهان بهره ببرد، قدرت‌ها و توانمندی‌های آن را کشف کند و در خدمت خود بگیرد و خدای متعال همه این جهان را مسخّر انسان قرارداد؛ یعنی استعداد تسلط انسان بر جهان را در نهاد او قرار داد؛ ظرفیتهای فکری، اندیشه و خلاقیت و ابتکار را در درون انسان قرارداد. حس کنجکاوری، علاقه به تحقیق و پژوهش در درون انسان باعث شده که انسان تشنه کشف حقایق بشود و در زمینه‌های گوناگون عملی برای تسلط بر طبیعت و کشف حقایق تلاش کند.

باور من این است که همه این آفرینش زمانی معنا پیدا می‌کند که موجودی فهیم، جستجوگر، پراستعداد و کمال جو مثل بشر در آن زندگی کنند، والا همه این استعدادها از آب، زمین، جنگل و زیباییها مفهومی نداشت.

برپایی عدالت و کمال جویی، مهمترین مأموریت انسان

از دید ما انسان مرکز کانون آفرینش است و هر چه هست برای اوست، اما خدا که همه جهان را در خدمت انسان قرار داده است، برای انسان هم مأموریتی معین کرده است. این طور نیست که خدا انسان را خلق کرده باشد و بدون مأموریت و مسئولیت رها کرده باشد. خدا برای انسان مأموریت‌های مهمی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌ها تلاش انسان برای شناخت استعدادها و شکوفایی و بالندگی آن‌هاست؛ تلاش برای کمال و نیل به کمال انسانی برای خود و جامعه؛ تلاش برای آبادانی زمین؛ تلاش برای برپایی عدالت؛ تلاش برای برپایی صلح و دوستی، تلاش برای برپایی یک زندگی سعادت‌مند به نفع همه انسان‌ها و بشریت و تلاش برای سازمان دادن یک حرکت رو به کمال که زندگی جاوید و ابدی انسان را می‌سازد.

خدای بزرگ انسان را در انجام این مأموریت تنها نگذاشت. از یک طرف استعدادها و توانمندیهای لازم را در نهاد او قرار داد، از سوی دیگر پیامبران و انسان‌های صالح را برای راهنمایی انسان فرستاد؛ به علاوه در نهاد انسان عقل را قرار داد که معیار

تشخیص و سنجش است. راهنمایی پیامبران با کمک عقل، راه درست را در مقابل انسان قرار می‌دهد.

خدای متعال انسان را به عنوان جانشین خود در زمین قرارداد تا انسان با کمک عقل، راهنمایی پیامبران و تلاش و کوشش، صفات و اسماء الهی را در زمین متجلی کند؛ علم، حکمت، زیبایی، قدرت و همه استعدادهای الهی را شکوفا سازد. و خدا از انسان خواست که کرامت انسانهای دیگر را محترم شمارد.

خداوند انسان را مکرم و با کرامت آفریده است. از دید ما انسان محترم است؛ سیاه، سفید، سرخ یا زرد، آسیایی، آفریقایی، اروپایی یا امریکایی.

خدای متعال در درون انسانها انگیزه حق طلبی، خداتلبی و کمال جویی را هم قرار داد.

درست به همین دلیل است که انسانها، علم، حقیقت، زیبایی، عدالت، همزیستی برادرانه و دوستانه، محبت و عشق و صداقت و پاکی را دوست دارند. آیا کسی هست که از بی عدالتی و ظلم در مورد خودش راضی و خشنود باشد؟ آیا کسی هست که از محبت، مهرورزی و صداقت و پاکی نسبت به خود ناراحت شود؟ بعید می‌دانم چنین انسانی وجود داشته باشد، چرا که همه از بی عدالتی و ظلم گریزان اند و از محبت، عشق، صداقت و پاکی استقبال می‌کنند.

انسان موجودی کمال جو، حقیقت طلب و عدالت خواه است و جامعه بشری به دنبال پاکی و صداقت است و البته از این پاکی، صداقت و کمال جویی بهره مند می‌شود. صلح و امنیت پایدار جز بر پایه عدالت، صداقت و پاکی برقرار نمی‌شود و همه انسانها از ظلم، تبعیض، جهل و فقر که کرامت، شخصیت و کمال آنها را به خطر می‌اندازد، ناراحت می‌شوند. آیا کسی حق دارد اجازه دهد که تحقیر شود، حقوق او پایمال شود، امنیت او به خطر افتد؟ آیا کسی اجازه دارد از سرزمین، خانه و شهر خود دفاع نکند؟ آیا کسی اجازه دارد به دیگران اجازه دهد که مانع از پیشرفت، علم آموزی و تکامل او بشوند؟ هرگز! اینها حقوق بشریت و حق انسان‌هاست.

دوستان من! برپایی عدالت هم حق بشر و هم آرمان بشر است. کرامت انسان‌ها حق آنهاست و حفظ و دفاع از کرامت بشری، دفاع از حقیقت و انسانیت است.

با این مقدمه، می‌خواهم بسیار کوتاه بار دیگر جایگاه رفیع انسان را یادآوری کنم و

بگوییم اگر عموم مردم جهان از عدالت حمایت می کنند، علت آن است که عدالت را آرمان و حق خود می دانند. می دانید که بسیاری از جنگها، درگیریها و کینه ورزیهای امروز ناشی از نادیده گرفتن حقوق انسانهاست. کسانی هستند که بیش از حق خود می خواهند و علاقه مندند تأمین منافع خود را در تضییع حقوق دیگران جستجو کنند. ما معتقدیم تمام اختلافها و درگیریها با نگاه عدالت محور، محبت عشق و توجه به کرامت انسانی قابل حل و فصل است و تمام مشکلات، اختلافها، تنازعات و نابسامانیها ناشی از بی عدالتی و ایجاد تنفر و تحقیر انسانهاست.

معیارهای اصلاح و حصول امنیت پایدار: اول: عدالت

به نظر ما در مناسبات انسانی و بین المللی چند معیار برای اصلاح وضع و رسیدن به تفاهم و امنیت پایدار موثر است.

معیار اول عدالت است. عدالت یعنی قانون برای همه؛ حق برای همه؛ علم برای همه؛ صلح برای همه؛ رفاه برای همه؛ احترام برای همه؛ امنیت برای همه؛ عزت و استقلال برای همه؛ حق تعیین سرنوشت برای همه و آزادی برای همه.

دوم: عشق و محبت

معیار دوم عشق و محبت است. بدون گسترش عشق و محبت بین انسانها، امکان تفاهم وجود ندارد. تا زمانی که انسانها یکدیگر را دوست نداشته باشند و به یکدیگر عشق نورزند، امکان حل و فصل تخصصها وجود ندارد.

سوم: حفظ حقوق و کرامت انسانی

معیار سوم، حفظ حقوق و کرامت انسانهاست. این سه معیار معیارهایی فطری، در درون انسانها، خواست بشریت، خداوند و پیامبران الهی است. در نگاه به تاریخ و زندگی خدا پرستان و پیروان ادیان الهی، همه به این سه عنصر و معیار متعهدند؛ بلکه همه انسانها به این معیارها دلبسته و علاقه مندند.

من فکر می کنم اگر بخواهیم دنیایی پر از صلح، امنیت پایدار، رفاه و پیشرفت داشته باشیم، باید به عدالت، عشق و محبت و کرامت انسانی نگاهی دوباره داشته باشیم. مطمئن باشید بدون عدالت امکان تحقق امنیت پایدار وجود نخواهد داشت. ریشه ناامنیها در عدم توجه به همین معیارهاست.

من علاقه مند اشاره‌ای به مطالبی که دوستان مطرح کردند، داشته باشم. البته

مطالب فراوان و فرصت کم است، اما تلاش می‌کنم به همان ترتیب طرح مطالب، به آنها که به نظر مهم‌تر می‌رسد، اشاره‌ای داشته باشم.

جناب آقای لوئرز فرمودند عده‌ای از موضوع هسته‌ای ایران و مواضع رئیس‌جمهور ایران نسبت به رژیم صهیونیستی، عصبانی هستند. سؤال من این است، چرا عصبانی هستند؟ اگر ما اجازه می‌دهیم دیدگاه‌های گوناگون مطرح شود، اگر حق اظهار نظر به دیگران می‌دهیم، باید این حوصله و سعه صدر را در خود ایجاد کنیم که حرف‌های مخالف خود را هم بشنویم. طبیعی است که دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و حرف‌های فراوانی در جهان وجود دارد. من فکر می‌کنم اگر کسی برای دیگران هم حق اظهار نظر قائل باشد، از اظهار نظر آنها عصبانی نمی‌شود. با عصبانیت مشکلی حل نخواهد شد، بلکه با تلاش برای درک و فهم متقابل مسائل حل خواهد شد.

فقدان گوش شنوا در سیاستمداران، مشکل مهم جهان امروز

اینجا لازم است که نکته‌ای را اشاره کنم؛ در این دو سه روز زیاد شنیدم که برخی از خبرنگاران و صاحب‌نظران، از جمله در دانشگاه کلمبیا، رئیس دانشگاه اعلام کردند که آقای احمدی نژاد، ملت امریکا از حرف‌ها و سئوالات تو در مورد رژیم صهیونیستی عصبانی است. من فکر می‌کنم در محیط علمی، حرف‌ها و ادعاهای ما باید مستند و دارای مبنای علمی باشد، بهتر این است که از وجهه مردم امریکا در این زمینه هزینه نکنیم. مردم امریکا، مردم امریکا هستند و نقطه نظرات خودشان را دارند. ما به عنوان دانشگاهی یا سیاستمدار یا صاحب نظر فقط و فقط باید حرف‌های خود را بزنیم.

من فکر می‌کنم همه باید تلاش کنیم که ظرفیت شنیدن نظرات گوناگون، به خصوص در مراکز علمی، بین سیاستمداران و صاحب‌نظران ایجاد شود، بخشی از مشکلات امروز جهان ناشی از آن است که تحمل شنیدن وجود ندارد؛ چرا که احترام به کرامت دیگران وجود ندارد.

من وقتی که روز یکشنبه به نیویورک آمدم، البته از قبل خبر داشتیم، وقتی که گزارش رسانه‌ها را به من دادند، مطلع شدم که بعضی از شبکه‌های تلویزیونی به شدت درصدد تخریب فضا، ایجاد فضای منفی و تقابل در مورد حضور من در دانشگاه کلمبیا هستند. بعضی هم به من توصیه کردند که برای جلوگیری از برخورد بهتر است این جلسه لغو شود، اما من ترجیح دادم که به هر ترتیب این جلسه برگزار شود، برای اینکه

اگر در دانشگاه که مرکز اندیشه و علم است و باید مرکز آزاد اندیشی باشد، امکان تبادل نظر وجود نداشته باشد، بدانید در هیچ محیط دیگری امکان این کار وجود ندارد. بنابراین ایستادم و شرایط آنجا را تحمل کردم و فکر کردم آن تحمل به ترویج فرهنگ تحمل دیگران کمک می‌کند.

من مثل بسیاری از شما یک معلم دانشگاه هستم و در طول هفته ساعتی را با همکاران، دانشجویان و محافل علمی مشغول گفت و شنود هستم. البته باور من این است که مسئولیت دانشگاه، استادان و مدیران دانشگاه بسیار بسیار سنگین است. همین امروز در دانشگاه‌های ایران روزانه دهها و صدها جلسه گفت و شنود برپا می‌شود و تقریباً هیچ کدام منجر به کدورت و کینه ورزی نمی‌شود. اگر هم کسان معدودی به دنبال کینه ورزی باشند، در اقلیت مطلق‌اند.

نگاه ناعادلانه قدرت‌ها، مانع فعالیت‌های صلح‌آمیز در ایران

اما درباره موضوع هسته‌ای، فکر می‌کنم عصبانیت از موضوع هسته‌ای ایران هم به همان مسائل قبلی بر می‌گردد. اگر نگاه ما عدالت محور باشد؛ قانون و حق و عدالت برای همه، آن وقت ریشه‌های عصبانیت از بیخ کنده خواهد شد. چرا عصبانیت؟ ایران عضو آژانس است و طبق مقررات آن حق دارد از حقوق خود برخوردار باشد. طبق گزارش‌های آژانس نیز هیچ انحرافی در فعالیت‌های ایران دیده نشده است. این کمال بی‌عدالتی است کسانی که خود از مسیر صلح‌آمیز منحرف شده‌اند و قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را اجرا نکرده‌اند و سلاح‌های هسته‌ای خود را منهدم نکرده‌اند، مانع فعالیت صلح‌آمیز اعضای آژانس بشوند، این نگاه غیر عدالت محور، ریشه عصبانیت است. اگر نگاه درست شود، عصبانیتی نخواهد بود و زمینه برای تفاهم فراهم است. اصلاً اختلاف و دعوایی نیست. دعوا به خاطر آن است که نگاه، عدالت محور نیست.

فرموده‌اند پنج سال آینده منقطه و جهان را چگونه می‌بینید؟ اجازه بدهید در این مورد من در آخر چند جمله‌ای عرض خواهیم کرد.

در مورد رابطه ایران و آمریکا در عراق و نقش هرکدام سؤال کردند. من فکر می‌کنم که اگر در عراق به همین معیارهایی که عرض کردم پایبند باشیم، همه می‌توانیم نقش مثبت و مشترک ایفا کنیم؛ به حقوق مردم عراق احترام بگذاریم، به حق

تعیین سرنوشت، استقلال و تمامیت ارضی عراق احترام بگذاریم. اگر باور کنیم که مردم عراق خود می‌توانند خود را اداره کنند، آن وقت همه در کنار هم قرار می‌گیریم و دیگر اختلاف و تقابلی نیست؛ همه هم جهت می‌شویم.

گفت‌وگو و اندیشه کاشف اشتراک ملتها

جناب آقای والش گفتند اختلاف هست، ولی زمینه‌های مشترک هم هست، من قبول دارم، زمینه‌های مشترک همواره بیش از زمینه‌های اختلاف است، اما بعضی اصرار دارند زمینه‌های اختلاف را آن قدر برجسته کنند که زمینه‌های مشترک دیده نشود. من فکر می‌کنم اگر درست گفتگو و اندیشه کنیم، زمینه‌های مشترک بسیار بسیار فراوان است.

باز فرمودند آیا امکان همکاری بالقوه وجود دارد؟ بله، امکان بالقوه همه چیز وجود دارد، بالفعل شدن آن به عملکرد ما بستگی دارد. من فکر می‌کنم اگر نگاه‌ها را مشترک کنیم، همه توان‌های ما در راستای یکدیگر و فزاینده خواهد بود.

سؤال فرمودند در مورد غنی‌سازی چند جانبه. دو سال قبل من این پیشنهاد را در جلسه مجمع عمومی مطرح کردم که آن کسانی که نگران هستند از طریق یک کنسرسیوم غنی‌سازی را انجام بدهیم، اما نپذیرفتند؛ آنها مسیر خود را رفتند و ما مجبور شدیم مسیر مستقل خود را دنبال کنیم.

ما علاقه‌مند بودیم یک بار دیگر تجربه کنیم. شما می‌دانید کشور من در گذشته با دولت آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و کانادا قراردادهای هسته‌ای بسیار مستحکمی را امضا کرده اما علی‌رغم اینکه بعضی از این دولت‌ها بخش‌های فراوانی از هزینه قرارداد و قیمت قرارداد را دریافت کردند به طور یکجانبه قرارداد را لغو کردند و حتی پول ملت ایران را هم مسترد نکردند.

ما با آن پیشنهاد فکر کردیم به طور خوش بینانه یک بار دیگر تجربه کنیم. اما کسی استقبال نکرد.

امروز ما با اتکا به توان دانشمندان خودمان چرخه سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز را در اختیار داریم. دلیلی ندارد که با دیگران مشارکت کنیم. البته علاقه‌مندیم برای توسعه، سرمایه‌گذاری در سایر کشورها و سرمایه‌گذاری متقابل در کشورها به طور دو جانبه همکاری بکنیم. بنابراین ما هنوز پیشنهادات خوبی برای همکاری روی میز داریم.

جناب آقای مایکل کریچ، ایشان مطالب خوبی را مطرح کردند و گفتند بیاییم در خلیج فارس همکاری مثبت داشته باشیم. مطلب درستی است. ما آماده‌ایم. به نظر ما زمینه‌های مثبت همکاری بسیار بیشتر از زمینه‌های منفی عدم همکاری است. سؤال کردند آیا می‌شود بدون استیلاهی هیچ کشوری در خلیج فارس امنیت برقرار شود؟ بله می‌شود. در یک تلاش همگانی و مشترک. همکاری مشترک امنیتی برای امنیت در خلیج فارس بین کشورهای منطقه.

فرمودند نقش ایران چه خواهد بود؟ نقش ایران همواره نقش مثبت و سازنده است. صلح در خلیج فارس و منطقه به نفع ایران و ناامنی در منطقه به ضرر ایران است. ایران امنیت خود را در امنیت منطقه جستجو می‌کند.

البته سوال کردند رابطه ایران و رژیم صهیونیستی چه می‌شود. فکر می‌کنم ارتباطی به خلیج فارس ندارد.

جناب آقای گرانوف فرمودند که ان شاءالله ماه مبارک رمضان کمک کند که مشکلات برطرف بشود. باز گفتند تلاش بکنیم از بروز مشکلات در مرز با عراق جلوگیری شود. الان در مرز عراق و ایران مشکلی وجود ندارد. بخشی از تروریست‌ها از مرزهای جنوب غربی عراق و از غرب عراق وارد می‌شوند. مسیر آن‌ها معلوم است، برای همه معلوم است. همه نیروهایی که در عراق هستند مسیر حرکت تروریست‌ها را می‌شناسند. ما آمادگی داریم که همه به دولت عراق کمک کنیم برای اینکه امنیت را برقرار بکند و راه را بر تروریست‌ها ببندد. باز فرمودند روابط پارلمانی مثبت خوب است، سوءتفاهماتی وجود دارد. ما از روابط پارلمانی مثبت استقبال می‌کنیم. باز گفتند اگر **مردم فلسطین** بخواهند دو دولت باشد آیا شما قبول می‌کنید؟ ما می‌گوییم اجازه بدهید ملت فلسطین خود انتخاب کند. هر انتخابی کرد همه احترام بگذاریم. کسی تلاش نکند بر تصمیم‌گیری ملت فلسطین اثرگذاری کند. اجازه بدهیم در انتخابی آزاد مردم فلسطینی اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی خود انتخاب کنند. فکر می‌کنیم این بهترین راه حل و راه حل انسانی برای حل مشکل شصت ساله است.

جناب آقای آلسیون، فرمودند در این سفر چیزی به دست آورده‌اید که با خود ببرید؟ بله؛ یکی از دستاوردها همین برنامه دانشگاه بود. من فکر می‌کنم این برنامه به توسعه سعه صدر، فرهنگ شنیدن و تحمل دیگران کمک کرد. دو طرف حرف‌ها را شنیدیم و

شاید صدها میلیون انسان در جهان هم آن صحنه را دیدند. هزاران دانشجو آمدند، نشستند و حوصله کردند و حرفها را شنیدند. من فکر می‌کنم همین جلسه هم یکی از دستاوردها است و البته کارهای سازمان ملل جای خود را دارد.

سؤال کردند نظرات ایران در مورد عراق چیست؟ از نگاه ما یک عراق مستقل، یکپارچه و قدرتمند به نفع منطقه و امنیت منطقه است. همه باید کمک کنیم استقلال و یکپارچگی عراق حفظ بشود.

باز گفته‌اند اگر آمریکا از عراق خارج بشود چه خواهد شد؟ ما فکر می‌کنیم اتفاقات خوبی می‌افتد. اولاً مشکلات پیچیده آمریکا در عراق حل می‌شود. همه شما می‌دانید امروز دولت آمریکا در عراق دچار مشکلات بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. البته ما فکر می‌کنیم ریشه و علت این مشکلات به برخی اشتباهات بر می‌گردد. اشتباه در درک مردم عراق و اشتباه در درک شرایط عراق و اشتباه در دریافت قدرت مردم عراق و اشتباه در دریافت بیگانه ستیزی مردم عراق.

فکر می‌کنیم امروز برای رفع این اشتباهات نباید اشتباهات جدیدی اتفاق بیفتد. بالاخره روزی آمریکا باید از عراق خارج بشود. ما فکر می‌کنیم هر چه زودتر، خسارت کمتر خواهد بود و انسان‌های کمتری کشته می‌شوند. کینه‌های کمتری به وجود می‌آید و زمینه برای مهرورزی و دوستی بیشتر فراهم است.

ما فکر می‌کنیم مردم عراق قادرند خودشان را اداره کنند. ما فکر می‌کنیم اگر طبق برنامه‌ای مسئولیت امنیت را به دولت عراق منتقل کنیم، دولت عراق قادر است امنیت را برقرار کند.

ما هیچ دلیلی نمی‌بینیم که همه حیثیت آمریکا و ارتش آمریکا و توانمندی‌هایی که می‌تواند در خدمت پیشرفت عراق باشد امروز مستهلک می‌شود؛ یعنی هدر می‌رود یا در خدمت تخریب عراق است. ما فکر می‌کنیم با یک تصمیم‌گیری شجاعانه می‌توان شرایط را تغییر داد.

ممکن است کسی تصور کند با خروج نیروهای آمریکایی امنیت کاهش می‌یابد. این تصور اشتباه است و ناشی از تحلیل غلط و اطلاعات نادرست است. بدانید طی چهار سال و نیم بیش از ۶۰۰ هزار نفر در عراق کشته شده‌اند. آیا ناامنی از این بیشتر هم قابل تصور است. بیش از ۳ میلیون نفر آواره شده‌اند. ما فکر می‌کنیم مردم عراق

می‌توانند خود را اداره کنند.

سرکار خانم پاتریشیا هانتینگتون گفتند سال گذشته دو هیئت به ایران رفتند و دوستان خوبی پیدا شد. اخیراً روابط سرد شده. ببینید ما از روابط بین مردم، دانشگاهیان و اهل نظر استقبال می‌کنیم.

سال گذشته وزرات راه ما نامه‌ای به دولت آمریکا نوشت که اجازه بدهید پرواز مستقیم بین تهران و نیویورک برقرار شود تا علاقه‌مندان بتوانند به راحتی سفر کنند. اما هنوز پاسخی برای این درخواست دریافت نکرده‌اند. ما فکر می‌کنیم می‌شود روابط علمی و فرهنگی را بهتر کرد.

اینکه گفتند طرف ایرانی می‌ترسد، من نمی‌دانم او کیست که می‌ترسد چون ایرانیها خیلی شجاع‌اند و تجربه تاریخی می‌گویند که ایرانی‌ها نمی‌ترسند. نمونه‌اش همین کسی است که الان با شما صحبت می‌کند.

اما ما آمادگی داریم، من بارها اعلام کرده‌ام که ما از رفت و آمد مردمی استقبال می‌کنیم. حتی ما پذیرفتیم که در یک توافق دو طرفه ویزای ۱۵ روزه بدون محدودیت بدهیم. اگر این پیشنهادات مورد توافق قرار گیرد ما عمل خواهیم کرد.

سرکار خانم روبین، ایشان فرمودند سئوالات متعددی در مورد شیعه وجود دارد. من فکر می‌کنم هزاران کتاب درباره شیعه هست که شما می‌توانید پاسخ همه سئوالات خودتان را دریافت کنید و اگر سوالات را به من منتقل کنید من می‌توانم منابع را یا افرادی را به شما معرفی کنم که در گفتگو با شما بتوانند سئوالات را پاسخ بدهند.

اما یک سئوالی مطرح کردید که من نفهمیدم این سئوال از کجا آمده است. فرمودید آیا می‌شود از طریق جنگ ظهور حضرت مهدی(ع) را تسریع کرد؟ ما معتقدیم حضرت مهدی می‌آید که جنگی نباشد. که صلح، عدالت و برادری بیابد. ما معتقدیم حضرت مهدی به اتفاق حضرت مسیح خواهد آمد. می‌آیند تا عشق، محبت، صلح و دوستی را برقرار کنند. البته می‌توان از طریق عدالت طلبی، مقاومت در مقابل ظلم و زیاده‌خواهی و از طریق ترویج اندیشه عدالت و محبت و مهرورزی زمینه‌های ظهور را فراهم کرد. بدانید یکی از زمینه‌های ظهور آمادگی بنده و شماسست. بنده و شما باید عدالت را بخواهیم تا عدالت بیاید. همه این مفاهیم در متن خودش ضد جنگ و کینه‌ورزی است. و عدالت خواهی یعنی از بین بردن ریشه‌ها و زمینه‌های جنگ.

جناب آقای آلترمان ایشان گفتند امریکایی‌ها شما را یعنی بنده را با هیتلر مقایسه می‌کنند. نقش هیتلر را چگونه ارزیابی می‌کنید. البته من تذکر دادم خوب است در اینجا هر کس از طرف خودش سخن بگوید. امریکا ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد. بعید می‌دانم که آقای آلترمان نماینده حتی ده هزار امریکایی باشند. اما من نقش هیتلر را بسیار منفی و به ضرر بشریت ارزیابی می‌کنم. ضرباتی که هیتلر بر جامعه بشری و پیکره صلح و دوستی زد، ضربات جبران ناپذیری است. جنگی که او برنامه‌ریزی کرد بیش از ۶۰ میلیون کشته بر جای گذاشت و میلیونها نفر آواره، خانواده‌های فراوانی متلاشی شدند، چهره هیتلر در نزد ما یک چهره بسیار سیاه و تاریک است. البته بازیگری هیتلر نتیجه اندیشه‌های هیتلر بود. نتیجه بی‌توجهی به عدالت، حرمت و کرامت انسان‌ها و بی‌توجهی به حقوق ملت‌ها بود. البته سئوالات من درباره رژیم صهیونیستی سئوالات کاملاً عملی است. بنده از موضع یک دانشگاهی دو تا سؤال مطرح کردم و منتظرم به جای اینکه بعضی از دوستان از پاسخ طفره بروند و بنده را با هیتلر مقایسه کنند که نه قد و هیكل من به هیتلر می‌خورد نه زبان و فرهنگ من و نه جغرافیای من، به این دو تا سؤال پاسخ روشنی بدهند که ما هم پرونده را مختومه بکنیم.

اما **جناب آقای امیراحمدی** تحلیلی از مشکل غرب نسبت به ایران کردند. گفتند که انگلیسها برای تثبیت سیطره خودشان در هند این فرضیه را ترویج کردند که ایران قدرتمند خطرناک است.

البته همه شما می‌دانید این فرض کاملاً غلط است. ایران قدرتمند بسیار مفید است. ایران قدرتمند حافظ امنیت، صلح و برادری است. تاریخ ایران نشان‌دهنده صلح دوستی ملت ایران است. ملت ایران هیچ‌گاه به کشوری تجاوز نکرده است. حتی در آن فیلم ۳۰۰ که با تحریف تاریخ اصرار داشت از ملت ایران انتقام بگیرد در آنجا هم نتوانست ملت ایران را حتی با یک سند تجاوز طلب و ضد صلح معرفی کند.

جناب آقای جهان صالحی وضعیت نشریات در ایران را مطرح کردند. البته به شوخی گفتند هر هفته بعضی بسته و بعضی باز می‌شوند. در مقابل تعداد مطبوعاتی که در ایران فعال اند، آنهایی که باز یا بسته می‌شوند تعدادشان بسیار بسیار اندک است. البته می‌دانید که در کشور ما قانون جاری است و همه در برابر قانون یکسان هستند. در سال گذشته تنها روزنامه متعلق به دولت به دلیل توهین به یکی از اقوام

اصیل ایرانی از طریق دادگاه تعطیل شد و بنده به عنوان رئیس دولت هم نتوانستم از روزنامه متعلق به دولت دفاع کنم.

طبیعی است که اگر نشریه‌ای به حوزه شخصی و حرمت و حقوق اجتماعی افراد تجاوز کند، می‌تواند افراد به دادگاه شکایت کنند و دادگاه طبق قانون رسیدگی خواهد کرد. جرم، جرم است. کسی تصور نکند که عده‌ای در مقابل قانون برتر هستند یا مصونیت دارند.

اتفاقاً پای فشاری بر قانون صیانت از آزادی است. آزادی در سایه پافشاری بر قانون به وجود خواهد آمد. آزادی در ولنگاری و بی‌قانونی مساوی است با تسلط قلدرها و گردن‌کش‌ها.

همین امروز برای اینکه شما بدانید روزانه بیش از ۳۰ روزنامه از ناحیه مخالفان پرو باقرص دولت منتشر می‌شود و تمام صفحات آن‌ها از اخبار، تحلیل و حرف علیه دولت است. آزاد هم هستند و از دولت یارانه هم می‌گیرند.

جناب آقای کوک چان گفتند فقط دولت امریکا با ایران مشکل ندارد. کنگره هم مشکل دارد.

بله ما هم می‌دانیم که دولت و کنگره امریکا مشکل دارند. خب باید مشکل را حل کنند. ما مشکلی نداریم و البته پیشنهاد خیلی خوبی دادند فرمودند برنامه‌های مشترک مطالعاتی داشته باشیم. فکر می‌کنم پیشنهاد خوبی است، یعنی گام خوبی است و اشاره کردند که ما از کارهای علمیتی کوچک‌تر شروع کنیم که به نظر من پیشنهاد خوبی است. گفتند به افراد ویزا داده شود، پیشنهاد خوبی‌هاست. این را می‌توانیم دو طرفه انجام بدهیم.

یادتان باشد سال گذشته دولت امریکا اعلام کرد ایرانی‌هایی که می‌خواهند وارد امریکا بشوند، باید انگشت‌نگاری بشوند، این واقعاً یک توهین بود. بلافاصله مجلس شورای اسلامی به درستی عکس‌العمل نشان داد و گفت مقابله به مثل. ما از نمایندگان مجلس خواهش کردیم که اجازه بدهند دولت ایران فعلاً این مقابله به مثل را اعمال نکند، چون ما فهمیدیم این تصمیم دولت امریکا از روی عصبانیت است و تصمیمی که از روی عصبانیت گرفته شود معمولاً تصمیم ناپخته و غلطی است.

جناب آقای پرفسور بولت به خاطر حضور در دانشگاه تشکر کردند. من هم از

تشکر شما صمیمانه تشکر می‌کنم. همه ما باید کمک کنیم فضاهای لازم برای تبادل اندیشه‌ها ایجاد بشود.

جناب آقای جانسون ایشان پیشنهاد دادند به جای سناریوی جنگ سناریوی صلح تهیه کنیم. قبول داریم، در مورد جلسات مشترک مذهبی، ما استقبال می‌کنیم. همین فردا من خودم یک جلسه‌ای با صد و چهل پنجاه نفر از شخصیت‌های مذهبی امریکا دارم؛ از کشیش‌ها و خاخام‌ها. این جلسات می‌تواند بین دانشگاهیان و علمای دینی برقرار بشود. جلسات مشترک با موضوع و چهارچوب مشخص.

جناب آقای گری سیگ گفتند از زمان انقلاب به ایران نرفته‌ام. سوال من این است، شما مگر با انقلاب ایران مخالف هستید؟ انقلاب ایران چه مشکلی داشت؟ پس معلوم شد آقای گری سیگ با انقلاب اسلامی مخالف نیستند، علاقه‌مندند که با انقلاب اسلامی همکاری و همراهی داشته باشند.

باز گفتند از پیشنهاد رفتن به ایران استقبال می‌کنیم و این خیلی خوب است. بعضی از اساتید دانشگاه از دانشگاه‌های گوناگون امریکا امروز من را دیدند. گفتند ما برای سفر به ایران برنامه تنظیم کرده‌ایم، این خیلی چیز خوبی است و کمک می‌کند. البته گفتند دولت امریکا همکاری نمی‌کند. من امیدوارم همکاری بکند.

باز آقای گری سیگ گفتند دستگیری‌ها آغاز شد است. چرا؟ خب دو نفر حالا دستگیر شدند. بعضی از آنها آزاد شدند و بعضی هم آزادی‌شان شونند. این چه حرفی است که می‌زنیم. چون بعضی دوستان دیگر هم مثل آقای لیتواک گفتند.

من می‌خواهم از شما یک سوال کنم، می‌دانید چند درصد مردم امریکا در زندان هستند؟ کسی هست اینجا که بداند؟ آن آماري که من دارم و از مراجع رسمی امریکایی است ۱/۲ درصد یعنی بیش از سه میلیون امریکایی در زندان هستند. می‌دانید این نسبت در ایران چقدر است؟ این نسبت در ایران ۰/۲ درصد است. یعنی کمتر از پنج برابر یا یک پنجم به نسبت جمعیت.

آیا در امریکا افراد بی‌جهت زندانی می‌شوند و ما در ایران می‌توانیم بگوییم امریکا دارد مردمش را بی‌جهت زندانی می‌کند یا مخالفین را زندانی می‌کند؟ در زندانیان امریکا از همه اقلشار هستند. کسی نمی‌تواند بگوید که فقط سه میلیون تبهکار در امریکاست. این که خیلی بد است. همه اقلشار به دلایل گوناگون هستند. حتی ممکن

است یک مامور پلیس یا یک قاضی در تشخیص خودش اشتباه نکند، این طبیعی است. همین دو عددی که من خدمت شما دادم نشان می‌دهد که اصلاً در ایران تمایل به دستگیری و زندان کردن خیلی کم است. البته مواردی پیش می‌آید که باید ریشه‌هایش را پیدا کنیم.

من می‌خواهم از آقای گری سیک خواهش کنم از نفوذشان در دولت امریکا استفاده کنند و اجازه بدهند سخنان خانم هاله اسفندیاری از رسانه‌های امریکایی منتشر بشود. اجازه بدهید خود خانم اسفندیاری اظهار نظر کند. من فکر می‌کنم اگر خود ایشان صحبت بکند بسیاری از مسائل ذهنی شما حل خواهد شد. ایشان بهترین مرجع برای اظهار نظر هستند.

خود ایشان برای ما پیغام دادند که رسانه‌ها حرف‌های من را منتشر نکردند فقط بعضی سایتها و یک روزنامه نوشت. حالا شما که اشکال ندارد این کار را بکنید. ما نسبت به دفاع از شهروندان خودمان از شما اولی هستیم.

جناب آقای گری سیمور گفتند خطر جنگ بین ایران و امریکا از شش ماه قبل زیادتر شده و در شش ماه آینده بیشتر می‌شود.

من با این تحلیل شما موافق نیستم. من فکر نمی‌کنم خطر جنگ بین ایران و امریکا زیاد شده است. به چه دلیل؟ چرا؟ مگر جنگ بازیچه است که هر کس هر روز می‌خواهد سخنرانی کند سخن از جنگ بگوید. هر سیاستمداری، در تصمیم‌گیری‌هایش با مشکل مواجه شد بگوید من با جنگ حل می‌کنم. سخت‌ترین تصمیم برای یک سیاستمدار تصمیم به جنگ است و علی‌القاعده باید همین باشد. جنگ برای سیاستمدار بدترین تصمیم است.

به چه دلیل؟ کدام مشکل می‌خواهد با جنگ حل بشود. اگر دولت آقای بوش در عراق دچار مشکل شده و قادر نیست مشکلات را حل کند تهدید به جنگ می‌کند؟ به چه دلیل؟

من فکر می‌کنم در امریکا آنقدر سیاستمداران عاقل هستند که مانع از تصمیمات این‌چینی می‌شوند. البته می‌دانید که ملت ایران عادت کرده است که همواره برای دفاع از خودش به طور کامل آماده باشد، اما ما از جنگ متنفریم، استقبال هم نمی‌کنیم اما توانایی دفاع از خود را داریم.

من فکر می‌کنم مجموع شرایط منطقه خلاف این مطلب را می‌گوید. ما به سمت جنگ نمی‌رویم. البته آقای بوش علاقه‌مند هستند که یک ضربه‌ای به ایران بزنند، بالاخره یک کاری بکنند، این هم جزو تصمیمات اشتباه است. من فکر می‌کنم این هم اتفاق نخواهد افتاد، برای اینکه معتقدم در امریکا سیاستمداران عاقل فراوانند و اجازه نخواهند داد که یک مشکل سنگین جدید برای امریکا ایجاد شود.

گرچه ملت ایران خود را برای هر شرایطی آماده کرده است. اما هم آرزو می‌کنیم هم تلاش می‌کنیم که هرگز چنین اتفاقی به وقوع نپیوندد.

ما امروز همه تلاش‌هایمان را داریم می‌کنیم، دیدید که حاضر شدیم سه مرحله با دولت فعلی امریکا برای کمک به امنیت عراق مذاکره کنیم. در آنجا پیشنهادهای خوبی هم ارائه دادیم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که یک کمیته سه جانبه، دولت عراق، امریکا و ایران تشکیل بشود برای کمک به استقرار امنیت در عراق و مبارزه با تروریسم. فکر می‌کنیم این پیشنهاد بسیار پیشنهاد سازنده‌ای است.

ما تلاش‌هایمان را انجام می‌دهیم اما اگر کسی تصور کند با تهدید به جنگ ملت ایران از حقوق اصلی خودش عقب‌نشینی می‌کند این تصور حتماً تصور اشتباهی است. چنین چیزی هیچگاه اتفاق نخواهد افتاد.

دیدید در شرایط بعد از انقلاب ما که ملت ایران هیچ نیروی نظامی سازمان یافته نداشت در مقابل یک ارتش مجهز که با قدرتهای بزرگ از جمله دولت امریکا حمایت می‌شد، ایستاد و حتی یک سانتی‌متر از وطن خود را در اشغال نپسندید.

بنابراین نظر من با جناب آقای گری سیمور متفاوت است. من فکر نمی‌کنم جنگی اتفاق بیفتد.

جناب آقای لیتواک راجع به خانم اسفندیاری سؤال کردند که من پاسخ آن را قبلاً دادم.

جناب آقای مولانا هم اظهار لطف کردند. من فکر می‌کنم بحثهای خوبی را مطرح کردند. امروز در دانشگاهها، در محافل سیاسی و نظری امریکا و همه جا باید مباحث نظری و پایه مطرح شود. بحث خانواده، انسان، اینها بحثهای پایه‌ای است والا بدانید هر حکومتی و هر اندیشمندی اگر به این مباحث توجه نکند دوام نخواهد آورد. نمی‌تواند در محیط بین‌المللی ادامه حیات بدهد و سیاستهای او نافذ نخواهد بود. همه جا با

بن بست مواجه خواهد شد.

البته ما حاضریم کمک بکنیم. می‌دانید ایران به لحاظ کار روی انسان و ارزش‌های انسانی سابقه طولانی دارد. ما منابع عظیم و ادبیات بسیار غنی در مباحث پایه، مباحث فلسفی، انسان‌شناسی و اجتماعی داریم.

جناب آقای برن خواستند که اسناد مربوط به اقدامات ایران آزاد بشود ما همین کار را می‌کنیم. از طریق وزارت خارجه دائماً اسناد منتشر می‌شود.

اسناد طبقه‌بندی شده طی کتابهایی منتشر می‌شود، تاکنون دهها جلد منتشر شده و البته یک مرکز اسناد هم داریم که آن مرکز هم صدها جلد تا الان منتشر کرده است از نهضت ملی شدن نفت و از کودتای ۲۸ مرداد و قبل از آن از دوران مشروطیت تا دوران انقلاب اسلامی اسنادش را منتشر کرده. اگر علاقه‌مند بودید از طریق نمایندگی اینها را می‌توانید دریافت کنید. موضوعات را منتقل کنید، اسنادش را برایتان خواهند فرستاد.

خانمی صحبت کردند گفتند برای برقراری گفتگو کمک بکنید که من پاسخ دادم. **جناب آقای ریچارد ماتسکی** توصیه کردند که با ایرانیان در امریکا در تماس باشیم. توصیه خیلی خوبی است. من دو شب قبل با ایرانیان جلسه داشتم و از آنها خواستم که کار بکنند و ارتباط داشته باشند و به درک بهتر و تفاهم کمک کنند. **جناب آقای مارشال** هم در ادامه گفتند که کاری کنیم که بچه‌های ما در آینده زندگی بهتری داشته باشند. استقبال می‌کنیم. هر پیشنهادی که برای آینده بهتر زندگی بشر باشد ما از آن استقبال می‌کنیم.

خانم باربارا گفتند اجازه بدهید ایرانیان تردد کنند و ایرانیان ساکن امریکا هم به ایران تردد کنند. خیلی‌ها تردد می‌کنند، در همین سفر آقای کارگر از همکاران من که مسئول نظام وظیفه عمومی هستند آمدند با ایرانیان زیادی ملاقات کردند، آنهايي که مشکل نظام وظیفه یا گذرنامه داشتند برای سفر به ایران بسیاری‌اش را حل کردند بسیاری‌اش را هم حل خواهند کرد.

همین الان هم ایرانیان زیادی هر سال به ایران سفر می‌کنند، متأسفانه چون پرواز مستقیم نیست مجبورند هزینه و زمان بیشتری را صرف کنند. تلاش ما این است که این اتفاق بیفتد، پیشنهاد خوبی است.

جناب آقای روبین هم گفتند افراد آزاد شوند. چشم. ما علاقه مندیم همه آزاد بشوند. ما دوست داریم اصلاً زندانی وجود نداشته باشد. این نظر شخصی من است. البته می‌دانید ما مجبوریم. شما هم بعضی وقتها مجبورید. اجازه بدهید برایتان مطلبی را بگویم. شما می‌دانید ایرانیها برای مقابله با جریان قاچاق مواد مخدر تا امروز چند نفر کشته داده‌اند؟ نمی‌دانید. هزاران نفر از نیروهای انتظامی ما برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر کشته شده‌اند، در حالی که می‌دانید مواد مخدر از کشور ما عبور می‌کند، وارد اروپا می‌شود و از آنجا بخشی از آن به آمریکا می‌آید؛ ۳۴۰۰ نفر تا امروز کشته شده‌اند.

اما می‌دانید متأسفانه بعد از حضور نیروهای ائتلاف در افغانستان کشت و برداشت مواد مخدر به سه برابر افزایش پیدا کرده است؟ فکر می‌کنیم اینها عددهایی است که ما را متأسف می‌کند و باید ما را به فکر وا دارد که رفتارهایمان را اصلاح کنیم. **جناب آقای روبین** فرمودند قبلاً همکاری ایران و آمریکا در افغانستان خوب بود ولی اخیراً آمریکا ایران را متهم کرده و سردار جعفری فرمانده سپاه هم پاسخ داده است. من فکر می‌کنم اتهامات آمریکا بی‌اساس است. دولت آمریکا نباید شکستهای خودش را به گردن دیگران بیندازد. انسان باید شجاعت داشته باشد اشتباه خودش را بپذیرد.

سیاست‌های دولت آمریکا در افغانستان و عراق اشتباه است. می‌بینید که نتیجه نمی‌دهد، نمی‌شود یک تفنگ و مقداری مواد منفجره بیاوریم توی تلویزیون بگویم اینها مال ایران است، به خاطر اینها ما شکست خوردیم. اینها را که کسی قبول نمی‌کند و سبک هم هست. مگر می‌شود ارتشهای مجهز با چند تا تفنگ و یک مقدار مواد منفجره شکست بخورند؟ این که نیست.

شما می‌دانید بیشترین آسیب را از ناامنی افغانستان ایران متحمل می‌شود. ما سالانه صدها میلیون دلار هزینه می‌کنیم برای امنیت در مرزهای شرقی‌مان، چرا ما باید امنیت را بر هم بزنیم؟ ضمن اینکه مردم افغانستان برادران ما هستند، هر نوع ناامنی در افغانستان بلافاصله به ایران منعکس می‌شود.

الان ما داریم کمکهای مالی فراوانی به دولت جناب آقای کرزای می‌کنیم برای اینکه بتواند افغانستان را بسازد و امنیت را برقرار کند. آنجا راه، راه آهن، بیمارستان

مدرسه می‌سازیم. چه دلیلی دارد که ما به ناامنی کمک کنیم؟ شما یادتان هست وقتی سازمانهای اطلاعاتی امریکا یک جریان مسلح را در افغانستان سازماندهی کردند ما از اول با آن مخالفت کردیم و گفتیم این کار غلط است، این راه حل درست نیست. رهبری ایران به صراحت اعلام موضع کرد. علتش این است که ما بافت جمعیتی و منطقه و ارتباطات را می‌شناسیم، می‌دانیم بعضی تصمیمات غلط به ضرر کسانی خواهد شد که آن تصمیم را می‌گیرند و به ضرر مردم منطقه می‌شود، باز گوش نکردند. باز آقای روبین فرمودند چطور می‌شود از هر نوع منازعه بین ایران و امریکا جلوگیری کرد؟ من فکر می‌کنم به حقوق همدیگر احترام بگذاریم. حقوق همدیگر و عدالت را به رسمیت بشناسیم. کسی سعی نکند بر دیگری برتری پیدا کند و بر دیگری مسلط بشود. کسی سعی نکند شخصیت دیگری را پایمال کند. می‌شود، چرا نمی‌شود؟

اصلاً شعار انقلاب اسلامی ما شعار دوستی است. شما می‌دانید یکی از شعارهای امام کبیر ما که رهبر انقلاب بود این بود که ما آرزو می‌کنیم روزی همه اسلحه‌ها و تفنگها به قلم تبدیل بشود و خود ایشان یک دانشمند درجه یک اسلامی بود؛ با دهها کتاب علمی و بیش از شصت سال تدریس در دانشگاه دینی. ایشان آرزو داشت، این محور انقلاب ماست که ما دوست داریم اندیشه، فرهنگ و گفتگو را.

می‌شود زمینه‌های منازعه را از بین برد و همه باید کمک بکنیم که از بین برود. از اینکه صحبت‌های من طولانی شد عذر می‌خواهم. فکر کردم باید به نظر تک تک دوستان احترام بگذارم و مروری داشته باشم بر همه حرفهایی که مطرح شد. البته می‌دانید دیر وقت است من از صبح زود کارهایم شروع می‌شود. از نظرات شما استفاده کردم، امیدوارم با همین معیارهایی که عرض کردم و مطمئنم بسیاری از شما این معیارها را قبول دارید در راههای روشن قدم برداریم و کمک بکنیم به اصلاح وضع. بدانید هر کدام از ما اگر موفق بشویم فقط و فقط جلوی کشته شدن یک نفر را بگیریم، جلوی کشته شدن یک نفر در عراق یا افغانستان را بگیریم مثل این می‌ماند که جلوی کشته شدن همه بشریت را گرفته باشیم. برای اینکه تک تک انسانها محترم‌اند. هر روز افراد دارند کشته می‌شوند، چرا باید کشته بشوند؟ این سؤال اساسی ماست. به چه دلیل؟ در ازای این کشته شدن چه چیزی گیر بشریت می‌آید؟ می‌توانیم کاری

کنیم کسی کشته نشود. با اصلاح نگاه، با اصلاح رفتار و عملکردها و ما ناراحتیم از اینکه هر کس کشته می‌شود. ما به شدت متأثریم. البته برای مردم عراق بیشتر متأثریم چون آنها در خانه خودشان کشته می‌شوند، اما برای دیگران هم متأثریم برای اینکه هیچ علتی برای کشته شدن آنها پیدا نمی‌کنیم، این‌ها برای چه باید کشته شوند؟ چرا باید بعضی اشتباهات منجر به کشته شدن انسان‌ها بشود؟ چرا؟

صدها چرا در مقابل ماست. ما فکر می‌کنیم می‌توانیم کمک بکنیم صلح باشد، دوستی باشد و کسی کشته نشود. از همه‌تان تشکر می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله

مصاحبهٔ رییس جمهور با رسانه‌ها در سازمان ملل متحد (نیویورک)^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر اعوانه وانصاره والمستشہدین

بین یدیه

در آغاز از خدای بزرگ می‌خواهم راهنمایی‌های پیامبران الهی و به کارگیری عقل را زمینه ساز زندگی سعادت‌مند و برپایی آن در این جهان قرار دهد. نقش انسان بسیار بسیار مهم است. انسان مرکز و کانون آفرینش است. هر چه هست، برای انسان است. انسان باید با تلاش خود شکوفایی، بالندگی، کمال برای خود و دیگران، آبادانی زمین و عدالت را بر پا کند.

از آنجا که چند دقیقه‌ای به خاطر تیریکات همکاران در صحن مجمع جلسه دیرتر آغاز شد، سخن مقدماتی را کوتاه می‌کنم و علاقه‌مندم که بیشتر در خدمت شما باشم. با یک جمله عرضم را خاتمه می‌دهم. دوستان! همه ما برای سعادت جامعه بشری و برپایی زندگی سعادت‌مند مسئولیم. این هدف بزرگ و زیبا نیازمند عزم و تلاش همگانی است. همه باید دست به دست هم بدهیم، با اعتقاد به خدای یگانه و براساس پاکی، عشق و محبت و عدالت روابط را تنظیم کنیم و جامعهٔ سعادت‌مند و حیات طیبه انسانی را بسازیم.

من امیدوارم جلسات، گفتگوها، کار رسانه‌ای، مسئولیت‌های اداری و اجتماعی همه اینها در راستای تحقق این هدف بزرگ و ارزشمند باشد.

گزارشگر تلویزیون پاکستان:

سؤال من درباره برنامه هسته‌ای است. شما گفتید خوشبختانه آژانس تلاش کرده نقش حقوقی و قانونی و بین‌المللی خودش را دوباره در ارتباط با پرونده هسته

ای ایران به دست بیاورد. و شما پیشنهاد می کنید که آژانس تنها ناجی حقوقی این مسئله باشد و بنابراین نظرتان این است شورای امنیت در این زمینه نقش ندارد و اگر این طور است، اگر تحریم‌هایی علیه شما ارائه بشود. ایران چه می تواند بکند تا اثر آن تحریم‌ها را کم کند.

رئیس جمهور:

همه تلاش‌هایمان را خواهیم کرد برای اینکه تحریمی اتفاق نیفتد، اما بدانید فعالیت‌هایی که شورای امنیت درباره فعالیت‌های هسته ایران انجام می‌دهد، کاملاً غیر قانونی است. محور سخنانی من امروز در مجمع همین بود که برخی قدرتهای بزرگ اراده خود را بر شورای امنیت تحمیل می کنند، بر خلاف قانون تصمیم می گیرند و چون قدرتی در اختیار دارند، تلاش می کنند آن را اعمال کنند و برای ما چیز جدیدی نیست.

شما یادتان هست، وقتی صدام به ملت ایران هجوم آورد، همین قدرتها از او حمایت می کردند. و در شورای امنیت سعی کردند آتش بس تحمیلی را به ملت ایران تحمیل کنند؛ در شرایطی که صدام بخش وسیعی از سرزمین ما را اشغال کرده بود، اصرار کردند که توقف داده بشود.

ما تجربه و سابقه خوبی از این شورای امنیت نداریم. علت هم روشن است. برای اینکه برخی از دولتها که دشمن ملت ما هستند، و در مقابل ملت ما هستند، دارای حق و تو هستند و در شورای امنیت عضو ثابت اند.

معلوم است که در چنین شورای امنیتی با چنین ساز و کاری و با دشمنی برخی از اعضای دارای حق و تو، ما نمی‌توانیم امیدوار باشیم که حقوق ما تأمین شود. راه درست برای ما همکاری با آژانس و مقاومت است. این همان راهی است که ملت ایران انتخاب کرده است و به لطف خدا تا امروز موفق شده است.

گزارشگر تلویزیون اسرائیل:

من پارسال از شما پرسیدم در مورد خواسته شما که اسرائیل از نقشه جهان حذف شود، تصمیم گرفتید جواب بدهید یا نه، ولی بالاخره جواب سؤال من را دادید. می خواهم بدانم با توجه به اینکه در سخنانی تان گفتید که مسئله هسته‌ای الان تمام شده، و در مطبوعات جهانی ما می خوانیم که حمله اسرائیل به سوریه علیه تسلیحات هسته‌ای آنجا صورت گرفته که توسط کره شمالی به آنها داده شده بود، آیا فکر می کنید که ممکن است همین اتفاق هم در مورد ایران بیفتد، اگر برنامه هسته‌ای را ادامه بدهید؟

(نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران رژیم اسرائیل را غاصب سرزمین‌های فلسطین می‌شناسد، رئیس جمهور به پرسش گزارشگر تلویزیون این رژیم پاسخ نداده و سکوت کردند)

گزارشگر:

شما گفته اید که خدا از طبیعت و جهان امکاناتی به ما داده است. صحبت از کربن می‌کنم و اینکه بوش خواسته است که گازهای طبیعی که کربن زا هستند، از بین بروند. به نظر شما از جمله تغییرات چه کاری می‌شود انجام داد و ایران در این زمینه چه کاری انجام داده برای جلوگیری از تغییرات اقلیمی ناشی از منواکسید کربن که صنعت وارد طبیعت و محیط زیست می‌کند؟

رئیس جمهور:

اول کاهش مصرف سوخت است. امروز سوخت به طور فزاینده‌ای دارد مصرف می‌شود. روز به روز دارد مصرف سوخت بیشتر می‌شود.

می‌بینید که تقاضا برای نفت خام روز افزون است. ما باید هم دستگاه‌ها را اصلاح کنیم و هم برویم به سمت سوخته‌های جایگزین. اینها شدنی است. به علاوه کشورها متعهد بشوند که استانداردهای لازم را در ساخت دستگاهها و به کار گیری آنها اعمال کنند.

علاوه بر این، اگر کسی منواکسید کربن ایجاد می‌کند یا باعث آلودگی می‌شود، باید موظف شود که معادل آن طبیعت را احیا کند یا دستگاههای تبدیلی بسازد و در کنار دستگاههای اصلی به کار گیرد.

من فکر می‌کنم که آن پیمانی که برای صیانت از محیط زیست تدوین شده است، به اندازه کافی پاسخگوست، اگر همه ما دستور العمل‌های آن را رعایت کنیم، می‌توانیم شاهد کاهش آلودگیها در طبیعت باشیم.

گزارشگر:

امریکا می‌گوید که فقط امریکا نیست که نگران مسئله هسته ای ایران است، برخی از کشورهای عرب همسایه ایران هم نگران برنامه هسته ای ایران هستند و امریکا می‌گوید که آنها اطلاعات ویژه‌ای دارند از یک ایرانی بسیار مهمی، مثلاً وزیر دفاع شما که اخیر به غرب فرار کرده و گفته اند که مدرک دارند شما تسلیحات مخفی هسته ای دارید. ممکن است پاسخ سؤال مرا بدهید؟

رئیس جمهور:

اینها بازیهای رسانه ای است و سابقه طولانی دارد. هر موقع می‌خواهند یک

دروغی را بگویند، می گویند فردی که معلوم نیست کیست، فرار کرده است. ما وزیر دفاعی که فرار کرده باشد، نداریم. اصلاً کسی که فرار کرده باشد، نداریم. رابطه ما با کشورهای همسایه از جمله کشورهای عربی رابطه بسیار صمیمانه و دوستانه ای است. سال های طولانی باهم زندگی کرده ایم. هم کیش هستیم. دارای فرهنگ و آداب و رسوم مشترکیم. از این به بعد هم زندگی می کنیم. ایران یک کشور بزرگ است؛ بسیار بزرگ. ما وقتی می گویم که داریم در این مسیر حرکت می کنیم، واقعاً داریم در این مسیر حرکت می کنیم. اگر بنا بود ایران کار دیگری بکند، در ایران به این بزرگی خیلی کارها می شد کرد. ما همه تأسیسات خودمان را در اختیار آژانس قرار دادیم. گفتیم همین است، بسم الله. همه این قدرتهایی که شما اسم بردید، مطلع اند و می دانند. شما هم بدانید، موضوع فقط سیاسی است. موضوع حقوقی نیست. هیچ نشانه ای دال بر انحراف فعالیت هسته ای ایران تا کنون پیدا نشده است و آژانس در گزارش اخیر خودش به صراحت اعلام کرد که هیچ انحرافی نیست و ما می توانیم انحراف را راستی آزمایی کنیم.

این یک سند از یک سازمان معتبر بین المللی است که مسئول انرژی هسته ای است. منتها گفتیم که دولت امریکا از ۲۹ سال قبل در نقطه مقابل ملت ما قرار گرفته است و حرفهای او برای ملت ما اعتبار ندارد.

گزارشگر رادیو فردا:

تشکر می کنیم از شما در مورد احترام شما برای مذاکرات مثبت علمی. اما در دانشگاههای ایران استادانی که نقش رهبر را در چهارچوب قانون اساسی زیر سؤال می برند، تحت نظارت قرار گرفته اند. و حتی بعضی از آنها محکوم هم شده اند. دانشجویان دانشگاه امیرکبیر چند ماه پیش از شما انتقاد کردند و به همه آنها به طور فیزیکی حمله شده و حتی تحت تعقیب قانونی قرار گرفته اند و گفته اند که دیگر اجازه ندارند به دانشگاه بروند.

آقای رئیس جمهور چرا این قدر محدودیت آکادمیک در جمهوری اسلامی وجود دارد؟

رئیس جمهور:

این مطالبی را که گفتید، هیچ کدام واقعیت ندارد. سال گذشته من به دانشگاه رفتم. دو هزار دانشجو در یک سالن تجمع کردند. اکثراً طرفدار رئیس جمهور بودند و به

طرفداری از رئیس جمهور شعار می داند و صد نفر هم تلاش کردند با ترقه انداختن و انفجار نارنجک و سر و صدا جلسه رئیس جمهور با دانشجویان را به هم بزنند. من در همان جا اعلام کردم که از هیچ کس شکایتی ندارم و هیچ کدام از آنها تحت تعقیب قرار نگرفته اند. من تعجب می کنم. همه آنها در دانشگاه دارند فعالیت می کنند و بعضی هایشان هم روزانه، بلکه هفتگی با من مواجه می شوند و احوال پرسی هم می کنند.

آن اسمهایی هم که شما راجع به استادان دانشگاه گفتید، دارند کارشان را می کنند. بعضی از اینها حتی یک پنجم وظایف قانونی دانشگاهی شان را هم انجام نمی دهند، اما حقوق شان را به طور کامل دریافت می کنند.

تحت نظارت که همه تحت نظارتیم، شما هم هستید، اما نظارت خدای متعال. خدا بر همه ناظر است، اما اگر فکر می کنید برای افراد در ایران به خاطر اظهار نظر محدودیتی ایجاد می شود. چنین چیزی نیست.

البته ممکن است بین هر قشری از اقشار جامعه افرادی به خاطر مسائل حقوقی یا قضایی گذرش به دستگاه قضایی بیفتد. این یک امر طبیعی است. ممکن است یک استاد دانشگاه هم در خیابان تصادف کند و کسی را مجروح کند. نمی توانیم بگوییم چون استاد دانشگاه است، حق آن کسی که مجروح شده باید نادیده گرفته شود.

خوشبختانه در کشور ما قوه قضاییه مستقل است و قوانین را به طور مستقل اعمال می کند و رئیس جمهور و دیگران هم نمی توانند در کار قضایی دخالتی داشته باشند. گزارشگر فاکس نیوز:

شما در ظاهر حداقل می گویند که فردی بسیار مذهبی هستید و از خدا می ترسید، ولی وقتی از شما سؤالهای خاصی می پرسیم، بعضی را جواب نمی دهید و خودتان انتخاب می کنید که چه چیزهایی را می خواهید جواب دهید، وقتی هم فکر می کنید جواب می دهید، در واقع جواب نمی دهید.

در مورد مسئله اسرائیل می پرسیم که یکی از اعضای این سازمان است که ظاهراً شما گفته اید که باید از بین برود.

آیا واقعاً شما اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت می شناسید و اگر به رسمیت می شناسید، آیا باز می خواهید از بین برود، یا اینکه اسرائیل را به رسمیت نمی شناسید، و می گویند که یک رژیم صهیونیستی است و بنابراین می گویند که باید از بین برود؟ کدام یک از این دو حالت است؟

رئیس جمهور:

صحبت ما درباره رژیم صهیونیستی کاملاً روشن است. ما اعتقاد داریم که رژیم صهیونیستی رژیمی اشغالگر و غیر قانونی است. راه حل ما هم راه حل کاملاً انسانی و دموکراتیک است. ما پیشنهاد دادیم که ملت فلسطین حق داشته باشد سرنوشت خودش را تعیین کند و ما اجازه بدهیم که ملت فلسطین در یک فراندوم آزاد سرنوشت خودش را انتخاب کند.

شصت سال است که در آن منطقه هر روز کشتار و مناقشه است و راه حل‌هایی که تا امروز ارائه شده، هیچ کدام منجر به حل مسئله نشده است، بلکه مناقشه تشدید شده است. ما فکر می‌کنیم بهترین راه عمل به منشور سازمان ملل متحد است؛ یعنی حق تعیین سرنوشت را به خود مردم فلسطین بسپاریم؛ مردمی که فلسطینی‌اند، چه یهودی، چه مسلمان و چه مسیحی؛ آزادانه انتخاب کنند، هرچه انتخاب کردند، همه احترام بگذارند. دیگران هم دخالت نکنند.

آن بحث محوی که گفتید، بسیار روشن است. من از شما سؤال می‌کنم: الان اتحاد جماهیر شوروی کجاست؟ چه شد؟ چه اتفاقی برای آن افتاد؟ محو شد؟ آیا با جنگ محو شد؟ نه، با انتخاب مردم محو شد. اجازه بدهید ملت فلسطین خودش انتخاب کند.

من تعجب می‌کنم چرا بعضی با انتخاب آزاد مردم فلسطین مخالف‌اند. مردم فلسطین هم یک مردم و یک ملت‌اند. اجازه بدهیم آنها انتخاب کنند، هر انتخابی کردند، همه به انتخاب ملت فلسطین احترام بگذاریم.

گزارشگر:

در مورد نقش ایران در عراق، خیلی‌ها صحبت کرده‌اند در مورد اینکه مأموران امنیتی شما در عراق تلاش می‌کنند که شبه نظامیان عراق به ویژه شیعیان را با سلاح مجهز کنند. ممکن است دیدگاه خود را در این مورد بگویید؟

رئیس جمهور:

عراق و ایران دو ملت بزرگ و دوست هستند. دوستی ملت ایران با ملت عراق تاریخی است. پیوندهای بین دو ملت آن قدر گسترده است، که تعداد زیادی از ایرانیان و عراقیها با هم ازدواج کرده‌اند و هر روز ازدواج می‌کنند. سالانه میلیونها نفر از مردم ایران به عراق سفر می‌کنند و همین‌طور از عراق هم به ایران سفر می‌کنند. ما به

لحاظ فرهنگی دارای یک هویت واحدیم.

نا امنی در عراق بیشترین آسیب را به ایران و ملت ایران وارد می‌کند. بیشترین صدمات ناامنی متوجه ملت ایران است. ما به شدت مخالف نا امنیها هستیم. هر کس که در عراق آسیب می‌بینید، به عنوان جزئی از پیکره ملت ایران و دوستان ملت ایران است. ما خواهان آرامش و امنیت کامل و فوری در عراق هستیم.

البته کسانی که عراق را اشغال کرده اند و امروز در مقابل ملت عراق ایستاده اند و نمی‌توانند سیاستهای خود را پیش ببرند، به جای درک علت شکست و جبران اشتباهات، دیگران را متهم می‌کنند. این رفتاری است که ما بارها شاهد تکرار آن بوده ایم، مسئله جدیدی نیست.

بعضی از قدرت‌ها هر جا که شکست می‌خورند، به جای پذیرش اشتباه، بلافاصله دیگران را متهم می‌کنند. بعد هم می‌آیند یک تفنگ و یک مقدار مواد منفجره جلو دوربین می‌گذارند و می‌گویند ایرانیها با این وسایل ارتش ما را شکست دادند. من فکر می‌کنم این بیشتر توهین به اقتدار ارتش خودشان است. آنها باید متوجه باشند که امروز در مقابل ملت عراق اند.

ما به آنها بارها گفته ایم، ملت عراق یک ملت متمدن و با فرهنگ است. ملت عراق به شدت ضد بیگانه و ضد اشغالگر است. اگر آنها بخواهند اشتباهشان را ادامه بدهند، شرایط شان همین خواهد بود و تغییری در وضع آنها ایجاد نمی‌شود.

تنها راه اصلاح این است که آنها اشتباهاتشان را بپذیرند، روشن شان را اصلاح کنند، به مردم عراق، به حقوق مردم عراق و استقلال ملت عراق احترام بگذارند. آن وقت می‌بینند که مشکل حل می‌شود. نیازی به متهم کردن دیگران و دروغ پردازی وجود ندارد.

گزارشگر:

دیروز بعد از صحبت‌هایتان و سؤال و جواب با دانشجویان دانشگاه کلمبیا، شما از کسانی که آنجا بودند، از جمله استادان و دانشجویان دعوت کردید که به ایران بیایند، ولی در عین حال وقتی ایرانیانی که اینجا استاد هستند به ایران می‌روند، به زندان می‌افتند.

با این دو کار مختلفی که شما انجام می‌دهید، فکر می‌کنید چگونه ممکن است اینها دعوت شما را بپذیرند.

بعد گفتید که در ایران هم جنس بازی به عنوان یک پدیده وجود ندارد. من خودم چند نفر را در آنجا می شناسم، با این خصوصیات.
رئیس جمهور:

می خواستم یک شعر ایرانی بخوانم، دیگر به شما احترام گذاشتم.
از دانشگاههای کشورهای مختلف اتفاقاً از آمریکا هم به ایران سفر می کنند، مبادلات علمی می کنند و برمی گردند. همین بعد از ظهر برخی از استادان دانشگاه هاوارد در همین سازمان ملل به من گفتند که ما برنامه ریزی کرده ایم برای سفر به ایران، اما می خواهیم به شما یادآوری کنم: سال گذشته یک استاد کامل دانشگاه صنعتی شریف به همراه همسرش که او هم استاد دانشگاه بود، با دعوت دانشگاه در آمریکا و برای شرکت در یک مجمع علمی سفر کرد و متأسفانه به محض ورود، این دو استاد دانشگاه را دستگیر کردند و به پای آنها زنجیر زدند، در زندانهای انفرادی مورد بازجویی قرار دارند و به آنها توهین کردند و اجازه ندادند که در مجمع علمی شرکت کنند.

بله، ممکن است در هزاران نفری که می آیند، یک نفر هم پیدا شود که به دلیل دیگری، پلیس او را دعوت کند و چند روز با او گفتگو کند. این که معنایش این نیست که استادان در دانشگاههای ایران چه هستند و چه هستند.

در ایران امروز بیش از ۵۰ هزار استاد دانشگاه داریم. من خودم یک استاد دانشگاه هستم و هزاران دوست و همکار در دانشگاه دارم.

خود شما می دانید، که آزادی ای که امروز در ایران هست، اگر نگوییم بی نظیر، کم نظیر است. اظهار نظر در ایران بسیار آزاد است راجع به همه چیز.

اما هم جنس بازی که شما گفتید، من نمی دانم کجاست، نشانی بدهید، ما مطلع بشویم ببینیم چه اتفاقی در ایران افتاده است.

اما بدانید این ادعا منطبق بر واقعیت جامعه ایرانی نیست.
رسانه های آمریکایی در ایران فراوان اند، همین پریروز با خود من مصاحبه کردند؛ آزاد آزاد. اما در آمریکا رسانه های ایرانی به هیچ کدام از مسئولین آمریکایی دسترسی ندارند، متأسفم.

گزارشگر CBS:

از گزارش آژانس بین المللی هسته ای صحبت کردید، ولی الان که داریم این

گزارش را نگاه می‌کنم، حرفهای آنها با صحبت شما فرق دارد. البرادعی گفته که دولت ایران فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم را تعلیق نکرده و هنوز فعالیت‌های آب سنگین همچنان ادامه دارد. خود البرادعی این حرف را می‌زند. واکنش شما چیست؟ شما گفتید که گزارش آنها خیلی راضی کننده و قشنگ بوده است. ولی الان متأسفانه می‌گویند که این برنامه‌ها مخصوصاً در زمینه آب سنگین خیلی مشکل زاست. نظر شما چیست؟

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم شما اگر مقررات آژانس را مطالعه کنید، می‌بینید که هر دو این فعالیت‌ها، فعالیت‌های قانونی است. اصل فعالیت هسته‌ای همان غنی سازی است. غنی سازی هم روش‌های گوناگون دارد. یکی از طریق سانتریفیوژ است و بعد استفاده‌های گوناگون دارد. راکتور آب سنگین با اورانیوم معمولی هم کار می‌کند؛ یعنی هزینه‌اش کمتر از راکتور آب سبک است. طبق مقررات آژانس ما هم حق داریم از راکتورهای آب سنگین استفاده کنیم و هم آب سبک.

این که شورای امنیت گفته تعلیق کنید، ما این را غیرقانونی می‌دانیم و به همین دلیل برای ما اعتبار ندارد. اما زیر نظر آژانس داریم فعالیت می‌کنیم و حق داریم از همه اینها برخوردار باشیم.

شما اگر در همان گزارش دقت کنید، مدیر کل اینها را به عنوان تخلف یا انحراف از اساسنامه ذکر نکرده‌اند. گزارش داده‌اند فعالیت‌های ایران در این زمینه ادامه دارد.

گزارشگر:

حرفهای امنیتی‌تان را شنیدم و نگرانی امنیتی شما را درک می‌کنم. اما شاید برای ایران بهترین کار این است که از انرژی‌های بادی و خورشیدی استفاده کند به جای هسته‌ای و شاید تمیز تر هم باشد و به نفع شما باشد و این فشارهای سیاسی هم نخواهد بود.

چرا این کار را نمی‌کنید تا این مسئله بین المللی هم حل بشود؟

رئیس جمهور:

مثل شما بعضی از همین قدرتهای بزرگ هستند که به ما می‌گویند از انرژی هسته‌ای استفاده نکنید از سایر انرژی‌ها استفاده کنید. اما خودشان همزمان از انرژی هسته‌ای استفاده می‌کنند و هر روز هم دارند گسترش می‌دهند. من باید خدمت شما عرض می‌کنم که انرژی هسته‌ای پاک ترین و کم هزینه ترین انرژی است.

در قیاس با انرژی خورشیدی و بادی، هزینه انرژی خورشیدی و بادی چند برابر انرژی هسته ای است. ضمن اینکه ما باید این حق را برای ملت‌ها قائل باشیم که روش زندگی‌شان را خودشان انتخاب کنند و همه بتوانند از انواع گوناگون انرژی استفاده کنند.

گزارشگر:

وقتی شما می‌گویید که پرونده بسته شده است، مشخص کنید ایران هر کاری که خواسته شده، انجام داده است و دیگر چیزی ندارد که ارائه بدهد؟

رئیس جمهور:

ما باید با آژانس انجام بدهیم و داریم انجام می‌دهیم. موضوع انرژی هسته ای مربوط به آژانس است. مسئله فنی و حقوقی است. ما همواره وظایف و تکالیف مان را در مورد آژانس انجام داده‌ایم. الان هم داریم انجام می‌دهیم و اتفاقاً بعضی سئوالاتی که آژانس داشت، توافق کردیم طبق یک برنامه زمان بندی بررسی شود و با هم تفاهم کنیم، بعضی از آنها را هم تفاهم کرده‌ایم.

اما باید به اطلاع شما برسانم، برخی از همین کشورهای که مدعی ملت ایران هستند، صدها و دهها سؤال پیچیده از آژانس در مقابل آنها قرار دارد که متأسفانه با زورگویی هیچ کدام را جواب نمی‌دهند.

گزارشگر:

آیا دلیلی هست که فکر کنید امریکا یا اسرائیل به تسلیحات هسته ای ایران حمله کنند؟ فکر می‌کنید برنامه ریزی ای شده است و به زودی ممکن انجام بشود، به خاطر اینکه ایران قبول نکرده که با اعضای شورای امنیت در این زمینه همکاری کند؟

رئیس جمهور:

اگر نظر شما مبتنی بر علت قانونی باشد، خیر، هیچ علت و دلیلی وجود ندارد. به چه دلیل؟ ما عضو آژانس هستیم، زیر نظر آژانس کار می‌کنیم، طبق قانون کار می‌کنیم و سرسوزنی از حق خودمان بیشتر نمی‌خواهیم، از حق خودمان هم کمتر نمی‌خواهیم. اگر منظورتان علت قانونی است، هیچ علتی وجود ندارد، اما اگر قانون زورگویان است، بله، این اسم‌هایی که شما گفتید، خیلی کارها را دلشان می‌خواهد انجام بدهند، مگر نمی‌بینید دارند چه بلایی سر ملت فلسطین می‌آورند؟ مردم فلسطین را در خانه های خودشان می‌کشند و به خودشان هم جایزه صلح می‌دهند. بعد به ملت فلسطین

می گویند تروریست.

ما اینها را ارزیابی نمی کنیم. البته آنها خیلی دلشان می خواهد که به ما آسیب بزنند، اما به لطف خدا قادر نخواهد بود آسیبی به ملت ایران وارد کنند.

گزارشگر صدای امریکا:

شما امروز از خوبی و همکاری بین ملت‌ها سخن گفتید. چگونه توضیح می‌دهید که پناهندگان افغانی که سه دهه در ایران بوده اند و همزبان شما هستند و مذهب شما را دارند، این قدر با آنها بد رفتاری شده است و مثل خارجی با آنها رفتار کرده اید؟

نسلی از آنها در ایران به دنیا آمده اند، اصلاً به زبان فارسی صحبت می‌کنند و هویت خودشان را از دست داده اند و هویت ایرانی گرفته‌اند، ولی نمی‌گذارید به مدرسه بروند. اساسی ترین حقوق بشر مثل خریدن خانه، رفتن بچه‌ها به مدرسه و... را از آنها گرفته اید. شما حتی زنان پناهنده را تهدید کرده‌اید که می‌خواهید آنها را به زور برگردانید.

رئیس جمهور:

مهمان آمد و آن قدر ماند که صاحب خانه شد! دو و نیم میلیون از هموطنان این خانم سی سال است که در کشور ما در کمال دوستی و برادری دارند زندگی می‌کنند و به طور کامل تحت حمایت دولت ایران هستند. البته هستند عده خیلی که به طور غیر قانونی از مرزها عبور می‌کنند و تخلفات انجام می‌دهند، طبیعی است که دولت ایران برای صیانت از دو و نیم میلیون نفر از عزیزان افغانی باید با آن متخلفان اندک برخورد کند.

من تعجب می‌کنم، سخنان رسمی مسئولین کشور افغانستان و شخصیت‌های آزاد افغانستان ۱۸۰ درجه با صحبت‌های این خانم که برای امریکا کار می‌کنند، متفاوت است.

همه آنها دائماً از خدماتی که دولت ایران به هموطنان ایشان یعنی به عزیزان افغانی ارائه می‌دهد، تشکر می‌کنند، بیانیه می‌دهند، در مصاحبه‌ها، ملاقات‌ها، و اظهار نظرها و جالب است بدانید این دو و نیم میلیون نفر با مردم ما مثل هموطن و دوست در حال زندگی کردن هستند و هیچ کدام شان اعتراض ندارند.

من واقعاً علاقه مند هستم که به سؤالات همه شما پاسخ بدهم، اما بالاخره وقت من محدود است. امکان اینکه بتوانیم به همه سؤالات پاسخ بدهم، وجود ندارد، اما

می‌توانم از شما دعوت کنم که به نوبت به ایران تشریف بیاورید.

گزارشگر:

ارزیابی شما از اتفاقی که در دانشگاه کلمبیا افتاد، چه بود؟
همچنین پس از سخنرانی شما در مجمع عمومی صف طولانی برای حمایت از
اظهارات شما تشکیل شد، چه احساسی داشتید؟

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم آن جلسه ای که در دانشگاه برگزار شد، به اندازه کافی برای همه
گویاست. بالاخره من یک دانشگاهی هستم، به دانشگاه دعوت رسمی شدم و با آن
دعوت در دانشگاه حضور پیدا کردم و بنا بود که دیدگاههای خودم را مطرح کنم و به
سئوالات دانشجویان پاسخ بدهم. همین اتفاق هم افتاد. خوشبختانه جلسه دیروز با
استقبال گسترده دانشجویان مواجه شد، گرچه سالن محل جلسه گنجایش حدود ۱۰۰۰
نفر را داشت، اما بیرون از سالن و در محوطه بیش از ۵ هزار دانشجو مستقیماً جلسه را
می‌دیدند و صحبتها را می‌شنیدند. من فکر می‌کنم مسئولین دانشگاه کلمبیا نیازمند این
هستند که یک مقدار بیشتر تمرین کنند برای شنیدن دیدگاههای دیگران و حرفهایی
که شاید دوست ندارند بشنوند.

همه ما باید تمرین کنیم برای شنیدن حرفهای دیگران. البته از دانشجویان عزیز و
استادانی که شرکت کردند و با حوصله و دقت حرفها را گوش دادند و البته خودشان
تصمیم خواهند گرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

گزارشگر صدای امریکا:

شما همیشه در صحبتهایتان از احترام به ادیان الهی یاد می‌کنید و این جای
احترام و تشکر دارد.

یکی از ادیان الهی که جمعیت پیروانش در ایران بزرگ ترین اقلیت مذهبی
ایران را بعد از اهل سنت تشکیل می‌دهد، بهاییان ایران است. نامه هایی از دولت به
سازمان ملل رسیده مبتنی بر اینکه تحت پیگیری و شناسایی قرار بگیرند و با آنها
برخورد بشود و از ادامه پیشرفت اجتماعی آنها جلوگیری بشود، دانشجویان هم
همین طور.

اگر ممکن است به عنوان رئیس جمهور از نظر اختیاراتی که قانون اساسی به
شما می‌دهد بفرمایید که چگونه این مسئله را پیگیری خواهید کرد و این عدالت و
مهرورزی آیا در حق پیروان این ادیان هم اجرا خواهد شد؟

رئیس جمهور:

وقتی ما می‌گوییم ادیان الهی، یهودیان پیامبرشان حضرت موسی است، مسیحیان، پیامبرشان حضرت مسیح است، مسلمانان هم پیامبر اسلام. ممکن است بفرمایید پیامبر الهی این دینی که فرمودید، چه زمانی مبعوث شده و اسمش چیست؟
موفق باشید.

اعتلای اسلام و انحطاط در ایدئولوژی‌های مدرن^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره
والمستشھدین بین یدیه

نارضایت ملت‌ها از وضع موجود جهانی

خدای بزرگ را سپاسگزارم و از صمیم دل که خوشحال یک بار دیگر این فرصت را عنایت کرد تا لحظاتی را در خدمت برادران و خواهران عزیزم، مؤمنین، موحدین، عدالت خواهان و پاکان این سرزمین باشم.

در ماه مبارک رمضان قرار دادیم. ماه رمضان ماه خداست. ماه نزول قرآن است و شبهای قدر که هر یک از هزارماه ارزشمندتر است و سرنوشت بشریت در آن رقم می‌خورد در این ماه قرار دارد.

به نظرم ماه مبارک رمضان یک هدیه ویژه از ناحیه خداوند به مؤمنین و موحدین است. می‌دانید که ماه رمضان اختصاص به مسلمان‌ها ندارد. ماه رمضان ماهی است که درهای رحمت الهی به طور کامل باز است و شیطان در بند است و خداوند پنجره‌ای را به سوی آسمان برای بشریت باز کرده. همه می‌توانند از این رحمت و لطف الهی بهره ببرند؛ چرا که خدا، خدای همه است و لطف و رحمت خدا هم برای همه است. گرچه در ماه مبارک رمضان بر مسلمانان روزه واجب شده است و احکام ویژه‌ای جاری است. من می‌خواهم در حضور شما نگاهی به شرایط امروز جهان و مسئولیتهایی که به عهده داریم و در پایان اشارتی به مطالبی که برادران عزیزمان مطرح کردند، داشته باشم.

۱- سخنرانی جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس جمهور در دیدار با علما و روحانیون مسلمان سراسر

الان دنیا در چه وضعیتی است؟ آیا ملت‌ها و مردم از وضعیت موجود رضایت دارند؟ حتی سیاستمداران و قدرتهای حاکم بر جهان از شرایط امروز دنیا رضایت دارند؟ مردم چه می‌خواهند؟

وقتی به سخنان مردم گوش می‌دهیم، در می‌یابیم که حق طلبی و عدالت جویی محور خواسته‌های همه مردم است. به شما عرض کنم، بنده به به عنوان برادر کوچک شما به شرق و غرب و جنوب و شمال دنیا سفر کرده‌ام، به خصوص طی دو سال گذشته با بیش از ۲۷ ملت مستقیماً صحبت کرده‌ام و حرفهای آنها را شنیده‌ام؛ از ادیان گوناگون، مذاهب، فرهنگها و فرق گوناگون.

از شرق دور با کسانی صحبت کردم که به ظاهر دارای هیچ مذهبی نیستند و در امریکای جنوبی، اروپا و آسیا با کسانی صحبت کردم که مسیحی، یهودی، بودایی و هندو هستند و البته با مسلمانان به طور گسترده. شاید برای شما جالب باشد که بدانید سخن همه این ملت‌ها یکی است؛ چه کسی که در آفریقا یا امریکای لاتین زندگی می‌کند چه امریکای شمالی، اروپا و آسیا زندگی می‌کند. حرفها همه یکی است اما هر کدام به یک زبان، بیان و یک اصطلاح. امروز همه از این وضعیت خسته‌اند. همه دنبال راه جدیدی می‌گردند. همه دنبال عدالت و حق هستند. همه ملت‌ها دنبال صلح پایدار و امنیت پایدار هستند. دنبال احساس امنیت‌اند، احساس امنیتی که پایدار باشد.

این مربوط به کشورهایی که دارای مردم اهل کتاب هستند، نیست. حتی به نوع حکومتها هم مربوط نیست. امروز ملت‌ها حقیقت آزادی را می‌خواهند، آزادی واقعی را می‌خواهند. در خود امریکای شمالی هم وقتی با مردم صحبت می‌کنیم، می‌بینیم نخبگان، هوشمندان و کسانی که جلوتر از بقیه حرکت می‌کنند، امروز به خلاء یک آزادی حقیقی و واقعی پی‌برده‌اند. شما در همین کشور می‌بینید آیا واقعاً آزادی وجود دارد؟ آیا مردم از همه حقایق عالم مطلع‌اند؟ آیا اجازه می‌دهند که مردم در جریان مسائل دنیا قرار بگیرند؟

آمریکا؛ زندانی بزرگ در جهان

شما به کشورهای قدرتمند نگاه کنید که چگونه عمل می‌کنند؛ در برابر حقوق بشر، آزادی، پاکی و عدالت طلبی. در همین امریکا کسانی که مسائل و شرایط را به طور عمیق نگاه می‌کنند، پی می‌برند که در امریکا یک زندان بزرگ برپا شده است. می‌بینید

رسانه‌های وابسته به دولت با منابع سنگین مالی آن چنان مردم را بمباران می‌کنند که اجازه ندهند سخن جدید یا حقی به گوش مردم برسد.

نمونه‌اش همین مراسم امروز دانشگاه کلمبیا بود. چقدر تلاش کردند که کسی توجه به صحبت جدیدی نکند. و برای تحقق این خواست خودشان موازین اخلاقی و حقوقی را هم زیر پا گذاشتند. خودشان میهمان دعوت می‌کنند و خودشان به میهمان هم اهانت می‌کنند. البته آنها می‌دانستند که حرفهایشان روی من تأثیری ندارد. آنها می‌خواستند اجازه ندهند که شنوندگان با حرف جدیدی آشنا بشوند.

یا وضعیت رژیم صهیونیستی را نگاه کنید. رژیم را با زور اسلحه بر مردم فلسطین تحمیل کردند. قبل از این رژیم مسلمانان، مسیحیان و یهودیان فلسطینی در کمال برادری با هم زندگی می‌کردند. تقریباً در گذشته فلسطین نداریم غیر از سالهای خیلی دور که درگیری قومی یا مذهبی بین فرقه‌های گوناگون اتفاق افتاده باشد. صدها سال بود که اینها در کمال برادری زندگی می‌کردند.

اما آنها آمده‌اند رژیم را که مظهر خودخواهی، تجاوز و کشتار هست بر مسلمانها تحمیل کرده‌اند. برخلاف شعارهایی که می‌دهند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر، رژیم صهیونیستی برای آنها خط قرمز است؛ یا به تعبیر دیگر خط‌رهایی و بی‌قیدی است. شعار آزادی می‌دهند، برای همه ملت‌ها خط و نشان می‌کشند. اگر مثلاً در کشور ما کارمند روزنامه‌ای در خیابان با ماشین کسی را بکشد و پای او به دادگاه باز شود، اینجا حنجره‌های خودشان را پاره می‌کنند که ای داد در ایران آزادی از بین رفت. اما همین‌ها وقتی به رژیم صهیونیستی می‌رسند لبهایشان را می‌دوزند و از جنایات رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند. دهها هزار کودک و نوجوان فلسطینی در زندانهای مخوف صهیونیستی تحت شکنجه‌اند.

وقتی بحث حقوق بشر می‌شود آنجا خط قرمز است. پلیسی در یک کشور اسلامی یا کشور مخالف قدرتهای بزرگ، اگر اشتبهاً دستش به دست شهروندی برخورد بکند، اینجا بیانیه می‌دهند و تجمع می‌گذارند و اطلاعیه می‌دهند و صدها برنامه در رسانه‌ها درست می‌کنند که ای داد امنیت و حقوق شهروندان از بین رفت. اما در فلسطین مردم را هر روز در خانه‌های خودشان می‌کشند، زنها و بچه‌های بی‌گناه با بولدوزر خانه را بر

سرشان خراب می‌کنند و وقتی جوانها و نوجوانهایی که هیچ چیز ندارند و فریادشان به گوش کسی نمی‌رسد، از روی ناچاری و برای دفاع از مادر و خواهر و خانواده و سرزمینشان، سنگ را که ابتدایی‌ترین سلاح است بر می‌دارند، اینها تروریست و خشونت طلب می‌شوند و آدمکشهای حرفه‌ای جایزه صلح می‌گیرند.

اجازه بدهید برایتان بگویم. در فلسطین دو آوارگی اتفاق افتاده است. دنیا هم بداند. آوارگی اول که بسیار بزرگ و فجیع است آوارگی مردم فلسطین است. آمدند به زور اسلحه مردم فلسطین را آواره کردند و آوارگی دوم این است که عده‌ای محروم عده‌ای انسانهای مستضعف را با شعار اعطای رفاه و امنیت از گوشه و کنار دنیا برداشتند، آواره کردند و در سرزمین اشغالی فلسطین اسکان دادند. دو گروه آواره داریم که هر دو باید به خانه و کاشانه خودشان برگردند. آنها شعار شورای امنیت، سازمان ملل و حاکمیت قانون را می‌دهند، اما وقتی نوبت رژیم صهیونیستی می‌رسد دیگر قطعنامه معنا ندارد. یا اجازه نمی‌دهند که صادر شود یا بعد از صدور، اجازه اجرا نمی‌دهند. دهها قطعنامه علیه این رژیم صادر شده است. اما هیچکدام اجرا نشده است. اینها در مقابل این رژیم یا سکوت می‌کنند یا تشویق می‌کنند.

گروگان‌گیری ملتها از سوی شرکتهای اسلحه ساز جهان

آنها می‌گویند با توسعه سلاح هسته‌ای مخالفیم اما وقتی به رژیم صهیونیستی می‌رسند، آنجا خط قرمز و آزادی مطلق است و از همه کارهای خلاف قانون او حمایت می‌کنند.

من مطمئنم که مرام امریکا هم با این رفتار قدرتهای بزرگ مخالف‌اند و به محض اینکه در جریان جنایات قرار می‌گیرند بلافاصله در کنار مردم فلسطین‌اند. همه ملتها همین طورند.

سال گذشته در جریان هجوم وحشیانه به لبنان دیدید که همه ملت‌های دنیا با مقاومت لبنان اظهار همبستگی کردند. حتی در آرژانتین که از پایگاههای استیلا صهیونیست‌هاست، تظاهرات بیش از صد هزار نفری در محکومیت رژیم صهیونیستی و حمایت از ملت فلسطین و لبنان برپا شد.

وضعیت فقر را در دنیا ببینید چه بساطی است؟ نزدیک به ۹۰۰ میلیون نفر در دنیا در فقر مطلق‌اند، یعنی روزانه حداکثر یک دلار درآمد دارند؛ یعنی قادر نیستند حتی نان

خالی برای خودشان فراهم کنند. اما در عوض شرکت‌های اسلحه‌سازی در این کشور جنگ برپا می‌کنند و به عراق حمله می‌کنند و بعد در گزارش به دولت اعلام می‌کنند که از نقاط موفقیت ما در عراق این است که برای کارخانجات اسلحه‌سازی بازار درست کرده‌ایم.

به خاطر نظام ناعادلانه حاکم بر جهان، عده‌ای درآمدهای میلیارد دلاری دارند و عده‌ای حتی روزی یک دلار برای نان خالی در اختیار ندارند. بهداشت، بیمه و رفاه به همین منوال است.

من نمی‌خواهم سر شما را درد بیاورم. از عنایات الهی به انسان عطای کرامت به انسان است. خدا انسانها را با کرامت خلق کرده است. نفس انسانی محترم است. اما شما دنیای امروز را نگاه کنید. توهین به انسانها، تحقیر انسانها، تحقیر ملتها و توهین به ملتها به یک امر عادی برای قدرت مداران و زورگویان تبدیل شده است.

محبت و عشق خواسته انسانهاست. خواسته فطری بشر است. این را خدا در نهاد انسانها قرار داده است. انسان علاقه‌مند است که به دیگران عشق بورزد و دیگران هم به او عشق بورزند. اصلاً جامعه سعادت‌مند بدون عشق متقابل انسانها به یکدیگر برپا نمی‌شود. صلح برپا نمی‌شود. عدالت برپا نمی‌شود. اما ببینید چگونه کینه ورزی، اختلاف، فاصله و جنگ را بر ملتها تحمیل می‌کنند که من در پایان عرایض در این رابطه مثالهایی تقدیم شما خواهم کرد.

اشتقاق ملتها به صداقت و فداکاری، ودیعه‌ای فطری

انسانها علاقه‌مند به صداقت، امانت داری و فداکاری‌اند. اما می‌بینید که تمام ارزشهای متعالی بشری و الهی توسط عده‌ای قدرتهای زورگو مورد هجوم است. در مناسبات جهانی صداقت کالایی کمیاب است و اصلاً معنایی ندارد اگر دیپلمات یا سیاستمداری صداقت به خرج بدهد او را فاقد دیپلماسی و هوشمندی سیاسی می‌شمارند. در مقابل هم به عنوان دو سیاستمدار می‌نشینند، هر دو دروغ می‌گویند و هر دو هم می‌دانند که دروغ می‌گویند. به دروغ به هم لبخند می‌زنند و همان موقعی که دارند لبخند می‌زنند در ذهنشان نقشه نابودی طرف مقابل را می‌کشند. صداقت، امانت‌داری و فداکاری را تحت هجوم قرار داده‌اند.

مردم پاکی را می‌خواهند. طلب پاکی یک امر فطری است. اما بدانید چه می‌کنند.

خانواده را می‌خواهند. خانواده یک نهاد الهی است. ببینید چه بلایی سر خانواده آورده‌اند. زن یک موجود ارزشمند و هدیه الهی است. مظهر جمال خداست. ببینید چه بلایی بر سر زن‌ها آورده‌اند.

ما فکر می‌کنیم وضعیت امروز جهان بسیار بسیار نابسامان است و هر جای دنیا می‌رویم ملتها به دنبال یک راه جدیدند. به دنبال راه حل درست و اساسی هستند. اعتقاد من این است که راه حل، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی است. بازگشت به خداپرستی، توحید و عدالت است. امروز دلها تشنه معارف نورانی اسلام است. عنایت کنید اسلام دین همه پیامبران الهی است. همه پیامبران الهی مسلمان بودند از حضرت ابراهیم تا حضرت محمد (ص). مسلمان یعنی کسی که تسلیم امر خداست. حضرت ابراهیم فرمودند خدا ما را مسلمان نامگذاری کرده است. حضرت ابراهیم مسلمان بود. حضرت موسی مسلمان بود. حضرت عیسی مسلمان بود و پیامبران همه مسلمان بودند.

اسلام دین همه پیامبران الهی است و نقطه کمال و قله تعالی ادیان الهی است. یعنی جایی است که بشر به آنجا رسید که خداوند همه دین خود را بر او عرضه کرد و کمال و تمام دین خود را بر او عرضه کرد.

بنابراین وقتی ما می‌گوییم اسلام، یعنی حقیقت دین خدا. یعنی تسلیم بودن در برابر امر الهی که در سلسله مراتب پیامبران آمده است تا خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص) و قرآن کتاب او حاوی همه معارف الهی است. صحف ابراهیم، زبور داود، تورات موسی و انجیل عیسی خلاصه در قرآن‌اند و قرآن کامل و اتم و اعم همه کتابهای الهی است، کتاب کامل است، کتاب زندگی و راه زندگی است.

فرارسیدن زمان دعوت و تبلیغ راه انبیاء

عزیزان من! امروز مسئولیتهای ما بسیار بسیار سنگین است. دلها تشنه است و بشر به دنبال راه نورانی است و این راه فقط و فقط در اختیار موحدان، خداپرستان و یگانه پرستان و کسانی است که تسلیم امر خدا هستند.

امروز زمان دعوت، تبلیغ و پاسخگویی به نیازهای بشریت است و بدانید، دنیا هم بداند برای مشکلات امروز بشر هیچ راهی جز راه انبیای الهی وجود ندارد. هیچ راهی جز راه خدا و تسلیم بودن در مقابل امر خدا وجود ندارد. هیچ راهی جز ایمان به خدا و

اجرای دستورات خدا وجود ندارد. همه راهها به جهنم است. همه راهها به تاریکی است. همه راهها به دشمنی و کینه‌ورزی است.

سوسیالیست را ببینید، اگزیستانسیالیسم و لیبرالیسم را ببینید. ایسمها را ببینید بشر را به کجا رسانده‌اند؟ به همین چیزهایی که برایتان عرض کردم، تازه من در زمان صرفه‌جویی کردم. اگر بخوایم وضعیت امروز بشر را تفسیر کنیم، باید ماهها شبانه‌روز با هم گفتگو کنیم؛ از ظلمها، جنایتها، ناپاکیها، تجاوزها، تبعیضها، ناصداقتیها، اشغالگریها، کشتارها. در ده دقیقه و نیم ساعت نمی‌شود همه وضعیت امروز جهان را اینجا بیان کرد. من به بعضی از آنها اشاره کردم. هر کدام از اینها خودش یک تاریخ است. اگر بخوایم فلسطین را تشریح کنیم باید هزاران کتاب بنویسیم باید هزاران فیلم ساخته بشود و باید هزاران ساعت از جنایتهایی که در آنجا اتفاق می‌افتد سخن گفته شود.

عزیزان من، امروز زمان دعوت، تبلیغ و معرفی است و اسلام حاوی همه حقایق است. دین کامل است. مخاطب اسلام همه بشریت است. بعضی به گونه‌ای صحبت می‌کنند که اسلام متعلق به مسلمانهاست. خیر، خدا اسلام را برای همه بشریت فرستاده است. خدا خواسته است تا همه انسانها تسلیم امر او باشند. خدا خواسته است تا همه انسانها در قله کمال قرار بگیرند و بهترین زندگی را داشته باشند. عدالت، پاکی، عشق و محبت، صلح و امنیت برای همه. این را خدا خواسته است و دستورات آن را در دین مبین اسلام به طور کامل قرار داده است.

امروز ما باید دعوت کنیم؛ دعوت درست. به خصوص در کشور امریکا مسئولیت شما بسیار سنگین است. گمان من این است که مردم امریکا اگر در مقابل سخن حق شما قرار بگیرند، آن را خواهند پذیرفت. اشاره کردند، خود شماها هم می‌بینید. گرچه بعضی زمامداران امریکا با تبلیغات دروغ می‌خواهند یک چهره منحنی و مرتجع و حق‌ناپذیر از مردم امریکا معرفی کنند؛ جنایت کنند و به نام مردم امریکا بنویسند؛ دروغ بگویند به نام مردم امریکا بنویسند؛ بد اخلاقی کنند و به نام مردم امریکا ثبت کنند. اما مردم امریکا گرایش به مذهب و خداپرستی دارند و شما باید تلاش بکنید تا اسلام ناب را که حقیقت یگانه برای همه بشریت است، به همه ملت‌ها به خصوص مردم امریکا معرفی بکنید.

تعلق آینده به اسلام و یکتاپرستان

من مطمئنم آینده از آن اسلام و یکتاپرستان است. نشانه‌هایش بسیار روشن و پیداست. غیر یکتاپرستان در مدیریت عالم شکست خورده‌اند و قادر نیستند مشکلات امروز بشر را حل کنند. آیا فقر را حل کردند؟ اختلافات را برطرف کردند؟ صلح آوردند، امنیت و رفاه آوردند، چه آوردند؟ فاصله‌ها را برداشتند؟ دوستی آورده‌اند، نیاورده‌اند.

آینده از آن خدایپرستان و عدالت‌طلبان و اسلام ناب محمدی (ص) است. من از همه شما که متعهدانه ایستاده‌اید و از آرمان خدایپرستان صیانت می‌کنید، تشکر می‌کنم. من می‌خواهم به برخی از مطالبی که دوستانمان مطرح کردند، اشاره‌ای داشته باشم. جناب آقای نیهاد، ایشان مطالبی بسیار خوبی را مطرح کردند و استفاده کردیم. اما من می‌خواهم دو نکته را خدمت ایشان و شما عرض بکنم. یادتان باشد موضوعی به نام هولوکاست بهانه‌ای شد برای اشغال سرزمین و فلسطین. مقدمه‌ای برای آواره کردن بیش از پنج میلیون انسان بی‌گناه شد. بهانه‌ای برای کشتار روزمره مردم فلسطین شد. این مسئله مسئله بسیار مهمی است. باید شناخته بشود. چه بود؟ کجا بود؟ ابعادش چه بود؟ چه کسی این کار را کرد؟

جهت اطلاع ایشان عرض می‌کنم، دهها کتاب تا امروز توسط محققین و دانشمندان در رد موضوع هولوکاست یا سند و مدرک نوشته شده است.

البته امروز ما دنبال این نیستیم که در مورد اصل موضوع صحبت کنیم. موضوع هولوکاست که موضوع بسیار مهمی است، ریشه حل مشکل فلسطین است. اگر بخواهیم پدیده‌ای را برطرف کنیم و مشکلی را حل کنیم، باید علت آن مشکل را برطرف کنیم، والا راه حل‌ها به نتیجه منجر نخواهد شد.

می‌بینید دهها طرح برای حل مشکل فلسطین ارائه داده‌اند، اما همه با شکست مواجه شده. از این به بعد هم با شکست مواجه خواهد شد. چرا که به ریشه و علت اصلی پدیده فلسطین توجه نمی‌کنند.

اگر به سئوالات بنده پاسخ داده بشود، آن وقت مسئله فلسطین به راحتی قابل حل است. آمدند به بهانه تضييع حقوق عده‌ای یهودی در اروپا، به بهانه کشتار یهودیها در اروپا فلسطین را اشغال کردند و اعاده حق آنها را از جیب ملت فلسطین پرداختند.

اگر معلوم بشود که ماجرای هولوکاست ربطی نداشته است، اصلاً در این ابعادی که مطرح می‌کنند، وجود خارجی نداشته است؛ آن وقت چه خواهد شد؟ ریشه حل مسائل

فلسطین برطرف شده است. آن وقت دیگر نمی‌توانند ادعا بکنند حق دارند، مظلوم‌اند و مورد جفا واقع شده بودند و برای جبران ظلمی که در جنگ جهانی دوم به آنها شد قطعه‌ای از سرزمین فلسطین را به آنها دادند.

شما اهمیت این سئوالات را از عصبانیت صهیونیستها و طرفدارانشان متوجه بشوید. بله، شما هر حرف حقی بزنید، آنها تحریف می‌کنند. بنده دو سوال مطرح کردم، به عنوان یک مسئول و یک استاد دانشگاه. ببینید تحریف می‌کنند و اتهام می‌زنند. اینها کارشان این است؛ **يحرّفون الكلمه عن مواضعه**^۱. کارشان تحریف گری است. حقیقتی در وجودشان نیست. اینها صداقت ندارند، کارشان این است که با دروغ، تهمت، تبلیغات حرفه‌ها را دگرگون کنند. والا اینها به چه دعوت می‌کنند، به حقیقت؟ خیر.

عصبانیت دشمن، نشانه‌ی درستی راه

از اینکه دشمن عصبانی می‌شود، نباید ناراحت شویم. خدای متعال خطاب به اینها می‌فرماید: **موتوا بغضیکم**، از عصبانیت بمیرید. ما از اینکه دشمنان عدالت، خدایپرستی، پاکی و صلح از ما عصبانی بشوند، ناراحت نمی‌شویم. اتفاقاً این یکی از نشانه‌های درستی راه است.

اگر بنا باشد شما دعوت به عدالت کنید و به گونه‌ای دعوت کنید که ظالم‌های عالم هم برای شما کف بزنند، معلوم است که آن دعوت به عدالت، دعوت درستی نیست؛ دعوت به پاکی کنید، سردهسته‌های دزدهای عالم هم برای شما هورا بکشند، معلوم است که آنجا اشتباهی اتفاق افتاده است.

بنابراین برادر عزیز، ما باید فشارها را تحمل کنیم. من می‌دانم که فشار خیلی سنگین است، دیده‌ام، لمس کرده‌ام. ما در ایران ۲۹ سال است که فشار را تحمل می‌کنیم، اما باید تحمل کنیم. البته من توصیه شما را می‌پذیرم. بالاخره ما باید حرف‌های دیگری هم بزنیم.

پیشنهادهایی که دادید، پیشنهادهای خوبی است. باز بحث شیعه و سنی را مطرح کردند. من به شما عرض می‌کنم حقیقت همه‌ی ادیان الهی یکی است.

امام (ره) فرمودند: اگر پیامبران الهی همه با هم جمع بشوند اصلاً اختلافی ندارند، همه مصدق یکدیگرند. بین دینداران حقیقی اختلافی نیست. حالا چه برسد برویم

داخل یک دین و فرق گوناگون یک دین. اساساً این فرقه بندیها کار دشمنان است؛ به خصوص در شرایط امروز.

در عراق مردم عراق صدها سال با هم زندگی کرده‌اند، هیچ گاه بین آنها بحث شیعه و سنی مطرح نبود. با هم ازدواج و معامله می‌کردند، با هم نماز می‌خواندند و زندگی می‌کردند.

از روزی که اشغالگران آمده‌اند، موضوع شیعه و سنی مطرح شده است. معلوم است که ریشه کجاست. چطور ممکن است دو مسلمان با هم اختلاف کنند. چطور ممکن است دو موحد و پیروی انبیای الهی با هم اختلاف کنند. مگر در دو حالت؛ یک، دست بیگانه در کار باشد؛ دو، دست هوای نفس و شیطان در کار باشد، والا به چه دلیل. چه اختلافی بین موحدان هست؟ هیچ اختلافی نیست. هر جا اختلاف هست، ریشه‌اش این دوتا است.

البته برادر عزیزمان پیشنهاد خوبی دادند. گفتند ابتکار عمل داشته باشید تا توطئه‌های دشمن خنثی بشود. این پیشنهاد بسیار خوبی است. شما هم کمک بدهید، به اتفاق هم ابتکار داشته باشیم تا دشمنان به نتایج دلخواه خودشان نرسند. همین طور بین مسلمانها و مسیحیها. بین مسلمانها و یهودیها. هر کس خداپرست است باید بنشیند کنار هم و با هم حرف بزنند. خداپرستان با هم دعوا ندارند، مگر اینکه یا دست دشمن در کار باشد یا هوای نفس، والا اختلاف و دعوایی نیست.

البته این اختلاف که من عرض می‌کنم به معنای تنازع است، نه اختلاف سلیقه و فکر. ظرفیتهای افراد، ظرفیتهای متفاوتی است.

بحث سلاحهای کشتار جمعی را مطرح کردند، ما مخالفیم، قبول نداریم. صریحاً هم اعلام کردیم. من در نطق فردا هم اعلام خواهم کرد.

افول دوران سلاح‌های اتمی و آغاز دوره منطق و استدلال

ما مدعی قدرتهای بزرگیم. ما یقه آنها را گرفته‌ایم و می‌گوییم باید خلع سلاح بشوید. اینها هستند که با سلاحهای اتمی‌شان جهان را به آشوب کشیده‌اند. ما چه نیازی به سلاح اتمی داریم؟ ما منطق، استدلال و فرهنگ داریم و خوبی انسانها را می‌خواهیم، ما برای همه انسانها احترام قائلیم.

من در مصاحبه با آن خبرنگار گفتم از اینکه در عرض چهار سال و نیم بیش از ۶۰۰

هزار نفر از مردم عراق کشته شده‌اند، ما خیلی متأسفیم. به چه دلیل شما آمدید در عراق و این همه انسان را کشتید، چه کسی باید پاسخ بدهد؟ اما به او گفتم ما برای کشته شدن سربازان امریکایی هم متأسفیم. برای چه اینها را به عراق آورده‌اید و چرا آوردید؟ خیلی از اینها نمی‌دانند در کجا قرار دارند، در کدام کشور هستند و نمی‌دانند آن کشور در کجای عالم است.

این افراد نیروی دریایی انگلیس که آمدند در آبهای ما و به دست رزمندگان ما اسیر شدند، وقتی با آنها صحبت شد، دیدند اینها اصلاً نمی‌دانند کجا هستند، برای چه آمده‌اند و چه باید بکنند.

این ظلم به بشریت است که به خاطر پر کردن جیب برخی کمپانیها جنگ راه بیندازند و بی‌گناهان را به کشتن بدهند. ما متأسفیم، می‌شد این اتفاق نیفتد، و هم مردم هم عراق کشته نشوند و هم سربازانی که متعلق به این مردم‌اند.

بدانید صدها مادر امریکایی برای من نامه نوشته‌اند و با من همراهی و همدردی کرده‌اند؛ بعد از آن نامه‌ای که من سال گذشته خطاب به مردم آمریکا دادم. همه آنها سیاستهای دولت آمریکا را محکوم کردند و گفتند اینها جوانهای ما را به کشتن داده‌اند. چرا باید این اتفاق بیفتد؟

شعار امام خمینی این بود که آرزو داریم روزی سلاحها به قلم تبدیل بشود؛ یعنی منطق، اندیشه و فکر. ما نیازی به این حرفها نداریم، چه نیازی داریم؟ مگر آنها که دارند به چه دردشان خورده است. آیا اینها که سلاح اتمی دارند و عراق را اشغال کردند، سلاح اتمی آنها را نجات داد؟ آیا سلاح اتمی رژیم صهیونیستی را نجات داد؟ سلاح اتمی شوروی سابق او را نجات داد؟

دوران سلاح اتمی به پایان رسیده است. حتی اگر به پایان نرسیده بود ما با آن مخالفیم. اما انرژی هسته‌ای را لازم داریم. همه لازم دارند. با تبعیض مخالفیم که عده‌ای داشته باشند و عده‌ای محروم باشند و ما موظفیم با تبعیض مقابله کنیم. موظفیم در مقابل زورگویان بایستیم.

اما برادر عزیزمان آقای دکتر ساشادینا که با زبان فارسی شیرین صحبت کردند و حرف بسیار جالب و درستی بود؛ فرمودند امروز دانشگاهها در آمریکا صحنه واقعی رشد اسلام است.

ما همین امروز نمونه‌اش را در دانشگاه کلمبیا دیدیم. همه صهیونیستها قدرتشان را آنجا بسیج کرده بودند برای اینکه پیام حق را خاموش کنند. اما ای کاش در محوطه دانشگاه بودید و می‌دیدید چند هزار دانشجو اجتماع کرده‌اند و به نفع پیام حق شعار می‌دهند و پلاکارد و تابلو نوشته‌اند. آمده بودند برای شنیدن پیام حق و پیام حق را تأیید کردند.

عشق و محبت، محصول توحید و عدالت

بهترین جای تبلیغ اسلام دانشگاه است. چون اسلام دین علم و اندیشه و منطق و فرهنگ است. ما در خدمت شما هستیم. من همین جا از مسئول نمایندگی و از حاج آقای بحرینی می‌خواهم دولت هم کمک خواهد کرد و آن مقداری که به عهده ماست در اختیارتان می‌گذاریم، اگر لازم باشد اساتید و اسلام شناسانی بیابند، برای معرفی و تبلیغ ان شاءالله پشتیبانی خواهیم کرد.

آقای بری هم صحبت‌های بسیار خوبی کردند؛ با یک احساس لطیف و بسیار عمیق و ایمانی، که از ایشان تشکر می‌کنم. بحث عدالت را مطرح کردند؛ عدالت جهانی و این حرف درستی است. ما باید پرچمدار عدالت باشیم. پیامبران آمده‌اند دو حرف را زده‌اند: **اعبدوا الله**، خدا را بپرستید، **یکتاپرستی؛ ليقوم الناس بالقسط؛** برپایی عدالت. همه ادیان الهی در این دو کلمه خلاصه می‌شوند: پرستش خدا و عدالت. همه خوبیها و زیباییهای عالم در این دو نکته نهفته است و عدالت نتیجه توحید واقعی است. عشق و محبت نتیجه توحید و عدالت است. صلح نتیجه توحید، عدالت، و عشق است. این حرف درستی است.

ما امروز باید پرچمدار عدالت در جهان باشیم و از خودمان شروع کنیم. البته می‌دانید دشمنان عدالت بسیار خشن و خودخواه‌اند. در طول تاریخ عدالت را بر نمی‌تابیدند. اگر یادتان باشد وقتی مقاومت کفار و مشرکین در مقابل پیام توحید پیامبر عزیز شکسته شد، به پیامبر عرض کردند بسیار خوب، ما خدای تو را می‌پذیریم به یک شرط. شرط این است که در امورات ما دخالت نکنی. دخالت در امورات یعنی اجرای عدالت؛ یعنی کاری نداشته باشی که ما در زندگی تبعیض، ظلم، تجاوز و حق‌کشی می‌کنیم، با اینها کاری نداشته باش. که پیامبر عزیز ما فرمود: **لا اعبد ما تعبدون؛** آن خدایی که شما می‌خواهید برای خودتان تصویر کنید، خدایی نیست که ظلم را جایز

بداند. من از ایشان تشکر می‌کنم و اما جناب آقای بحرینی هم فرمودند که امروز زمینه برای ترویج اندیشه‌های الهی فراهم است. حرف درستی است. من به این حرف باور عمیق دارم. فکر می‌کنم اگر دست به دست هم بدهیم، با برنامه؛ چقدر خوب است که رهبران مسلمانان و تشکل‌ها و سازمان‌ها در امریکا با هم ارتباط و نشست داشته باشید. اتحادیه و پشتیبانی داشته باشید. اندیشه‌ها و انتشارات را در کنار هم قرار بدهید، شرایط امروز را تحلیل بکنید، روشهایی را به کار گرفته‌اید مورد بررسی قرار بدهید و اصلاح و منتقل بکنید.

در این زمینه خود آقای بحرینی می‌توانند پیشقدم بشوند. نمایندگی هم کمک می‌کند، نشستهای مکرر و بحث ما چگونگی تبلیغ، راههای تبلیغ، روانشناسی و جامعه‌شناسی تبلیغ، اینها را بحث بکنیم و تدوین بکنیم.

تفرقه در ادیان نتیجه عملیات تبلیغاتی

اما در آخر هم صحبت عزیزمان را داشتیم جناب آقای ریاح از فلسطین مظلوم؛ برادر عزیزمان که پیرو حضرت مسیح هستند. بگذارید نکته‌ای را برایتان بگویم. یک گروه از مسیحیها از امریکا به تهران آمده بودند، با هم بحث می‌کردیم، من خطاب به آنها گفتم: ما همه پیامبران الهی را قبول داریم و بین آنها فرقی قائل نیستیم؛ این کلام خداست. جمله‌ای گفتم که همه متعجب شدند. گفتم الان ما در این اتاق نشستیم، اگر الان حضرت عیسی مسیح اینجا ظاهر بشود، ایشان هر دستوری به ما بدهند ما اطاعت می‌کنیم. برای اینکه پیامبر خداست؛ لانفرق بین احد من رسله. حضرت مسیح معصوم بیاید اینجا دستور بدهد، بگوید حرف بزن، چشم؛ ساکت شو، چشم؛ این را بگو، چشم؛ به نماز بایستد، پشت سرش نماز می‌خوانیم. می‌خواهند با تبلیغات فاصله درست کنند. فاصله‌ای نیست و تازه همه ما منتظر موعودیم. بدانید بدون موعود و تحقق وعده آخرین، آفرینش جهان، ارسال و مجاهدت پیامبران بی‌معناست. این همه پیامبران الهی آمده‌اند تا بشر این وضعیت امروز را تجربه کند؟ اینکه خیلی عقب گرد است. این است آن زندگی وعده داده شده؟ خیر.

همه پیامبران آمده‌اند مقدمه تحقق وعده الهی را فراهم کنند. همه آمده‌اند دست بشر را بگیرند و یک قدم به سمت آن قله نورانی جلو ببرند و اعتقاد ما این است وقتی موعود بیاید، فرزندی از پیامبر گرامی اسلامی بیاید؛ حضرت مسیح (ع) او را همراهی و

یاری خواهد کرد و با کمک هم بشریت را نجات خواهند داد.

امروز هم باید کنار هم باشیم. اعتقاد ما این است؛ عقیده به موعود، کار برای زمینه‌سازی به ظهور موعود، بهترین عامل وحدت بین ادیان الهی است. چرا که همه اعتقاد دارند، مسیحی، یهودی و مسلمان، همه به موعود معتقدیم. لازم نیست در مسائل اختلافی با هم اختلاف یا نزاع کنیم. موعود را که همه قبول داریم، بیاید برای موعود کار کنیم. موعود را معرفی کنیم. بیایم مقدمه ظهور موعود را فراهم کنیم؛ با تبلیغ توحید، عدالت، ایستادگی در مقابل ظلم و با اجرای عدالت. اینها کارهایی است که می‌توانیم انجام بدهیم. همه با هم باشیم. برای خدا و برای تحقق وعده خدا و برای اجرای دستورات خدا.

من از همه شما صمیمانه تشکر می‌کنم و از اینکه حوصله کردید و به عرایض برادر کوچک خودتان توجه کردید از خدای بزرگ برای شما، برای همه بشریت سلامتی و موفقیت مسئلت دارم.

جهان در تمنای توحید^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره
والمستشھدین بین یدیه

فراخوانی توحید و اقامه عدل، مأموریت واحد در فلسفه ارسال رُسل

خیلی خوشحالم و خدا را سپاسگزارم که یکبار دیگر فرصت دیدار با شما عزیزان را عنایت کرد. ما قبلاً دو دیدار بسیار خوب با یکدیگر داشتیم.

شما می‌دانید که همه پیامبران الهی از حضرت آدم تا خاتم، حضرت نوح، فرزندان حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد رسول الله از یک نور واحد و دارای یک مأموریت واحد هستند.

آنها آمده‌اند از یک حقیقت روشنی دفاع کنند و دست بشر را بگیرند و از ظلمت به سوی نور هدایت کنند و به یک زندگی سعادت‌مند راهنمایی کنند. همه آنها فریاد توحید و دعوت مردم به پرستش خدای یگانه سردادند.

توحید یعنی همه عالم متعلق به خداست. علم او فراگیر است و همه علمها از ناحیه خداوند متعال است. او عالم به غیب و شهادت است. او همه پیدا و پنهان را می‌داند. همه چیز در محضر علم خداست.

توحید یعنی خدا قادر است، قدرت او مطلق و همه قدرتها از آن خداست. هیچ کس از خودش چیزی ندارد. توحید یعنی خدا حکیم است و از روی حکمت جهان را تدبیر و مدیریت می‌کند. توحید یعنی خدا منشأ همه عالم است.

پیامبران آمدند بگویند انسان منزلت و کرامت دارد و همه انسان‌ها محترم‌اند. آمدند تا انسان را به مقام خلیفه‌الهی برسانند. آنها از انسانها خواستند که خداپرستی و عدالت

۱- سخنرانی جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران در جمع رهبران اصحاب

را گسترش بدهند. همه پیامبران انسان‌ها را اولاً به توحید و یگانه پرستی دعوت کردند و بعد برپایی عدالت.

جنگ و نزاع‌های عالم محصول دوری از توحید و عدالت

این همان چیزی است که بشر به آن نیاز دارد. تمام مشکلات بشر در طول تاریخ به خاطر دوری از توحید و عدالت است. همه جنگ‌ها، کشتارها، ظلم‌ها و تبعیض‌ها به خاطر دوری از توحید و عدالت است. راه حل هم این است که همه به توحید و عدالت برگردند. یعنی همه به دعوت پیامبران، سنت و تعلیمات انبیای الهی برگردیم. شعار خداپرستان همیشه یک چیز بوده است: توحید، عدالت، کرامت انسانی، برادری، صلح و دوستی. ما خدا را شکر می‌کنیم که امروز به لطف خدا انسان‌های صالح و برجسته‌ای هستند که همین پرچم را بلند کرده‌اند؛ در میان پیروان حضرت موسی (ع)، روحانیون محترم، در پیروان حضرت مسیح (ع) و در پیروان حضرت محمد (ص) و همین باعث شده که دنیا ادامه پیدا نکند. اگر انسان‌هایی که فریاد توحید را سر بدهند نبودند، سرنوشت بشر مجهول بود.

البته متأسفانه همیشه عده‌ای بودند که در مقابل پیام پیامبران ایستادگی می‌کردند. بعضی از اینها موفق شدند پیامبران را از اجرای مسئولیتشان باز بدارند و بعضی از آنها شکست خوردند. اما بعضی از شکست خوردگان رنگ و لباس عوض کردند. در طول تاریخ ادیان الهی بیشترین ستم و ضربه را از ناحیه مدعیان دروغین متحمل شده‌اند. کسانی که پیرو حضرت موسی نبودند به دروغ خودشان را یهودی معرفی کردند و کسانی که پیرو حضرت عیسی نبودند و به دروغ خودشان را مسیحی معرفی کردند.

در فرهنگ اسلامی ما به اینها منافق خطاب می‌کنیم؛ یعنی در دلشان چیزی است و در زبانشان چیز دیگری است. در دلشان هیچ ایمانی به حضرت موسی و راه حضرت موسی و تورات ندارند، اما در زبان ادعا می‌کنند، اینها دروغ می‌گویند.

دوئیت صهیونیسم و یهودیت

من فکر می‌کنم امروز همه دنیا فهمیده است که صهیونیسم با یهود کاملاً متفاوت است. یهود پیروان پیامبر الهی هستند. طرفدار خداپرستی و دوستی و عدالت‌اند، اما صهیونیستها یک گروه سیاسی هستند. آنها از هر فرصتی برای منافع خودشان استفاده

می‌کنند. رنجهایی که مردم یهود در جنگ دوم جهانی متحمل شدند دستاویز سوءاستفاده آنهاست.

شما اسنادی دارید، ما هم اسنادی داریم که خود صهیونیستها هم در آزار رساندن به مردم یهود شریک بودند. آنها هم با دشمنان یهودیان همکاری می‌کردند برای اینکه سوءاستفاده سیاسی بکنند و بهانه‌ای پیدا بکنند برای ظلم به ملت فلسطین.

همه دنیا می‌دانند و باید بدانند ملت یهود با صهیونیستها متفاوت‌اند. صهیونیستها نه یهودی، نه مسیحی و نه مسلمان هستند. آنها بنده پول و قدرت و ثروت‌اند.

بین پیروان موسی کلیم الله، پیروان عیسی روح الله و پیروان محمد رسول الله هیچ اختلافی نیست. ما همه با هم برادر هستیم. خدای واحد را می‌پرستیم و از پیامبر الهی تبعیت می‌کنیم. هیچ دلیلی برای اختلاف نداریم و باید در صلح و دوستی با هم زندگی کنیم.

من مطمئن هستم به لطف خدای متعال آن کسانی که به دروغ می‌خواهند. بین ادیان فاصله بیندازند، از بین خواهند رفت.

از شما تشکر می‌کنم که پرچم راه درست را بر دست گرفته‌اید و در مقابل دروغ‌گویانی که می‌خواهند بین ادیان دشمنی ایجاد کنند می‌ایستید و مطمئن هستیم که خدا با ماست.

آینده، از آن ادیان توحیدی

ما دستان شما را به گرمی می‌فشاریم و مطمئن باشید ما با کمک هم و با توکل بر خدا و ایستادگی می‌توانیم از ادیان الهی صیانت کنیم و خدای متعال هم یاری خواهد کرد.

آینده از آن ادیان توحیدی است و دروغ‌گویان خواهند رفت. نشانه‌های اضمحلال آنها پیداست. ما موظف به تبلیغ توحید و دفاع از عدالت، صلح و برادری هستیم. این وظیفه پیروان پیامبران الهی است.

در ایران به همه پیامبران الهی احترام می‌گذارند؛ همان طور که به خوبی اشاره کردند حضرت دانیال نبی مورد توجه مردم است و مزار او دائماً زیارت می‌شود. من خودم بارها مزار ایشان را زیارت کرده‌ام. مردم ما به ایشان متوسل می‌شوند و از او در کارهایشان کمک می‌خواهند و این پیامبر الهی به مردم ما کمک می‌کند.

ما پیامبران را دریچه‌ای به سوی آسمان می‌دانیم و همین طور مزار مردخای در همدان مورد احترام مورد ماست و مردم یهود در ایران با مردم مسلمان در کمال برادری زندگی می‌کنند.

از هدیه‌ای که دادید صمیمانه تشکر می‌کنم، از خدای متعال برای شما طول عمر، صحت و سلامتی مسئلت دارم و دنیا بدانند که ما همه با هم خواهیم بود؛ ان شاء الله.

عیسای مسیح با موعود امم خواهد آمد^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره
والمستشهدين بين یدیه

حکومت صالحان، وعده‌ای الهی در جهان

بسیار خوشحالم و خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق دیدار شما دست اندرکاران
خداپرستی و دعوت مردم به خیر و نیکی را نصیبم کرد.

در دوران رواج هیاهوها و چالشها، حیرتها و گمراهی‌ها، غلبه هوای نفس،
خودخواهی‌ها و غرورها، تنش‌ها و جنگها، حسادتها و تفرقه‌ها و چشم‌انداز تیره و تار در
برابر بشریت امروز، می‌خواهم از مهمترین مسئله بشر در طول تاریخ، از اراده و لطف و
سنتهای الهی، وحدت و تلاش و نیز آینده درخشانی که در انتظارمان است و از
حاکمیت زیبایی‌ها و خوبی‌ها و از عدالت و مهرورزی با شما سخن بگویم.

دوستان خوب!

می‌دانید که خدای متعال انسان را از روی لطف آفرید و جهان را در خدمت تعالی
و کمال او قرار داد. او اراده کرد که انسان را جانشین خود در زمین قرار دهد؛ یعنی
انسان نیز مانند خدای یگانه، خیرخواه و مهربان با بندگان خدا، مدافع حق و عدالت،
کریم و بخشنده، عاشق خوبیها و زیبایی‌ها، مدافع مظلومان و محرومان، صادق، امین،
عالم، بینا، شنوا و حکیم باشد و همواره تجلی همه ارزشها، پوینده راه کمال و آبادکننده
زمین باشد.

خدا از انسان خواست تا با اراده و تلاش خود، مقام جانشینی را در زمین جاری کند
و دنیایی پر از برادری و صلح و عدالت بسازد، تا زمینه ساز تعالی روحی و معنوی او
باشد. البته خداوند انسان را تنها و بی‌یاور رها نکرد.

از یک سو، استعدادها و توانمندیهای فراوان در نهاد او و در جهان هستی مستخر او قرار داد و از سوی دیگر، عقل را به عنوان چراغ راهنما در وجود او به امانت گذاشت، پیامبران الهی و مصلحان را برای هدایت و دستگیری او فرستاد و برپایی حکومت صالحان در زمین را به او وعده داد.

عزیزان! جوهر ادیان الهی، واحد و مشترک است و همه پیامبران الهی یک پیام و مأموریت روشن داشتند. خداوند آنان را یکی پس از دیگری و بعد از آزمایشهای بزرگ، با آیات و بینات به سوی بشر فرستاد. همه آنان به دنبال تعلیم و تزکیه و دعوت انسان به خداپرستی و توحید از یک طرف و تشویق و واداشتن او به برپایی مهرورزی و عدالت از طرف دیگر بودند. همه تلاش کردند تا چشم دل و سر انسان را به سوی حقایق باز کنند و نگاه او را به افق بلند جامعه توحیدی و سعادت‌مند معطوف نمایند. بندگی خدا رمز آزادی و فصل مشترک دعوت انبیاء است. حضرت آدم ابوالبشر(ع) مأمور به همین کار بود. حضرت نوح پیامبر، صدها سال در همین مسیر مجاهدت کرد و سختی‌ها و زخم‌زبانهای جاهلان و اراذل را تحمل کرد. پس از ایشان، فرزندان نوح مأموریت یافتند راه را ادامه دهند تا نوبت به حضرت ابراهیم خلیل رسید. دعوت ابراهیم نیز به خداپرستی، پرهیز از بت پرستی و تبعیت از شیطان و هواهای نفسانی بود. در تورات، انجیل و قرآن کریم درباره حضرت ابراهیم آیات فراوانی نازل شده است.

پس از حضرت ابراهیم، اسماعیل و اسحاق و یعقوب و دیگران برگزیده شدند و همه همین مأموریت را داشتند. این رسالت و این کاروان در تاریخ بشر ادامه راه داد، تا نوبت به حضرت موسی کلیم‌الله رسید. حضرت موسی به همراه برادرش، هارون، به دستور خدای متعال برای نجات قوم بنی اسرائیل، ابتدا به سوی فرعون رفت که طغیان کرده بود. مأمور شد با کلام نرم با او سخن بگوید و از او دعوت کند که به سوی خدا و پاکی و معنویت بازگردد. او در راه انجام این مأموریت بزرگ، سالها سختی و مرارت را تحمل کرد.

دوستان خوب، موحدان و مؤمنان!

سراسر زندگی حضرت موسی، دعوت به خدا پرستی، مقابله با سرکشان و ظالمان، دفاع از مظلومان و مبارزه با انحرافات فکری و عقیدتی قوم بنی اسرائیل بود. بعد از حضرت موسی، حضرت هارون، داود، حضرت سلیمان نبی، یونس، طالوت،

یوشع و دیگران از سوی خدا برگزیده و ارسال شدند و همان راه و روش را ادامه دادند، تا اینکه بعد از قرون، نوبت به حضرت عیسی مسیح رسید.

راه حضرت عیسی(ع)، همان راه حضرت موسی(ع) و راه همه پیامبران الهی بود. قبل از عیسی، مادرش حضرت مریم(س) از بندگان خوب خدا و پاکیزه و برترین زنان عالم بود. او کسی بود که خدا به او فرمود: «ای مریم، در پیشگاه خدا خشوع و فروتنی و سجده کن و همراه با رکوع کنندگان رکوع کن» و خدا به او بشارت حضرت مسیح را داد: «ای مریم، خدا به تو بشارت به کلمه‌ای از خود می‌دهد که نامش مسیح، عیسی بن مریم است که در دنیا و آخرت دارای وجاهت و آبرو و از مقربین درگاه الهی است و در گهواره و در پیری با مردم سخن می‌گوید و از صالحین است».

و خداوند به او(حضرت عیسی) «کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموخته است» و «او فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل است، با معجزات و نشانه‌های آشکار، بیماران را شفا می‌دهد، مردگان را زنده می‌کند و تصدیق‌کننده تورات است.» حضرت عیسی، عبادت و اطاعت خدا را، صراط مستقیم الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «به راستی که خدا پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید، که این صراط مستقیم است.» عزیزان مؤمن! سراسر زندگی حضرت عیسی دعوت مردم به خداپرستی، پاک‌ی، مهرورزی، دوری از ظلم و ایستادگی در برابر طغیانگران و هواپرستان بود.

بعد از عیسی علیه‌السلام، اوصیایی آمدند و رسالت هدایت بشر به سرمنزل مقصود را دنبال کردند، تا اینکه نوبت به آخرین فرستاده خدا یعنی پیامبر اسلام(ص) رسید. او نیز همین حقایق را بیان فرمود. او نیز انسانها را به خداپرستی و توحید، تقوی و برپایی عدالت، دفاع از حقیقت، دفاع از مظلومین و محرومین، تفکر و تعقل در آیات الهی، صداقت و امانت، تعلیم و تعلم، تخلق به اخلاق الهی، رحمت و محبت و خدمت به دیگران و رعایت حقوق هموعان و همکیشان، حفظ کرامت و عزت انسانها و مبارزه با ظلم و ستم فرا می‌خواند.

دوستان و حضار محترم!

ملاحظه می‌فرمایید که بندگی خدا، رمز آزادی و آزادگی بشر و فصل مشترک دعوت همه انبیا الهی است. این کلام خدا، فریاد همه پیامبران الهی است که «ای فرزندان آدم، آیا شما متعهد نشدید که شیطان را عبادت نکنید؟ او دشمن آشکار

شماست و اینکه فقط مرا عبادت کنید، این صراط مستقیم است.»
 همه خداپرستان عالم باید تابع این فرمان الهی باشند که به حضرت ابراهیم خطاب شده است «آن هنگام که خداوند به او گفت تسلیم امر خدا باش، او پاسخ داد که من تسلیم امر پروردگار همه جهانیان هستم.»

نور واحد، جوهرهٔ ادیان آسمانی

این جوهره همه ادیان آسمانی است و ما مسلمانان به همه انبیای الهی مؤمن هستیم، چنانچه خداوند در قرآن کریم به مسلمانان تعلیم فرمود که: «بگوئید به خداوند و به آنچه به سوی ما نازل شده است و به آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او نازل شده است و به آنچه به موسی و عیسی و همه انبیای الهی داده شده است، ایمان آوریم، تفاوتی بین آنان قایل نیستیم و ما تسلیم امر او هستیم.» و ادامه می‌دهد که «اگر دیگران نیز به آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، پس به راستی هدایت شده‌اند.»

عالیجنابان، خانمها و آقایان!

می‌بینیم و می‌دانیم که ادیان الهی، یهودیت، مسیحیت و اسلام از یک منشاء و از یک نور واحد و بر یک پایه روشن و آسمانی و در پی یکدیگر، برای هدایت انسان و تحقق وعده الهی هستند. اما، همواره و در نقطه مقابل حرکت پیامبران الهی، کاروان شیاطین، هواپرستان و ظالمان صف‌آرایی کرده‌اند و در طول تاریخ با استفاده از دروغ، فریب، تفرقه، تجاوز، تحریف و جنایت، مانع رسیدن پیام پیامبران و مصلحان به دل‌های پاک مردم و هدایت آنان شده‌اند.

سرسلسله این کاروان خبیث، قابیل است و پس از آن، پی در پی بوده‌اند و فرعونیان و نمرودیان، جالوتیان و بت پرستان چه بلاها که بر سر پیامبران و پیروان واقعی آنان نیاوردند.

آنان را مسخره و تکذیب کردند، تفرقه ایجاد کردند و اگر توانستند با آنان جنگیدند، آنان را به زندان افکندند، تبعید کردند، قطعه قطعه کردند و کشتند، پیام آنان را تحریف و حرکت را از مسیر حقیقی منحرف کردند و مانع حاکمیت خداپرستان و صالحان در زمین شدند.

آنان تلاش کردند در برابر دعوت به خدا و روش پیامبران، روشها و مکاتبی را در

مقابل بشر قرار دهند و با تبلیغات، تحریک هوسها و غرایز حیوانی و فریب و فشار، او را وادار به دوری از حقیقت و پیوستن به دنیا طلبان و دنیا طلبی کنند. آنان همواره سیطره خودخواهان و مدیریت افراد ناصالح و ناپاک را بر بشریت تحمیل کردند.

مدیریت انسانهای ناصالح نقطهٔ مقابل راه انبیاء دوستان!

امروز نیز گرفتاریهای بشر، حق کشیها، جنگها و اشغالگریها، بی‌عدالتیها و تهدیدها، ترویج فساد بین جوانان، فقرها و محرومیتها، همه از ناحیه خودخواهان، قدرت طلبان و دنیا پرستان و در نقطه مقابل دعوت تعلیمات انبیا الهی است.

مدیریت انسانهای ناصالح، نقطه مقابل انبیای الهی است و می‌بینیم که عرصه بر بشریت تنگ شده و آرامش از او سلب شده است. تهدید و تجاوز و دروغ و فقر و حرمان بر بخشهای بزرگی از جهان سایه افکنده است و چشم‌انداز آینده را تار و تیره کرده است. اینک سؤال مهم این است که آیا خدا جهان و انسان را برای تجربه چنین سرنوشتی آفرید؟ و آیا وضع موجود، غایت هستی است؟ آیا خدای متعال در این دوران انسان را تنها و بی‌یاور رها کرده است؟

پاسخ کاملاً روشن است. همه انبیای الهی علاوه بر هدایت قوم و مردم زمان خویش، بشریت را به آینده‌ای روشن بشارت داده‌اند؛ آینده‌ای که حاکمیت از آن صالحان است و خداپرستی، محبت و عدالت در جهان جاری خواهد شد. آینده‌ای درخشان که در آن علم حقیقی آشکار می‌شود، عقلها کامل، گوشها شنوا، چشمها بینا و دلها آرام و مومن و دستها پاک می‌شود و فقط و فقط خدای یگانه پرستیده می‌شود.

همه انبیای الهی، به روشنی و با پیامی رسا به تحقق آن روز و ظهور حاکم آن روز، یعنی انسان صالح کامل که موعود همه امتهاست، وعده داده‌اند؛ روزی که هدفمندی آفرینش، منوط به تحقق آن است. روزی که معناکننده و تجسم بخش آرمان همه رسولان و پیامبران الهی است. آن روز قطعاً خواهد آمد، روزی که آخرین وصی. از آخرین رسول خدا، همراه با عیسی مسیح و با کاروانی از صالحان و مؤمنان خواهد آمد و با کمک خداپرستان و عدالت طلبان، جهان را که پر از ظلم و ستم و تفرقه شده است، پر از عدل و داد و برادری و اتحاد خواهد کرد.

دوستان خوب!

راه حل مشکلات امروز بشریت مثل همیشه تاریخ، تبعیت از پیامبران و راه و رسم آنان است.

قرن‌ها و هم امروز، صاحبان زر و قدرت و تبلیغات، تلاش کرده‌اند ادیان الهی و پیروان واقعی آنان را از مسئولیتهای اجتماعی و سیاست و حکومت برکنار و به عبادات شخصی محدود کنند. مفهوم آزادی، اخلاق، صداقت، مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از حقوق انسانها را از حقیقت دین سلب کنند، در حالی که: در اصل عبودیت خدا، نفی عبودیت غیر خدا نهفته است. در اصل بندگی خدا، مخالفت با بندگی شیطان و هوای نفس جاری است. در اصل کرامت انسانی، نفی تحقیر انسانها و نفی ظلم و بی‌عدالتی موج می‌زند.

تاریخ انبیای الهی مشحون از مبارزه با زورگویان، ستمگران و متجاوزین به حقوق انسانها و ملتها و حاکمان ناصالح و هوی‌پرست است.

وظایف مهم پیروان ادیان الهی دوستان من!

امروز نیز راه روشن است. به نظرم، دو وظیفه و مسئولیت مهم و اساسی بر دوش پیروان واقعی یهودیت، مسیحیت و اسلام نهاده شده است.

وظیفه اول

احیای حقیقت دین الهی و پیراستن آن از پیرایه‌های جهل و خرافه و تعصب و خودخواهی و آزاد ساختن آن از سیطره اندیشه‌های انحرافی است.

دعوت به توحید، عدالت، صداقت، امانت، خدمت به انسانها و مقابله با ظلم و ظالمان و دفاع از مظلومان، وظیفه قطعی و ادامه حرکت انبیای الهی است.

مسجد و کلیسا و کنیسه، قرآن و انجیل و تورات و مسلمان و مسیحی و یهودی نمی‌توانند در برابر مشکلات ناشی از زورگویی و فریب صاحبان قدرت و فساد، تجاوز، جنگ و خونریزی و اشغال، سکوت کنند.

بسیار روشن است که بدون حرکت دینداران واقعی، امید اصلاح وجود ندارد. امروز، همه باید تلاش کنیم تا مدیریت جوامع در دست صالحان قرار گیرد، امنیت و صلح بر پایه خداپرستی و عدالت برپا و پایدار شود، انسان در پرتو عدالت، عزیز باشد و تحقیر نشود و در سایه خداپرستی به کمال برسد. همه باید تلاش کنیم تا زمینه تحقق آرمان

بزرگ الهی و بشری فراهم شود. دعوت به خدا، حقیقت، عدالت و حفظ کرامت انسانی، باید همگانی شود.

وظیفه دوم

مهم‌تر دعوت به روزی است که در آن هیچ اثری از ظلم و ناامنی در جهان نباشد. دعوت به موعود و زمینه‌سازی ظهور و حاکمیت او، وظیفه‌ای همگانی و بویژه بر عهده علما و مؤمنین و موحدین است.

این محکم‌ترین ریسمان الهی و محور وحدت اصیل بین همه موحدان و پیروان حقیقی تمام انبیای الهی است.

همه معتقدیم که اراده خدا بر هر چیز غلبه خواهد کرد، کلام خدا در زمین جاری و کلمه حق بر جهان مسلط خواهد شد.

معتقدیم که فرزندی از نسل پیامبر اسلام به همراه حضرت مسیح خواهند آمد و آینده درخشان بشری و حیات طیبیه زیبا و نظام عادلانه واحد را برپا خواهند کرد. همه باید در تحقق این کلمه الهی بکوشیم و به لطف و یاری خدا امیدوار باشیم.

مصلح کامل خواهد آمد

دوستان من!

خوشبختانه جهان در همین مسیر در حرکت است. عدالت و حق مستقر خواهد شد و مصلح کامل و موعود خواهد آمد. طعم شیرین راستی و امانت و معنویت و عدالت و عشق و محبت روح بشر را نوازش خواهد داد و کامش را شیرین خواهد کرد. همه باید بکوشیم تا سهمی در این واقعیت انکارناپذیر داشته باشیم.

تأکید می‌کنم که بهترین عامل نزدیکی و وحدت ادیان و پیروان آن، اعتقاد به منجی است. تلاش برای شناخت و شناساندن او، مجاهدت برای یاری و زمینه‌سازی ظهور او و عشق به حاکمیت او، رمز وحدت، حرکت بالنده و نشاط و امیدواری است. باید عرض کنم که خوشبختانه امروز دلها روشن شده است و خداخواهی و عدالت‌طلبی در حال همه گیر شدن است. بشر از وضع ناهنجار حاکم و مدیران ناصالح به ستوه آمده است. مکاتب ساخته دست بشر، به آخر راه و بن بست رسیده‌اند. ملت‌ها در انتظار راهی نو هستند، راهی که بر پایه نور و پاکی و عدالت و خداپرستی بنا شده باشد. بیایید همه با هم برای این هدف مقدس و الهی گام برداریم و دعوت مردم به او را،

که مظهر امید و نشاط و رحمت و عدالت است، محور وحدت همه ملت‌ها قرار دهیم.
تشکر می‌کنم.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مصاحبه رییس جمهور با چارلی رز (شبکه ۱۳ آمریکا)^۱

گزارشگر:

در واقع شما برای ایران چه می‌خواهید؟

رئیس جمهور:

بسم الله الرحمن الرحيم. من به مردم امریکا سلام می‌کنم و برای مردم امریکا و همه ملت‌ها از خدا سعادت، سلامتی و موفقیت می‌خواهم. مشخص است، هرکس برای ملت خودش جز سعادت، پیشرفت، صلح، رفاه و امنیت نمی‌خواهد. ما هم اینها را برای ملت ایران و همه ملت‌ها می‌خواهیم.

گزارشگر:

آیا فکر می‌کنید که رابطه شما با امریکا از این جهت مهم باشد؟

رئیس جمهور:

بالاخره در بین ملت‌ها اصل بر داشتن رابطه است؛ رابطه بر اساس احترام متقابل و دوستی. این یک اصل است. در شرایط استثنایی ممکن است این اصل مخدوش شود. ما علاقه‌مند هستیم با همه ملت‌ها رابطه دوستانه داشته باشیم و این را بارها اعلام کرده‌ایم و الان هم تقریباً با قریب به اتفاق ملت‌ها رابطه دوستانه داریم. البته از اول اعلام کردیم که یک کشور را به رسمیت نمی‌شناسیم، هرچند دو تا بودند که یکی از آنها باقی مانده است. یکی آپارتاید افریقای جنوبی بود که الان وجود ندارد، و دومی هم رژیم صهیونیستی است. اما با بقیه ملت‌ها رابطه خوبی داریم.

امروز هم رابطه ما با مردم امریکا رابطه خوبی است، اما برخی از دولتمردان امریکا این رابطه خوب را نمی‌پسندند.

گزارشگر:

۱- سخنرانی جناب آقای دکتر احمدی نژاد، رییس جمهوری اسلامی ایران در جمع خاخام‌های

آیا سیاستمدارانی در ایران هستند که این رابطه را نپسندند؟
رئیس جمهور:

ممکن است باشند.

گزارشگر:

آیا شما می‌خواهید که رابطه خوبی با امریکا داشته باشید؟
رئیس جمهور:

ما همیشه خواستار رابطه خوب با مردم امریکا بوده‌ایم و همچنین با دولت امریکا،

اگر که براساس احترام به قوانین و پایبندی به قوانین باشد.

گزارشگر:

آیا چنین می‌کنند؟

رئیس جمهور:

ما ندیده‌ایم.

گزارشگر:

از چه نظر؟

رئیس جمهور:

مشخص است، رفتار بخشی از دولتمردان امریکا، توهین به ملت‌ها، زیاده خواهی و

زورگویی است که اینها چیزهای خوبی نیست. آنها به ملت ما احترام نمی‌گذارند. ۲۸

سال است که دائم توهین می‌کنند و تلاش می‌کنند حقوق ملت ما را ضایع کنند. لابد

می‌دانید در ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ملت ما، دولت امریکا کاملاً از صدام حمایت

کرد. چرا؟

گزارشگر:

شاید احساس نگرانی از ایران می‌کردند؛ به هر حال گروگان گیری صورت گرفته

بود و مسائلی از این قبیل، اما من می‌خواهم به آینده بنگرم. می‌خواهم در مورد

خاورمیانه صحبت کنم. آینده خاورمیانه به نظر شما چگونه است و نقش ایران در آن

چه خواهد بود؟

رئیس جمهور:

ما فکر می‌کنیم خاورمیانه هم مثل سایر نقاط دنیا باید در امنیت و آرامش باشد. باید

صلح پایدار بین ملت‌ها برقرار باشد. همان طور که در طول قرن‌ها ملت‌های منطقه در

دوستی و آرامش با هم زندگی کرده‌اند، باید همان طور زندگی کنند.

گزارشگر:

هنری کسینجر و برخی از افراد معتقدند ما باید دیدگاه امریکا و ایران را با هم

برای آینده خاورمیانه، مقایسه کنیم و ببینیم کجا با هم اختلاف نظر دارند و می توانند حداقل به نکات مشترکی برسند. آیا این امکان هست که مذاکره و گفتگویی صورت بگیرد؟

رئیس جمهور:

بله، ما در مورد عراق چند مرحله گفتگو کردیم. در مورد افغانستان هم همین اتفاق افتاد. تصور ما این بود که بتوانیم به امنیت در عراق و همین طور حاکمیت مردم سالاری کمک کنیم.

بله، اگر شرایط عادلانه باشد، می شود گفتگو کرد. البته این مستلزم تغییر نگاه برخی از دولتمردان امریکا است. آنها باید بپذیرند که مردم خاورمیانه هم انسان هستند و حق حیات دارند، آنها هم صلح و امنیت می خواهند و حق دارند خود برای خود تصمیم بگیرند.

دولتمردان امریکا نباید نگاهشان به خاورمیانه، نگاه به نفت باشد. اگر تصور کنند می توانند ملتهای منطقه را سرکوب کنند، اشتباه می کنند.

شما می دانید از روزی که ارتش امریکا وارد عراق شده است، چند نفر عراقی کشته شده اند؟ آمارها گوناگون است، چیزی حدود ۶۰۰ هزار نفر. اینها همه انسان اند و دوست دارند زندگی کنند.

گزارشگر:

شما می دانید که امریکا معتقد است که سلاحهایی از ایران به عراق رفته است و امریکاییها هم زندگی شان را از دست می دهند، اما من می خواهم بدانم از نظر شما آینده عراق باید به کجا برسد تا این وضع خاتمه یابد. تا ۱۶ ماه دیگر ما رئیس جمهور جدیدی خواهیم داشت، اگر در آن زمان سربازان امریکایی از عراق بیرون بروند، هدف شما برای عراق چیست؟

رئیس جمهور:

ما می گوئیم که اجازه بدهیم خود مردم عراق بر سرنوشت خود حاکم باشند. ملت عراق ملتی بزرگ و دارای سابقه تمدن است. اینها قادر هستند خود را اداره کنند، نیازی به ما یا امریکا ندارند. اجازه بدهیم خودشان انتخاب کنند، تصمیم بگیرند و دولت خودشان را داشته باشند؛ مثل خیلی های دیگر.

گزارشگر:

بعضی می گویند الان یک جنگ نیابتی در عراق جریان دارد و برخی دارند برای منافع ایران و برخی برای منافع امریکا می جنگند. بنابراین یک جنگ نیابتی است.

رئیس جمهور:

این یکی از همان تحلیلهای غلط است که صاحبان آن را به تصمیم‌گیری اشتباه می‌اندازد. من فکر می‌کنم با همین تحلیل غلط است که می‌بینیم هر روز وضع پیچیده‌تر می‌شود.

آنجا کسی به نیابت از این ایران نمی‌جنگد. باید بپذیریم که کشوری اشغال شده است و مردم آن کشور حق دارند که به سرنوشت و آینده خود فکر کنند. جز این اشتباه است اگر کسی خیال کند که در عراق با ایران طرف است.

گزارشگر:

البته آینده جنگ عراق برای شما مهم است.

رئیس جمهور:

بله، مهم است، اما به معنای این نیست که کسی از طرف ما می‌جنگد. حتماً برای ما رابطه با عراق مهم است. برای اینکه ما دو ملتی هستیم که صدها سال با هم زندگی کرده‌ایم و بیشترین روابط عاطفی و فرهنگی را با هم داریم. سالانه میلیونها نفر از عراق به ایران و برعکس سفر می‌کنند. مراکز مذهبی ما در عراق است و بالعکس. ما هم با کردها رابطه خوبی داریم، هم با عربها و هم با ترکمنها. مردم ما با هم ازدواج می‌کنند.

گزارشگر:

آیا شما می‌خواهید دولتی در عراق مستقر شود که نماینده هم شیعیان، هم سنیها و هم کردهای عراق باشد؟ آیا می‌خواهید که دولت آشتی و صلح در عراق برقرار شود؟

رئیس جمهور:

فکر می‌کنم اجازه دهیم مردم عراق خود تصمیم بگیرند، این حق ملت عراق است. همه به هرچه تصمیم گرفتند، احترام می‌گذاریم. ما نباید دخالت کنیم. اشتباه ارتش امریکا این است که می‌خواهد در امور عراق دخالت کند.

ما فکر می‌کنیم باید برای حضور امریکا در عراق مأموریت روشنی تعریف شود. من از شما سؤال می‌کنم مأموریت ارتش و دولت امریکا در عراق چیست؟ چه می‌خواهند بکنند؟ آیا کسی در امریکا می‌داند؟

گزارشگر:

شما خوب می‌دانید که امریکا می‌خواهد بین نیروهایی که در عراق با هم می‌جنگند، آشتی صورت گیرد و می‌خواهد نفوذ القاعده در عراق از بین برود. من فکر می‌کنم

دولت عراق هم همین را می‌خواهد، چون خود شما گفته‌اید که اگر عراق ثبات نداشته باشد، ایران اولین کشوری است که ضرر آن را می‌بیند؛ اثر منفی جنگ داخلی برای ایران خواهد بود؟

رئیس جمهور:

درست است، اما یادتان باشد که امنیت با جمع کردن سلاح محقق می‌شود، نه با توزیع آن. الان ارتش آمریکا میان قبایل مختلف سلاح توزیع می‌کند، چرا؟
گزارشگر:

شما هم همین کار را می‌کنید.

رئیس جمهور:

ما چه نیازی داریم؟

گزارشگر:

شما این کار را می‌کنید به خاطر منافع تان و می‌خواهید جناحهای خاصی آمادگی داشته باشند.

رئیس جمهور:

این هم از اشتباهاتی است که دولتمردان آمریکا مکرر مرتکب می‌شوند. ما تنها چیزی که در عراق می‌خواهیم امنیت و حاکمیت ملی است.

گزارشگر:

اگر امنیت نباشد؟

رئیس جمهور:

چرا امنیت نیست؟ به خاطر اشغالگری. از روزی که ارتش آمریکا به عراق آمده است، هر روز وضع امنیت بدتر شده است. البته اخیراً با تلاشهای دولت عراق وضعیت تا حدودی بهتر شده است.

ما از اول از روند سیاسی در عراق حمایت کردیم. الان هم از روند توسعه امنیت حمایت می‌کنیم. اصلاً نگاه ما با نگاه دولتمردان آمریکا متفاوت است. منافع ما در یک عراق مستقل، متحد و قدرتمند است.

گزارشگر:

و آشتی بین سنی‌ها، شیعه و کردها از خشونت ممانعت می‌کند. شما در این زمینه چه مشارکتی می‌کنید؟

رئیس جمهور:

ما که با همه عراقیها رابطه دوستانه داریم و تشویق می‌کنیم و کمک می‌کنیم. شما

نگاه کنید، ما با رئیس جمهور عراق که کرد است، رابطه‌ای بسیار دوستانه داریم؛ با رئیس مجلس عراق که سنی است، رابطه بسیار خوب داریم و با نخست وزیر عراق که شیعه است نیز همچنین.

من می‌خواهم بگویم که قبل از حضور آمریکا در عراق اصلاً بین مردم عراق چیزی به نام کرد و شیعه و سنی مطرح نبود.

گزارشگر:

این به خاطر صدام بود که قدرت عجیب و غریبی به این گروهها داد، برادران شیعه شما زجر کشیدند.

رئیس جمهور:

این طوری نیست؛ هم سنی‌ها برادر ما هستند و هم شیعه‌ها و هم کردها و ترکمنها. برای ما انسانها مهم هستند. الان در آمریکا مگر بین پروتستانها و کاتولیکها در حکومت دعواست؟

گزارشگر:

مسلمان هم داریم.

رئیس جمهور:

چرا دولت آمریکا تلاش می‌کند در عراق بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کند. این سؤال جدی برای ماست؟

گزارشگر:

آنها هم چنین چیزی نمی‌خواهند، می‌خواهند که این گروهها با هم آشتی کنند، آنها به کمک ایران، عربستان، سوریه و اردن احتیاج دارند تا بتوانند این آشتی را ایجاد کنند.

رئیس جمهور:

این حرف درستی است. من می‌پرسم نقش دولت و ارتش آمریکا چیست؟ آنها چه می‌کنند؟ بالاخره عراق تحت اشغال است. ما اسناد فراوانی داریم که مسئولین امریکایی در صدد ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی در عراق هستند. اخیراً حتی دولت عراق را تحت فشار شدید قرار دادند.

گزارشگر:

آنها می‌خواهند بین عراقیها و القاعده اختلاف بیندازند؛ شما باید از آنها حمایت کنید.

رئیس جمهور:

اسنادی که ما داریم، غیر از این است. اسناد ما می گوید که آنها تلاش دارند بین شیعه و سنی، و حتی بین سنی و سنی و شیعه و شیعه، اختلاف بیندازند. مردم عراق قبل از صدام هم مردم عراق بودند و دوستانه با هم زندگی می کردند.

گزارشگر:

البته قبل از صدام، خیلی گذشته است.

رئیس جمهور:

بله، قبل از صدام مردم عراق، مردم عراق بودند. ۵ سال پیش هم مردم عراق بودند، اما بحث شیعه و سنی یک سال و نیم است که در عراق ایجاد شده است.

گزارشگر:

شما می دانید که در امریکا صحبت اکثر مردم این است که امریکا از عراق بیرون بیاورد، تا چند ماه دیگر دولت ما عوض می شود و رئیس جمهور جدیدی سرکار می آید. بیشتر مردم معتقدند که امریکا به طور مقطعی کنار بکشد. این به نفع منافع عراق و به نفع شما هم هست که عراقی با ثبات داشته باشید. آیا کمک می کنید یا مشکل ایجاد می کنید؟

رئیس جمهور:

ما تنها ملتی هستیم در همسایگی عراق که از هر نوع ناامنی در عراق ضرر می کنیم، به همین دلایلی که شما گفتید و هم به لحاظ نگاه انسانی ما حتی از اینکه سربازان امریکایی هم در آنجا کشته می شوند، خیلی ناراحت هستیم. قبلاً هم این را اعلام کرده ام.

گزارشگر:

آیا ممکن است سلاحهای شما سبب شود که آنها کشته شوند، شما از این ناراحت هستید؟

رئیس جمهور:

من دیدم که آقای بوش بعضی چیزها و عکسها را به تلویزیون آورد و گفت مردم و دولت ایران دارند در عراق ناامنی ایجاد می کنند.

وقتی من آنها را دیدم خیلی متأسف شدم. چطور ممکن است دولتی با چنین اسناد غیر معتبری چنین تصمیمات بزرگی بگیرد؟ یعنی ۱۶۰ هزار نیروی ارتش امریکا و عراق در آنجا با چند تا تفنگ و مواد منفجره که معلوم نیست از کجا آمده، زمین گیر می شود؟ اشتباه است.

ما نیازی به این کارها نداریم. نفوذ فرهنگی ما در عراق بسیار زیاد است، چون ما با

هم دوست هستیم. هر یک نفری که در عراق کشته می‌شود، انگار یک ایرانی کشته شده است. برای اینکه مردم ما با هم فامیل هستند. در ایران هم همین‌طور است. در ایران هم اگر یک ایرانی کشته شود عراقیها احساس ناراحتی می‌کنند. ما چه نیازی به این داریم؟ وقتی همه مسئولین عراقی رابطه خوبی با ما دارند، ما چه نیازی به ناامنی در عراق داریم؟ ما اصلاً در کجا ناامنی ایجاد کرده‌ایم که در عراق بکنیم؟

گزارشگر:

فرض کنید مذاکراتی بین شما و رئیس‌جمهور فعلی یا آینده امریکا صورت گیرد، در مورد آینده عراق چه مذاکره‌ای خواهید کرد؟
رئیس‌جمهور:

آینده عراق مربوط به مردم و دولت عراق است. ولی ما توصیه می‌کنیم و حاضریم کمک فکری بدهیم که ارتش امریکا بتواند از عراق خارج شود و کار را به دست دولت قانونی عراق بسپرد. ما آمادگی کمک داریم. ما فکر می‌کنیم مسئولین امریکایی درک درستی از شرایط خاورمیانه ندارند.

گزارشگر:

چه را درک نمی‌کنند؟

رئیس‌جمهور:

خیلی چیزها را؛ یکی اینکه اصلاً برای مردم آنجا احترام قائل نیستند، شرایط روحی و فرهنگی آن مردم را نمی‌دانند. سابقه مردم عراق را نمی‌شناسند، اگر می‌شناختند حتماً با این ترتیب وارد عراق نمی‌شدند، یا بعد از سقوط صدام بلافاصله بیرون می‌رفتند، برای اینکه مردم عراق به لحاظ تاریخی به شدت ضد بیگانه و اشغالگرند.

گزارشگر:

شما می‌دانید که چگونه جنگ ایجاد شد و مشکلات و عواقب آن چه بود، این صحبت‌هایی که شما می‌کنید در امریکا هم زیاد زده شده، اما فکر می‌کنید که نتیجه مثبتی حاصل شود از مذاکره با امریکا؟

رئیس‌جمهور:

ما فکر می‌کنیم اگر قصد مذاکره کنندگان اصلاح باشد، بله، چرا نمی‌شود. اما اگر قصد از مذاکره تسلط و فریب باشد، نه. اما اگر هدف اصلاح و درست کردن وضع و کمک به ملتها باشد، مذاکره مفید است.

گزارشگر:

می‌خواهید مذاکره صورت گیرد؟
رئیس جمهور:

اگر شرایط عادلانه باشد، بله.
گزارشگر:

و شما آماده‌اید که وارد این مذاکره شوید؟
رئیس جمهور:

ما که در مورد عراق چند بار مذاکره کردیم.
گزارشگر:

سفیر ما می‌گوید که مذاکرات عراق به جایی نرسید.
رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم در دولت امریکا اراده‌ای برای استفاده خوب از مذاکرات نبود.
پیشنهادهای ما پیشنهادهای بسیار خوبی بود.

گزارشگر:

کدام پیشنهادها؟
رئیس جمهور:

ما گفتیم کمیته‌ای سه جانبه برای کمک به امنیت عراق و مبارزه با تروریسم ایجاد شود که پیشنهادهای خیلی خوبی بود، ولی دولتمردان امریکا این فرصت را از دست دادند.

گزارشگر:

شما خیلی برای امریکاییها جالب هستید. این سرفصل یک روزنامه امریکایی است که می‌گوید خود ایرانیها نمی‌فهمند چرا امریکا این قدر روی آقای احمدی‌نژاد تمرکز کرده است. شما دقیقاً می‌دانید چطور سرنخ را در دست خود بگیرید و حواس ما را به سمت خود بکشانید.

رئیس جمهور:

این هم از همان اشتباهات است. ما با همه ملتها از جمله مردم امریکا دوست هستیم. ما هیچ دشمنی با هیچ ملتی نداریم. ما دوستدار همه ملتها هستیم.

من دیدگاههای خودم را مطرح می‌کنم، اگر با استقبال مردم امریکا مواجه می‌شود، به خاطر این است که حرف درستی است. البته مسئولین امریکایی حساسیت بی‌جهت نشان می‌دهند. آنها باید حرفهای درست را هم گوش بدهند و ظرفیت شنیدن حرفها را پیدا کنند.

گزارشگر:

نیویورک تایمز امروز چنین می‌نویسد: با توجه به گفته‌های تحریک‌آمیز شما در مورد هولوکاست و حذف اسرائیل، اروپا و آمریکا هنوز نمی‌دانند چطور باید با احمدی‌نژاد رفتار کنند، با جلوه دادن ایشان به عنوان فردی بد، سبب شده که موقعیت ایشان در ایران و منطقه بالا برود، وقتی که خود او از نظر سیاسی بسیار ایزوله شده‌است، به خاطر اینکه روشهای منفرد خود و سیاستهای اقتصادی بی‌ثمر را دارید، به گفته متخصصین ایرانی.

رئیس جمهور:

در مورد ایرانیها اجازه بدهید خود من قضاوت کنم. بالاخره من با این مردم زندگی می‌کنم.

گزارشگر:

ایرانیها این را می‌گویند.

رئیس جمهور:

نیویورک تایمز حرف خودش را زده است. من با مردم ایران زندگی می‌کنم اما اجازه بدهید مطالبی را به شما بگویم. در همین جا تناقض است. از یک طرف می‌گویند موقعیت ایران در منطقه و جهان بالا رفته است، دو جمله بعد می‌گویند که ایران منزوی شده است. کدام یک را بپذیریم؟ بالاخره موقعیت ما بالا رفته است یا ایزوله شده‌ایم؟ مگر هر دو اینها می‌شود؟ من فکر می‌کنم نویسنده درک درستی از شرایط ایران و منطقه نداشته است.

گزارشگر:

پس شما بفرمایید که واقعیت چیست؟

رئیس جمهور:

حرفهایی که ما می‌زنیم حرفهای واقعی و حقیقی است. من از شما سؤال می‌کنم که آیا همه آمریکا و اروپا در رژیم صهیونیستی خلاصه می‌شود؟ چرا بعضی خیال می‌کنند همه مردم آمریکا و اروپا....

گزارشگر:

همه در غرب از حق اسرائیل برای بودن و در صلح زندگی کردن حمایت می‌کنند و نیز از حق فلسطینیها را برای اینکه دولت خود را داشته باشند.

رئیس جمهور:

اما من نمی‌بینم، این روزنامه‌ها را ببینید. این همه به مردم فلسطین حمله می‌شود. زنها و بچه‌ها در خانه‌های خودشان کشته می‌شوند و شخصیت‌های فلسطینی ترور

می‌شوند، سرزمین آنها اشغال می‌شود، اما عکس‌العمل روزنامه‌ها و سیاستمداران امریکایی کجاست؟

ممکن است شما هم این اعتقاد را داشته باشید، البته من معتقدم مردم امریکا هم مردم خوبی هستند، اما قطعاً این رسانه‌ها و دولتمردان امریکایی حرف مردم امریکا را منعکس نمی‌کنند. برای اینکه ما می‌بینیم همهٔ توان خودشان را فقط برای دفاع از صهیونیستها گذاشته‌اند.

گزارشگر:

امریکا احساس‌های عمیقی در رابطه‌اش با اسرائیل به عنوان یک دموکراسی در خاورمیانه دارد. ما باید متوجه باشیم که این رابطه بین آنها و ما هست.
رئیس جمهور:

بله، بین سیاستمداران اینجا من می‌دانم که هست، ولی مردم امریکا چه؟ مردم امریکا چرا باید هزینه‌های رژیم صهیونیستی را بدهند؟ آنجا ترور می‌شود، آدم کشته می‌شود، بچه‌ها کشته می‌شوند، آیا مردم امریکا از اینها اطلاع دارند و راضی هستند؟ هرگز. مردم اروپا هم قبول ندارند. اصلاً رژیم صهیونیستی یک پدیدهٔ سیاسی است.
گزارشگر:

شما می‌دانید مطبوعات ما اینجا آزاد است. من می‌خواهم این داستان را که راجع به شماست، ادامه بدهم. حتی یک بلوک کوچکی در پارلمان زمانی طرف آقای احمدی‌نژاد بودند، حتی آنها هم دیگر دستشان بالا برده‌اند. شاید خودتان هم متعجب بشوید، یکی از نماینده‌های محافظه‌کار گفت من به ایشان رأی دادم، از صحبتشان خوشم آمد، اما شما نمی‌توانید براساس سیاستهای شخصی دولت را بچرخانید و باید با دیگران مشورت بکنید. در خود کشورتان دارند این طور از شما انتقاد می‌کنند.

رئیس جمهور:

شما الان ناراحت من یا ناراحت مردم ایران یا ناراحت رژیم صهیونیستی و مردم امریکا هستید؟ اجازه بدهید ما با مردم خودمان بلد هستیم چگونه رفتار کنیم.

گزارشگر:

من می‌خواهم بدانم شما کی هستید، از کجا می‌آیید و آیندهٔ سیاسی خودتان را چطور می‌بینید؟
رئیس جمهور:

من یک ایرانی و معلم دانشگاه هستم و آیندهٔ سیاسی و اقتصادی ایران را هم بسیار

درخشان می بینم. می بینیم که ایران هر روز در حال پیشرفت در همه زمینه هاست. اما سؤال من این است که چرا بعضی از دولتمردان سرنوشته مردم امریکا را به رژیم صهیونیستی گره می زنند؟ اصلاً این رژیم، رژیمی سیاسی است.

گزارشگر:

چرا شما می خواهید راجع به صهیونیستها صحبت کنید؟ ما می دانیم که موضع شما در مورد اسرائیل چیست؟

رئیس جمهور:

موضع ما چیست؟

گزارشگر:

این کار را می کنید و می خواهید این حرف را وسط بکشانید، چرا؟
رئیس جمهور:

شما فکر می کنید چرا راجع به آنها صحبت می کنم؟ فکر می کنید مسئله فلسطین مسئله مهمی نیست؟ آیا در منطقه ما تأثیر نمی گذارد؟ آیا امنیت منطقه ما را به خطر نینداخته؟ آیا صهیونیستها نگفته اند که می خواهند از نیل تا فرات را تصرف کنیم؟ آیا صهیونیستها تا حالا بارها و بارها ایران را تهدید به حمله نظامی نکرده اند؟ آیا به لبنان حمله نکرده اند؟

گزارشگر:

من نمی خواهم وارد منازعه با شما بشوم، اما پیشنهاد می کنم این منازعه را با امریکا و اسرائیلیها داشته باشید. شما این قدرت را دارید و آنها هم این قدرت را دارند؛ شما این ظرفیت را دارید که وارد منازعه با آنها بشوید و شما این ظرفیت را دارید که کاری بکنید. این سؤالها را از من نپرسید، خودتان یک کاری بکنید.

رئیس جمهور:

من که دارم نظراتم را می گویم. ما هم برای فلسطین و هم برای عراق راه حل داریم که به نفع همه و راه حل انسانی است. ما می گوئیم اجازه بدهید مردم فلسطین خودشان انتخاب کنند. شصت سال نزاع به خاطر آن است.

گزارشگر:

پس چرا شما از برنامه صلح پادشاه عربستان سعودی در مورد فلسطین حمایت نمی کنید؟ ایشان می گویند که برگردیم به مرزهای سال ۱۹۶۷ میلادی، قبل از اشغال سرزمینهای اضافی اسرائیل و اسرائیل را به رسمیت بشناسیم و حقوق مردم فلسطین را به آنها بدهیم و چرا شما آماده نیستید آن کاری که برادران عرب شما می خواهند انجام بدهند در مورد فلسطین، انجام بدهید؟

رئیس جمهور:

ما از هر تلاشی که برای صلح پایدار انجام بشود حمایت می‌کنیم. شصت سال است که طرح‌های گوناگون داده شده است، اما مسئله حل نشده است. برای اینکه راه حلها، راه حل‌های بنیادی نیست و فکر می‌کنیم که باید راه حل اساسی بدهیم. ما همان چیزی که دولت امریکا ادعا می‌کند پیشنهاد می‌دهیم. ما می‌گوییم اجازه بدهید مردم فلسطین خودشان برای آینده خود تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

وقتی من می‌گویم برادران، منظورم به طور کلی برادران مسلمان است. می‌دانم که ملت شما عرب نیست.

اما الان یک پیشنهادی شده است. چرا شما از همین طرح آقای عبدالله حمایت نمی‌کنید؟ حماس را بیاورید سرمیز مذاکره تا راه حلی پیدا شود. شما مشکل نباشید، راه حل باشید.

رئیس جمهور:

یعنی شما از من می‌خواهید که نظرات خودمان را بر مردم فلسطین تحمیل کنیم؟

گزارشگر:

نه، از طرح عربستان سعودی حمایت کنید.

رئیس جمهور:

من می‌گویم از هر طرحی که منجر به صلح پایدار بشود حمایت می‌کنیم. شصت سال است که طرح‌های متعددی داده شده و هیچ کدام مشکل را حل نکرده. اجازه بدهید مردم فلسطین خودشان تصمیم بگیرند. این راه حل انسانی و منطبق بر منشور سازمان ملل متحد است.

گزارشگر:

شما آماده هستید که اسرائیل را به رسمیت بشناسید و نیز برگشت به مرزهای سال ۱۹۴۷ را، اگر طرح صلحی بین همه باشد و فلسطینیها هم کشور خودشان را داشته باشند؟

رئیس جمهور:

ما حق ملت فلسطین را به رسمیت می‌شناسیم و هر تصمیمی که ملت فلسطین بگیرد برای ما محترم است.

حرف ما این است که اجازه بدهید مردم فلسطین تصمیم بگیرند. چرا دولت امریکا یا اروپا یا ما باید چیزی را به آنها تحمیل کنیم؟ اجازه بدهیم خودشان تصمیم بگیرند.

آیا دولتمردان امریکایی حاضرند که تصمیم مردم فلسطین را بپذیرند؟ اصلاً این ظرفیت را دارند؟ این یک سؤال جدی است.

گزارشگر:

بله، یک سؤال جدی است و من فقط دارم می‌پرسم چرا شما از طرحهای همسایه‌های عربستان حمایت نمی‌کنید؟ نگران کارهای امریکا نباشید. آنها هم به اندازه شما در راه حلی برای فلسطینیها منافع دارند. درست است یا نه؟

رئیس جمهور:

ببینید، ما یک پدیده واقعی داریم و کسانی که دارند در آنجا دخالت می‌کنند. ما می‌گوییم همه بروند کنار و اجازه بدهند مردم فلسطین تصمیم بگیرند. اینکه بهترین چیز است؛ نه منافع امریکا، نه منافع اروپا، نه منافع ایران و دیگران باشد؛ بلکه منافع مردم فلسطین باشد. ما فکر می‌کنیم که آنها خودشان می‌توانند تشخیص بدهند چه به نفعشان است.

این پیشنهاد خیلی روشنی است. چرا با آن مخالفت می‌کنند؟ اجازه بدهند مردم فلسطین در یک انتخاب آزاد سرنوشت خودشان را تعیین کنند. اینکه خیلی چیز خوبی است. چرا با این مخالفت می‌شود؟ من نمی‌دانم چرا؟

گزارشگر:

این سؤال مطرح است که چرا شما با طرحهای عربها مخالفت می‌کنید؟

رئیس جمهور:

برای اینکه حق برای مردم فلسطین است، نه برای ما یا دولت امریکا یا دیگران. مردم فلسطین باید تصمیم بگیرند. چرا ما باید تصمیم بگیریم؟ این دخالت در امور مردم فلسطین است و خوب نیست که عده‌ای برای مردم فلسطین تصمیم بگیرند. بر کدام قواعد بین الملل استوار است که دیگران برای آنها تصمیم بگیرند؟

گزارشگر:

نقش شما الان در فلسطین برای ارتقای صلح چیست، آیا نقش مثبتی ایفا می‌کنید یا منفی؟

رئیس جمهور:

نقش ما همین است که می‌گوییم امریکا و اروپا و همه کنار برویم، اجازه بدهیم مردم فلسطین تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

آیا آماده‌اید از فتح حمایت کنید، همان قدر که از حماس حمایت

می‌کنید؟

رئیس جمهور:

ما روابطمان با همه گروه‌های فلسطینی رابطه خوبی است. الان سفیر فتح در تهران است و با ما رابطه خوبی دارد و ما آنها را به همکاری و همفکری با هم تشویق می‌کنیم.

ما حق ملت فلسطین را به رسمیت می‌شناسیم. ما می‌گوییم این ادبیات سیاسی باید عوض شود. دیگران نباید در سرنوشت ملت‌ها دخالت کنند و این حرف خیلی روشنی است.

گزارشگر:

من می‌خواهم به این مقاله نیویورک تایمز برگردم که می‌گوید: مردم می‌گویند ما باید درباره آزادیها و ایدئولوژی داخل ایران صحبت کنیم، به جای تمرکز بر رئیس جمهوری، آنچه در ایران مهم است ایدئولوژی جمهوری اسلامی است. طبق گفته سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی بعد از اینکه شاه قدرت را از دست داد، در ایران گروهی ایجاد شد که برای مردم تعیین تکلیف می‌کنند مثل حالت شورای نگهبان. بنابراین با این ایدئولوژی جمهوری اسلامی اصلاً جایی برای مذاکره با شما می‌ماند؟
رئیس جمهور:

ببینید، اشکال دولتمردان امریکایی این است که نمی‌خواهند ایدئولوژی انقلاب را بشناسند.

گزارشگر:

شما به ما بگویید چرا؟

رئیس جمهور:

آیا در امریکا و بین دولتمردان گوش شنوایی است؟ من دیدم حتی رئیس دانشگاه کلمبیا را تحت فشار قرار دادند که چرا از احمدی‌نژاد دعوت کردید؛ دانشگاه که باید مرکز آزادی اندیشه باشد. بعضی شبکه‌های دولتی را دیدم که دائم دارند تشدید تنش می‌کنند و می‌خواهند فضایی درست کنند که اصلاً صدای احمدی‌نژاد به مردم نرسد و من دیدم که گفتند اصلاً نباید به او گوش داد.

اما ایدئولوژی انقلاب می‌گوید که همه حرف‌ها را باید گوش داد و به همین خاطر ما همه حرف‌ها را گوش می‌دهیم.

گزارشگر:

واقعیت این است، شما در دانشگاه کلمبیا امروز صحبت خواهید کرد. شما می‌دانید

که چرا این قدر خصومت در مورد شما هست. به خاطر گفته‌های تحریک آمیز شما در گذشته، اما به هر حال شما امروز صحبت خواهید کرد.

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم آنهایی که خیلی خودخواه هستند، اصلاً نمی‌پسندند که دیگران بتوانند حرفشان را بزنند. من چه گفتم؟ من راجع به فلسطین دو سؤال مطرح کردم. بعضی از رسانه‌های امریکایی وابسته به دولت گوش فلک را کر کرده‌اند. دو سؤال خیلی روشن مطرح کردم، پاسخ بدهند. سؤال و پرسشگری که آزاد است. من یک معلم هستم و چیزی در اختیار ندارم. سؤال می‌کنم.

ایدئولوژی انقلاب ما می‌گوید که همهٔ انسانها از هر رنگ، نژاد، ملیت و دینی که باشند محترم‌اند و به همین خاطر شما می‌بینید که در ایران مسیحی، یهودی و مسلمان با هم زندگی می‌کنند.

ایدئولوژی ما می‌گوید که مردم حق دارند انتخاب کنند. بیست و نه سال است مردم در ایران انتخاب می‌کنند. من تعجب می‌کنم از این حرفهایی که اینجا نوشته شده است. ما تنها کشوری هستیم که رهبر، رئیس جمهور، نمایندگان، شوراها و شهرداریها توسط مردم انتخاب می‌شوند. همین مردمی که گزارشگر نیویورک تایمز سعی کرده به نمایندگی از آنها حرفش را بزند.

گزارشگر:

شما می‌دانید شورای نگهبان که تحت کنترل تندروها هست باید تمام کاندیداها را قبل از انتخابات تأیید کند.

رئیس جمهور:

من سؤال می‌کنم که در امریکا هرکس می‌تواند کاندید ریاست جمهوری بشود؟ هرکس آزاد است؟

گزارشگر:

می‌تواند کاندید بشود، اما ممکن است تأیید نشود.

رئیس جمهور:

اصلاً نمی‌تواند بشود، برای اینکه در اینجا سلطهٔ حزبی است و یک نفر باید از بچگی در یک حزب برود و صدارت‌گزینش بشود تا بتواند کاندید بشود، والا پولها و رسانه‌ها از او حمایت نمی‌کنند.

از شما سؤال می‌کنم که اصلاً در امریکا رئیس جمهور غیر حزبی سر کار آمده؟

بدترین کنترل در امریکاست. هرکس عضو حزب باشد رئیس جمهور می‌شود، وگرنه نمی‌تواند.

گزارشگر:

ما کاندیداهای مستقل داشتیم که جزء حزب نبودند. مثل شهردار نیویورک. کسی نباید آنها را تأیید کند ولی می‌توانند کاندید بشوند.

رئیس جمهور:

زمانی می‌شود حرف شما را پذیرفت که حداقل یک رئیس جمهور مستقل و آزاد آمده باشد، الان نیامده، برای اینکه دیکتاتوری حزبی است. اما در ایران قانون است. شورای نگهبان را هم همان مردم به قانون اساسی رأی داده اند و بعد از تصمیم شورای نگهبان همین مردم رأی می‌دهند.

اگر مردم علاقه نداشته باشند رأی نمی‌دهند، اما همین مردم ۸۰ درصد رأی دادند. شما می‌دانید ایران یکی از بالاترین معیارهای دموکراسی را به نمایش گذاشته است. مشکل دولت امریکا هم همین است که ایران به لحاظ دموکراسی بسیار پیشرفته است و امریکا از دولتهای دیکتاتوری حمایت می‌کند و دچار تناقض شده است.

گزارشگر:

ولی شما رأی آوردید و انتخاب شدید و توانستید از آقای رفسنجانی که همه می‌شناختند ببرید و ایشان را بیشتر از شما می‌شناختند.

رئیس جمهور:

بله، برای اینکه مردم ما آزاد هستند و کسی نمی‌تواند به مردم ما تحمیل کند، حتی هیچ حزبی. مردم ما آزادند. حرفهای من را شنیدند و رأی دادند. این بهترین نوع آزادی و دموکراسی است.

گزارشگر:

دوباره خودتان را کاندیدای ریاست جمهوری می‌کنید؟

رئیس جمهور:

هنوز دو سال مانده. نظر شما چیست؟

گزارشگر:

بله فکر می‌کنم که شما خودتان را کاندید می‌کنید.

خیلی فکر می‌کنند تحریک‌آمیزترین حرفهایی که شما زدید، به خاطر داخل ایران است. از ایرانیها می‌خواهید که به نوعی گوش به حرفهای شما بدهند، نه مردم جهان.

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم همه آزاد هستند هرچور که دوست دارند فکر کنند. چرا باید راجع به دیدگاه‌های دیگران اظهار نظر کنم. آزادند این جور فکر کنند، اشکالی ندارد.

گزارشگر:

می‌خواهم راجع به مسائل داخلی ایران صحبت کنم. به شما در اینجا فرصت داده شد که نظرات خود را بگویید. الان نهضت اصلاحات در ایران که در گذشته آقای خاتمی نماینده آن بودند، چقدر قوی است؟

رئیس جمهور:

آن اصلاحاتی که شما برداشت می‌کنید با آنچه مردم ایران برداشت می‌کنند دو چیز کاملاً متفاوت است. اصل انقلاب ما بزرگ‌ترین اصلاحات بود. یک حکومت دیکتاتوری وابسته به دیگران رفت و یک حکومت مستقل مردمی، آزادی، حق انتخاب، آزادی بیان و حق اندیشه، حق پیشرفت و همبستگی ملی آمد. امروز ملت ایران ملتی بسیار پر نشاط و رو به پیشرفت است.

بگذارید مطلبی را به شما بگویم. قبل از انقلاب یک حکومت وابسته به دولت آمریکا در ایران روی کار بود، اما کشور ما در فقر مطلق بود و شخصیت آن تحقیر می‌شد، استقلالش مخدوش، منابع آن در اختیار دیگران بود، زندانهای آن پر از زندانی و شکنجه گاه بود؛ اما الان ملت تصمیم می‌گیرد و در همه صحنه‌ها حضور دارد. ملت ایران عزم جدی برای پیشرفت دارد و هر روز اخبار پیشرفتهای علمی، صنعتی و اجتماعی ایران را می‌شنوید.

گزارشگر:

امریکا به عنوان یک ملت در جهان می‌تواند در موقعیتی باشد که به ایران کمک کند تا ایران جزئی از جامعه جهانی بشود. انگار نمی‌خواهید این امکان را اصلاً در نظر بگیرید و بنابراین با آمریکا به جای اینکه با هم کار کنید، مناقشه دارید و مشکل همین جاست.

رئیس جمهور:

این حرف شما دوقسمت است. اینکه ما می‌خواهیم با همه ملت‌ها دوست باشیم و همکاری بکنیم، حرف درستی است و مطمئن هستیم که ملت آمریکا هم همین احساس را دارد، اما اینکه ما انتظار داشته باشیم دولت آمریکا بخواهد ما را وارد جامعه جهانی کند، این همان اشتباهی است که دولتمردان آمریکا مرتکب می‌شوند.

ما یک ملت بزرگ و دارای روابط تاریخی با همه ملت‌ها هستیم. هزاران سال رابطه

تاریخی با ملت‌ها داریم. هر جای دنیا بروید فرهنگ، نام و ملت ایران مطرح است. در همین امریکا الان هزاران دانشمند ایرانی هستند که کار می‌کنند و به جامعه بشری خدمت می‌کنند.

ایران نیاز ندارد که دولت امریکا او را وارد جامعه جهانی بکند، ایران در جامعه جهانی هست، اما رابطهٔ دوستانهٔ بین ملت‌ها را قبول دارم.

گزارشگر:

نه اینکه امریکا به شما اجازه بدهد، بلکه با هم از طریق گفتگو می‌توانید از این اختلافات ممانعت کنید و کنار بگذاریم و در منطقه کار مثبت انجام دهیم.

رئیس جمهور:

این نظر انسانی خوبی است و من قبول دارم، ولی می‌شود از دولت امریکا پرسید چرا از صدام علیه ما حمایت کرد؟

چرا تروریست‌هایی که مسئولین و مردم ما را ترور کردند، الان در عراق تحت حمایت امریکا هستند و در امریکا آزادانه فعالیت می‌کنند؟ چرا دولت امریکا در مقابل پیشرفت مردم ما مقاومت می‌کند؟ این کارها را نکنند، زمینه فراهم می‌شود.

گزارشگر:

دقیقاً چه کار می‌کنند که شما می‌خواهید نکنند؟

رئیس جمهور:

برای شما مثال زدیم. همین الان در قضیهٔ هسته‌ای، واقعاً دولت امریکا لجبازی می‌کند. آژانس گزارش می‌دهد که فعالیت‌های ایران صلح آمیز است، اما دولت امریکا می‌گوید ایران حق ندارد، چرا؟

مردم ما اینها را می‌بینند. مردم می‌بینند کسانی که فرزندان آنها را در خیابانها کشتند، تحت حمایت دولت امریکا در عراق هستند. مردم می‌بینند که رئیس جمهور امریکا به آنها توهین می‌کند. چرا توهین می‌کند؟

گزارشگر:

ولی شما از مردمی که به دولت امریکا حمله کردند و سازمان‌های تروریستی، حمایت کردید.

رئیس جمهور:

ما از کدام سازمان تروریستی حمایت کردیم؟

گزارشگر:

در توصیفی که امریکا از این سازمانها دارد، به گفتهٔ امریکا حزب الله یکی از

آنهاست.

رئیس جمهور:

اجازه بدهید من به شما بگویم. در افغانستان جریان تروریست را چه کسی راه انداخت؟ همه می دانند که سازمانهای اطلاعاتی امریکا پشت قضیه است. ما مخالف بودیم. همین الان ما با جریان تروریستی که وارد عراق می شود، مخالفیم.

گزارشگر:

کدام تروریسم؟ القاعده یا طالبان را می گوید؟

رئیس جمهور:

تمام گروههای تروریسم. همه علیه بشریت اند. ما با همه آنها مخالف بودیم. چه کسی اینها را راه انداخت؟ من از شما سؤال می کنم، آیا حزب الله خارج از لبنان کاری انجام داده؟ حزب الله از سرزمین خودش دفاع می کند و این حقی است که منشور ملل متحد به آنها داده است.

گزارشگر:

کدام سرزمین؟ حزب الله کجاست؟

رئیس جمهور:

حزب الله در مجلس و دولت لبنان حضور دارد. گروهی شناخته شده است.

گزارشگر:

اما آنها سلاحهایشان را تحویل ندادند.

رئیس جمهور:

این به عهده ملت لبنان است و به ما مربوط نیست.

گزارشگر:

اما به نفع مردم لبنان نیست.

رئیس جمهور:

ما نباید تشخیص بدهیم. اجازه بدهید مردم لبنان تشخیص بدهند. چرا ما خیال می کنیم منافع ملت لبنان را بهتر از ملت لبنان تشخیص می دهیم؟ این چیز بدی است. به ملت لبنان اجازه بدهیم خودش تصمیم بگیرد.

اما سؤال این است، منشور ملل متحد به همه ملتها اجازه می دهد در مقابل اشغالگری و تجاوز مقاومت کنند. سؤال این است که حزب الله کجاست؟ در لبنان. رژیم صهیونیستی کجا بود؟ در بیروت و جنوب لبنان. ما باید به ملت لبنان حق بدهیم.

گزارشگر:

آنها از لبنان عقب نشینی کردند.
رئیس جمهور:

سال گذشته همین موقع کدام شهرها تحت بمباران هواپیماهای رژیم صهیونیستی بود؟

گزارشگر:

هر دو داشتند به هم حمله می کردند. حزب الله هم داشت به آنها حمله می کرد.
رئیس جمهور:

چه کسانی ۳۳ روز قطعنامه آتش بس را عقب انداختند و چرا؟ چه کسانی گفتند ما خاورمیانه جدید می خواهیم؟ چه کسانی گفتند ما می خواهیم نقشه سیاسی خاورمیانه را به هم بزنیم و چرا؟

اینها توهین به ملتهای خاورمیانه است. وزیر خارجه امریکا می آید پشت تلویزیون می گوید ما می خواهیم خاورمیانه جدید درست بکنیم، نقشه سیاسی را به هم بزنیم و... مردم می گویند شما چه کاره هستید؟ حرفها اینهاست خیلی روشن است. من فکر می کنم اگر دولتمردان امریکا همین حرفها را متوجه بشوند، مشکل حل می شود.
ما علاقه مند به همکاری هستیم. ما الان با ۱۸۰ کشور دنیا روابط بسیار خوبی داریم و ما مشکلی نداریم و حتی با کشورهای اروپایی روابط بسیار خوبی داریم. قراردادهای وسیع اقتصادی داریم و بیش از صد میلیارد دلار در سال رابطه اقتصادی با کشور اروپایی داریم و مشکلی نداریم.

می تواند با امریکا هم همین باشد. امریکا خودش خود را تحریم کرده است. اشتباه می کنند. باید دوست ملت ایران باشند و ادبیاتشان را با ملت ایران اصلاح کنند و به ملت ایران و حق انتخاب مردم احترام بگذارند، درست می شود.

گزارشگر:

دوباره می خواهیم به مسئله هسته ای برگردم. فکر می کنید تحریمهای بیشتری از جانب شورای امنیت صورت بگیرد؟
رئیس جمهور:

من احتمال نمی دهم، برای اینکه دلیلی برای آن نیست. برای چه؟

گزارشگر:

برای اینکه روسها و چینها ممکن است از این تحریم ممانعت کنند؟
رئیس جمهور:

نه، ما عضو آژانس هستیم و طبق اساسنامه آژانس حق داریم چرخه سوخت را داشته باشیم. آنها هم طبق قانون عمل می‌کنند.

گزارشگر:

ما می‌دانیم اگر شما واقعاً می‌خواستید که سلاح هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشید، می‌توانستید هرچقدر بخواهید بگیرید. لزومی ندارد که همسایه‌هایتان را بترسانید. می‌توانید از تحریمها خودداری نکنید. روسها خودشان پیشنهاد دادند که این ظرفیت را به شما بدهند که برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشید، بدون اینکه خودتان ۵ هزار سانتریفیوژ بسازید؛ یعنی آنها این کار را برای شما انجام دهند.

رئیس جمهور:

من از شما سؤال می‌کنم. دقت کنید؛ اگر شما جای ما باشید چه می‌کنید؟ ما هم با دولت امریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و کانادا قراردادهای هسته‌ای داشتیم. برخلاف قوانین بین‌الملل یک طرفه قرار دادشان را لغو کردند و میلیاردها دلار به مردم ما صدمه زدند. همین نیروگاه بوشهر بیش از ۳۲ سال سابقه دارد. آلمانها شروع کردند و میلیاردها مارک از ما پول گرفتند و یک طرفه قرار داد را لغو کردند، از قدرت سیاسی خود استفاده کردند و حق ملت ما را ندادند.

همین الان دوازده سال است که ما با روسها قرار داد داریم. در دست ملت ما چیست؟ ما به چه کسی باید اعتماد کنیم؟ به کسانی که یک طرفه قراردادهایشان را لغو کردند؟ چرا؟ کدام انسان عاقلی این کار را می‌کند؟ وقتی ما خودمان توانمندی این را داریم که انرژی صلح‌آمیز داشته باشیم، چرا باید نیازمند دیگران باشیم؟

من قبلاً گفته‌ام، ما حاضریم تضمین بدهیم که نفت اروپا را تأمین کنیم، آنها هم دنبال انرژی هسته‌ای نروند. چرا آنها دنبال انرژی هسته‌ای هستند؟ برای اینکه این انرژی مورد نیاز همگان است. همه باید استفاده کنند. انرژی پاک است و به نفع محیط زیست است. چرا عده خاصی استفاده کنند و بقیه ملتها استفاده نکنند؟

آیا شما دوست دارید امریکا برای نیازمندیهای خودش دستش را مقابل دیگران دراز بکند، در حالی که خودش می‌تواند تأمین کند؟ چرا از ملت ما انتظار هست که چیزی که خودش می‌تواند درست کند را درست نکند و دستش را جلوی دیگرانی دراز کند که قرار دادهایشان را یک طرفه لغو می‌کنند.

این چیز خوبی نیست. کدام قانون این را تجویز می‌کند؟ ما می‌گوییم حق اگر

هست، برای همه. ما عضو آژانس هستیم. ما ملتی هستیم که به هیچ کشوری تجاوز نکرده‌ایم، اما مورد تجاوز قرار گرفته‌ایم. ما هیچ وقت برای کسی خطر نبوده‌ایم و دوست همه هستیم. شما دیدید دو سال قبل طوفان کاترینا آمد، من پیام دادم که حاضریم به مردم آسیب دیده کمک کنیم؛ برای اینکه ما دوست همه ملت‌ها هستیم. ما هیچ وقت دشمن کسی نیستیم.

گزارشگر:

هیچ کس مخالفت نمی‌کند و همه می‌خواهند برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشید اما نگرانی اینجاست که اگر شما سلاح هسته‌ای داشته باشید، ممکن است همه در آن منطقه سلاح هسته‌ای بخواهند. پاکستان و اسرائیل الان دارند و اگر شما، عربستان سعودی، مصر و اردن هم بخواهند سلاح هسته‌ای داشته باشند، پس آینده NPT که خودتان آن را امضا کرده‌اید از بین می‌رود.

مشکل این است، نه اینکه از شما نگران هستند که شما از آن سلاح استفاده کنید، بلکه در واقع آینده کل منطقه به مخاطره می‌افتد و همه سلاح خواهند خواست. رئیس جمهور:

ما بارها اعلام کرده‌ایم که اصلاً نیازی به سلاح اتمی نداریم. نه در برنامه دفاعی ما سلاح اتمی هست و نه به لحاظ اعتقادی سلاح اتمی را قبول داریم. ما اعلام کردیم که مردود است و به لحاظ سیاسی هم بلااثر است و فایده‌ای ندارد. اصلاً به درد نمی‌خورد.

از شما سؤال می‌کنم که آیا اتحاد جماهیر شوروی سلاح اتمی داشت یا نداشت؟ آیا سلاح اتمی مانع از فروپاشی آن شد؟

رژیم صهیونیستی سلاح اتمی دارد، آیا مشکلتش با فلسطینی‌ها حل شد. دولت

امریکا سلاح هسته‌ای دارد، آیا به حل مشکلات امریکا در عراق کمک می‌کند؟

پاکستان سلاح هسته‌ای دارد؟ آیا به حل مسائل داخلی پاکستان کمک می‌کند؟

امروز دیگر سلاح هسته‌ای در مناسبات انسانی کاربردی ندارد، بی‌تأثیر است و قابل استفاده نیست. ما توصیه می‌کنیم کسی سرمایه‌گذاری نکند. ضمن اینکه ما عضو آژانس هستیم. آژانس بر فعالیتهای ما نظارت می‌کند، اما بعضی اینجا فریبکاری می‌کنند. آنها می‌گویند برای اینکه ما مطمئن باشیم که شما سلاح هسته‌ای نمی‌سازید، اصل چرخه سوخت را نداشته باشید و این فریبکاری است.

ما می‌خواهیم چرخه را داشته باشیم و سلاح هم نمی‌خواهیم و بیشترین همکاری

را با آژانس انجام می‌دهیم. شما بدانید سؤالهایی که آژانس از ما می‌پرسد، سؤالهای خیلی معمولی است. اما سؤالهایی که از کشورهای اروپایی و آمریکا دارد، سؤالهای بسیار پیچیده‌ای است. اما آنها از قدرتشان استفاده می‌کنند و پاسخگو نیستند و این چیز خوبی نیست.

ایران در دنیا دارای نفوذ فرهنگی است. ایران را به عنوان یک فرهنگ می‌شناسند، نه به عنوان یک قدرت نظامی و تمام برنامه‌های نظامی ما هم حالت دفاعی دارد. ما اصلاً حالت هجومی نداریم، به همین خاطر همیشه با همسایه‌هایمان در دوستی بوده‌ایم.

صدام را هم همین کشورها تحریک کردند که علیه ما حمله کرد. ما با صدام کاری نداشتیم. دولت آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی از صدام حمایت کردند؛ ما که جنگی با کسی نداشتیم. وقتی صدام حمله کرد ما حتی ارتش هم نداشتیم. ما حرفه‌ایمان را خیلی روشن می‌زنیم.

بگذارید یک نکته دیگر بگویم. می‌خواهم صمیمانه با هم گفتگو کنیم. اصلاً این روش دولت آمریکا روش غلطی است و هیچ وقت جواب نمی‌دهد. ایران سرزمین خیلی بزرگی است. اگر ایران بخواهد کاری انجام بدهد حتماً می‌تواند انجام بدهد. دلیلی ندارد ما همه تأسیساتمان را بیاوریم جلوی چشم بگذاریم. وقتی این کار را می‌کنیم معنایش این است که ما صداقت داریم.

همه فعالیت‌های ما زیر نظر آژانس است و کارهایی را که انجام می‌دهیم از قبل اعلام می‌کنیم؛ خود من هم همه را اعلام می‌کنم. ما اجازه دادیم که خبرنگارها بیایند و از تأسیسات هسته‌ای ما بازدید کنند و آژانس مرتب در حال بازرسی است. آیا دولت آمریکا اجازه داده که تأسیسات هسته‌ای‌اش مورد بازدید قرار بگیرد؟ خیر، پس چرا بمب می‌سازد؟ چرا بمب نسل پنجم می‌سازد؟ این خلاف معاهدات است.

گزارشگر:

وقتی با کاندولیزا رایس صحبت می‌کنید این را مطرح کنید. اما من دو سؤال آخر را می‌خواهم مطرح کنم. آیا شما واقعاً در مورد تمام سؤالهایی که آقای البرادعی در طول سالها از شما پرسیدند، شفاف بودید؟

رئیس جمهور:

چرا نباید شفاف باشد؟ باید شفاف باشد.

گزارشگر:

امریکاییها می‌خواهند این را باور کنند. شما می‌روید به دانشگاه کلمیبا. وقتی هاله اسفندیاری به ایران آمد شما او را به زندان بردید تا قبل از اینکه آزاد شود. متفکرین دیگری هم در زندان هستند.

چرا این کار لازم است برای ملتی که این قدر پر افتخار و قدرتمند است؟ آیا این ملت بزرگ واقعاً احتیاج دارد که مخالفان خودش را به زندان بیندازد؟

رئیس جمهور:

شما می‌گویید که خانم اسفندیاری مخالف دولت ایران است؟

گزارشگر:

نه، من دارم می‌گویم ایشان یک متفکر بوده؛ خانم ۶۷ ساله‌ای که آمدند به ایران تا مادرشان را ببینند.

رئیس جمهور:

شما می‌گویید چرا مخالفین خودتان را به زندان می‌اندازید. بعد از شما سؤال می‌کنم که خانم اسفندیاری مخالف ایران است؟ شما می‌گویید که نه.

گزارشگر:

شما خیلی هوشمند هستید.

رئیس جمهور:

سؤالتان منتفی است.

گزارشگر:

سؤال این است که آیا اشتباه بود که ایشان را به زندان بیندازید؟

رئیس جمهور:

ببینید در هر سیستم حکومتی اولاً یک تقسیم کار است، در ثانی ممکن است اتفاقاتی بیفتد. آیا در امریکا افراد زندانی نمی‌شوند؟ طبق قانون زندانی می‌شوند یا غیر قانونی؟ اگر قانونی زندانی می‌شود؟ خب قانونی است دیگر.

بررسی می‌کنند، اگر کسی خطا کار بود، مجازات می‌شود، و خطا کار نبود، آزاد می‌شود. این در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد و این چیز خیلی مهمی نیست. البته ما آرزو داریم روزی برسد که اصلاً زندانی وجود نداشته باشد.

گزارشگر:

یعنی آزادی بیان برای هر نظر و ایده‌ای در ایران باشد؟ چون یک کشور قوی نباید نگران از ایده‌های دیگران و چالش با ایدئولوژی خود باشد.

رئیس جمهور:

اتفاقاً من همین حرف را می‌زنم و به همین خاطر می‌گویم چرا یک عده‌ای ناراحت هستند که ما به دعوت دانشگاه کلمبیا می‌خواهیم برویم آنجا صحبت کنید. چرا دارند تحریک می‌کنند؟

گزارشگر:

به هر حال شما امروز صحبت می‌کنید. این اجازه داده شد.

رئیس جمهور:

وقتی تحریک و تشویق به درگیری می‌کنند، این خیلی بد است. من دیدم بعضیها کلماتی به کار بردند که خیلی خشونت آمیز بود، در صورتی که برعکس این را باید می‌گفتند. باید به شنیدن دعوت می‌کردند که یک رئیس جمهور می‌آید حرفش را بشنوید.

گزارشگر:

من هم دارم حرف شما را می‌شنوم.

رئیس جمهور:

اتفاقاً در ایران آزادی خیلی بالاست. الان روزنامه‌های مخالف دولت پنج برابر روزنامه‌های موافق دولت است و از کمکهای دولت هم استفاده می‌کنند، پول و یارانه می‌گیرند. دولت هم کاری به آنها ندارد. به خود من انتقادهای زیادی می‌کنند. هیچ مشکلی نیست.

گزارشگر:

من همین الان بعضی از انتقادهای شما را برایتان خواندم.

رئیس جمهور:

دیدید که من ناراحت نشدم. در ایران آزادی خیلی بالاست. باید به فضای ایران آمد تا این را متوجه شد.

گزارشگر:

باید از شما تشکر کنم که این وقت را گذاشتید و در مورد ایران، امریکا، اسرائیل و آینده عراق و ایده‌های خود با من صحبت کردید. واقعاً ممنونم.

رئیس جمهور:

ان شاءالله شما و همین طور مردم امریکا موفق باشند. این مشکلات خواهند گذشت. آینده روشن در انتظار همه ملت‌هاست. آینده پر از صلح و برادری.

گزارشگر:

متشکرم.

مصاحبهٔ رییس جمهور با خبرگزاری AP (نیویورک)^۱

گزارشگر:

خیلی متشکر از اینکه با ما صحبت می کنید. تنها فردی هستید که همه بیش از دیگران این هفته در نیویورک می خواهند با شما مصاحبه کنند، چه احساسی دارید؟

رئیس جمهور:

احساس خاصی ندارم اما خوشحالم که با دوستان زیادی ملاقات می کنم.

گزارشگر:

ما هم از این فرصت ممنون هستیم. شما می توانید در مورد اهداف سیاست خارجی ایران به ما اطلاعاتی بدهید. ممکن است لطف کنید بگویید هدف سیاست خارجی شما چیست؟

رئیس جمهور:

اهداف سیاست خارجی ما کاملاً روشن است. ما خواستار صلح و امنیت پایدار برای همه جهان هستیم و فکر می کنیم صلح و امنیت پایدار بر پایه خدایپرستی و عدالت ایجاد می شود. ما فکر می کنیم ریشه مشکلات در همین دو نکته نهفته است؛ دوری از خدایپرستی و عدالت. این دو بیاید دوستی و برادری هم برای همه می آید. ما دنبال رابطه دوستانه با همه ملتها هستیم؛ رابطه ای که همه به هم برای پیشرفت و دوستی کمک بکنند.

گزارشگر:

شما عنوان کردید که ایران نمی خواهد به سمت جنگ برود، آیا دنبال تلاش برای گفتمان با امریکا هستید و این به نفع شماست؟ آیا خواهان صلح با همه همسایه هایتان از جمله اسرائیل هستید؟

رئیس جمهور:

حالا ما با رژیم صهیونیستی مستقیماً همسایه نیستیم اما با همه همسایه هایمان

رابطه دوستانه داریم و با تمام همسایگانمان رابطه تاریخی و دوستانه داریم. اگر تحریک و حمایت برخی کشورهای غربی نبود صدام به ما حمله نمی کرد و جنگی اتفاق نمی افتاد، چون رابطه ملت ما با ملت عراق دیرینه و دوستانه است. ما دنبال تنش زدایی هستیم. اصلاً موضع گیریهای ما در جهت صلح است. ما برای حل مسائل جهان راههای بسیار روشن پیشنهاد دادیم؛ راههایی که انسانی و مبتنی بر عدالت است. ما مخالف جنگ هستیم. ما فکر می کنیم مسائل جهان با گفتگو قابل حل است. به شرط اینکه طرفین گفتگو به قانون و عدالت پایبند باشند. البته ما مسئول عملکرد دیگران نیستیم. نصایحی که ما به دولتمردان امریکایی در موضوع عراق و لبنان و فلسطین می کنیم دقیقاً در جهت صلح پایدار است. ما خیلی ناراحت هستیم که هر روز انسانها کشته می شوند و نا امنی و نگرانی و تهدید بر مناطقی از جهان حاکم است. این شرایط بستری است برای رشد تروریسم و کینه ورزی و ما مخالف این شرایط هستیم و پیشنهادات انسانی بر پایه عدالت داریم. فکر می کنیم مسائل را با راههای کم هزینه و بهتری می توان حل کرد.

گزارشگر:

آقای رئیس جمهور شما عنوان کردید که برنامه هسته ای ایران صرفاً صلح آمیز و در جهت تولید صلح آمیز برق است، ولی علیرغم تمام این اظهارات جنابعالی بسیاری از کشورهای دیگر از جمله اعضای شورای امنیت سازمان ملل اهداف واقعی ایران را زیر سؤال می برند.

شما چه گامهایی می توانید بردارید تا این نگرانیها را کم کنید، چون تا زمانی که وضعیت حاضر ادامه پیدا نکند به نظر می رسد که باز هم تحریمات بیشتر و تلاشهای بیشتری در خصوص، جنگ با ایران صورت بگیرد.

رئیس جمهور:

شما می دانید که موضوع هسته ای ایران اصولاً یک موضوع سیاسی است و موضوع حقوقی نیست. چرا که آژانس به عنوان یک مرجع حقوقی، صلح آمیز بودن فعالیتها را بارها تأیید کرده اند.

بنابراین مشکل این نیست که در فعالیتهای هسته ای ما مشکل وجود دارد بلکه مشکل از نوع نگاه چند کشور محدود است که اتفاقاً در اقلیت محض هم هستند. اما دارای قدرت نظامی و سیاسی هستند و نظرات خودشان را بر سازمانهای جهانی تحمیل می کنند. بخشهایی از دولت امریکا و یکی دو کشور اروپایی، ولی اکثریت کشورهای

دنیا حق ملت ما را به رسمیت شناختند و تایید کردند. ضمن اینکه مرجع تشخیص فعالیت‌های درست در موضع هسته ای آژانس بین المللی است و کاملاً بر فعالیت‌های ما نظارت دارد.

البته رفتار آن چند کشور برای ما عجیب نیست و تازگی ندارد برای اینکه ۲۹ سال است که با ملت ما دشمنی می کنند. دشمنی‌های آنها برای ملت ما عادی شده و مردم ما یاد گرفته اند که در این شرایط زندگی و پیشرفت کنند. البته ما را از رفتار آنها متأسف هستیم برای اینکه سازمان‌های جهانی را بی‌خاصیت می کند و اعتماد عمومی را به ایران سازمانها از بین می‌برند. وقتی یک یا دو کشور اراده سیاسی خودشان را بر یک سازمان حقوقی تحمیل می کنند در واقع دارند کارایی آن سازمان را از بین می‌برند. ما فکر می‌کنیم تنها راه، ادامه همکاری‌های سازنده ما با آژانس است؛ چیزی که از ابتدا وجود داشته و اگر این قدرتها دخالت نکنند مشکلی باقی نمی ماند.

گزارشگر:

شما مطلع هستید که امریکا دارد آماده نوعی جنگ علیه ایران می شود؟

رئیس جمهور:

من چنین تلقی ندارم. من فکر می‌کنم بعضی حرف‌هایی که زده می‌شود اولاً از روی عصبانیت است؛ در ثانی کاربرد انتخاباتی داخل امریکا دارد و ثالثاً سرپوش گذاشتن بر شکست‌های متوالی از ناحیه سیاست‌های غلط در عراق است. ما فکر می‌کنیم یک اشتباه را با اشتباه دیگر نمی‌توان جبران کرد.

گزارشگر:

دختر من یک سئوالی داشتند، ایشان دبیرستانی هستند کلاس یازده و می‌خواستند بدانند که ایران در شرایطی ممکن است به اسرائیل حمله بکند، آیا ایران احتمال دارد که حمله اول را علیه اسرائیل انجام بدهد؟

رئیس جمهور:

ایران به هیچ کشوری حمله نخواهد کرد. اصولاً حمله در استراتژی دفاعی ما جایگاهی ندارد. سازماندهی نظامی ما سازماندهی دفاعی است. ایران کشوری است که صدها سال با همسایگان خود در صلح و دوستی زندگی کرده است و اصولاً هیچگاه به دنبال توسعه سرزمین یا تسلط بر سایر کشورها و منافع ملت‌ها نبوده است. البته ملت ایران به خوبی قادر است که از خود و تمامیت ارضی کشورش دفاع کند. اما هیچگاه به

هیچ جا تجاوز نخواهد کرد. ما راه حل‌هایی هم که برای فلسطین می‌گوییم، راه حل‌هایی انسانی و صلح‌آمیز است. ما معتقدیم سرنوشت فلسطین باید به مردم فلسطین سپرده شود. به همین دلیل پیشنهاد ما یک انتخابات آزاد است یک همه‌پرسی آزاد است. اجازه بدهیم مردم فلسطین خودشان انتخاب کنند و همه به انتخاب مردم فلسطین متعهد باشند، آن وقت یک مشکل شصت ساله حل خواهد شد. و مسئولیت به عهده ملت فلسطین است.

در مورد عراق هم نظر ما همین است. می‌گوییم اجازه بدهید اراده مردم عراق حاکم باشد. خودشان تصمیم بگیرند. این بهترین شکل زندگی دوستانه است.

گزارشگر:

ایران برنامه‌ای ندارد برای اینکه بمب بسازد؟

رئیس جمهور:

نه! ما برنامه برای تهاجم به هیچ کجا نداریم؟

گزارشگر:

خواستم روشن کنم؛ یعنی یهودی‌ها و اعراب با هم در کشور اسرائیل و مناطق فلسطینی با هم رای بدهند؛ یعنی یک انتخابات واحد؛ منظور تان این است؟
رئیس جمهور:

ببینید تمام فلسطینی‌هایی که اصیل هستند چه مسلمان، چه مسیحی چه یهودی؛ آنهایی که اصالتاً فلسطینی هستند، آنها تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

امریکا گفته که ایران به افغانستان و شورشیان عراق سلاح می‌دهد، آیا این حقیقت دارد؟

رئیس جمهور:

به چه دلیل ما باید این کار را بکنیم؟ آیا سلاح‌های ما موجب شکست سیاست‌های امریکاست؟ اینکه برای امریکا خیلی بد است.

ما با افغانستان و عراق دوست هستیم. نا امنی در افغانستان و عراق به ضرر امنیت ملی ماست؛ به ضرر ماست. ما تنها کشوری هستیم که از نا امنی در افغانستان و عراق مستقیماً آسیب می‌بینیم. ضمن اینکه ملت‌های ما با هم دوست قدیمی و صمیمی هستند. روابط فامیلی و رفت و آمدهای گسترده دارند. همین الان دو و نیم میلیون افغانی در ایران زندگی می‌کنند و هر سال بیش از یک میلیون افغانی تردد می‌کنند.

همین الان یک میلیون عراقی در ایران زندگی می‌کنند و سالانه بیش از شش میلیون ایرانی و عراقی با هم رفت و آمد می‌کنند. بسیاری با هم ازدواج می‌کنند و فامیل هستند.

ما با هم دوست هستیم. امنیت آنها امنیت ماست و امنیت ما، امنیت آنهاست. ما با هم رقیب نیستیم. با هم دوستیم.

ما از شرایطی که در عراق و افغانستان است به شدت ناراحت هستیم؛ از اینکه مردم در عراق کشته می‌شوند خیلی ناراحت هستیم. حتی برای سربازان امریکایی هم که کشته می‌شوند متأسف هستیم. ما فکر می‌کنیم اینها به خاطر سیاستهای غلط است؛ کسانی که در مقابل ملت عراق ایستاده اند و شکستهای خودشان را به گردن دیگران می‌اندازند. سیاستها غلط است.

مسئله عراق خیلی راحت تر قابل حل است. احترام بگذارند به حقوق ملت عراق. دوست مردم عراق باشند. به استقلال و حق تعیین سرنوشت و رأی مردم عراق احترام بگذارند، مشکل حل می‌شود. وقتی می‌گویند عراق فقط منظورشان نفت عراق نباشد، بلکه مردم عراق هم مهم هستند.

می‌دانید طی چهار سال و نیم بیش از ششصد هزار نفر کشته شدند؟ همه خانواده‌ها عزادار هستند. در حالی که شرایط می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد. ابتدا که ارتش امریکا آمد و صدام رفت، مردم خوشحال شدند. اما امروز چه؟ چه کسی مقصر است؟ چه کسی سیاستهای غلط را اعمال کرد؟ چه کسی اصرار دارد تا زنها و بچه‌های مردم را به رگبار ببندد؟ چه کسی الان عشایر را دارد مسلح می‌کند؟ چه کسی اصرار دارد بین مردم عراق تفرقه درست کند؟

اینها سیاستهای خوبی نیست. مردم عراق صدها سال در دوستی با هم زندگی کردند. قادر هستند خودشان را اداره کنند. نیاز ندارند کسی در امور آنها دخالت کند و به آنها بگوید چه بکنند.

افغانستان هم همین طور است؛ اگر از ابتدا از تروریستها حمایت نمی‌شد نیازی به لشگرکشی پیدا نمی‌شد. ما متأسفیم.

گزارشگر:

شما معتقد هستید امریکا در عراق دنبال سیاستی است که بین شیعه‌ها و سنی

ها و کردها تفرقه بیندازد و یک سیستم فدرالی سه گانه بر آن حاکم باشد؟
رئیس جمهور:

من نمی گویم دنبال سیستم فدرالی هستند، اما اسنادی داریم که نشان می دهد بخشهایی از دولت امریکا به دنبال ایجاد تفرقه هستند برای کاهش مشکلات خودشان و تعمیق تسلط بر عراق.

ما فکر می کنیم راه نجات سیاستهای امریکا در عراق ادامه اشتباهات گذشته نیست، اصلاً باید راه و روش عوض شود. باید حقوق مردم عراق به رسمیت شناخته بشود و به رای آنها احترام بگذارند. همه کمک کنند که دولت عراق بتواند کشور را اداره کند. اجازه بدهیم دولتی که برآمده از رای مردم است کشور را اداره بکند. کسی نباید در امور دولت عراق دخالت کند و به آن دستور دهد. یا خارج از اراده دولت عراق دورن مردم سلاح تقسیم بکند یا تفرقه ایجاد کند. اینها به هیچ کس کمک نمی کند و آینده روشنی را در مقابل قرار نمی دهد.

گزارشگر:

امروز ما خبردار شدیم که ایران مرزهایش را با عراق بسته است، این برای چیست؟ آیا به خاطر دستگیری شهروندان ایرانی توسط نظامیان امریکایی در عراق است؟

رئیس جمهور:

نه خیر. می دانید سالانه چند میلیون نفر از مردم ما برای زیارت مراکز مقدس عراق می روند. اخیراً در اثر انفجار بمب و درگیری چند نفر از شهروندان ایرانی کشته شدند. دولت از شهروندان خواسته تا برقراری امنیت کامل از سفر زیارتی خودداری کنند. اما رفت و آمدهای کالای تجاری و سفرهای تجارتی برقرار است.

گزارشگر:

آیا ایران ارتباطی با نقاطی در سوریه که اوایل ماه گذشته توسط اسرائیل بمب باران شد، دارد؟

رئیس جمهور:

شما می دانید برای چه این کار انجام شد. چرا یک کشور مستقل بمباران شد؟

گزارشگر:

اطلاعات خیلی کمی در این مورد دارم.

رئیس جمهور:

ما فکر می کنیم این همان خوی توسعه طلبی رژیم صهیونیستی است و یک کار

بدون هدف و فقط قدرت نمایی. ارتباطی هم به ایران نداشت. سوریه یک کشور مستقل است و سیاستهای خودش را دارد. البته بخشی از کشورش در اشغال است.

گزارشگر:

آقای رئیس جمهور، در مورد امکان ارتباط بین مقامهای ارشد ایرانی و امریکایی نظر شما چیست و آیا شما معتقد هستید که این ارتباطات نتیجه‌ای دارد یا اینکه ایران منتظر است انتخابات ریاست جمهوری بعدی امریکا به وقوع بپیوندد؟

رئیس جمهور:

ببینید نگاه ما متفاوت از این است. ما می‌گوییم هر یک نفر که کشته می‌شود این دیگر جبران ناپذیر نیست. بنابراین اگر یک نفر را بتوانیم نجات بدهیم باید این کار را بکنیم و وقتی فرصتهای یک ملت حتی یک ثانیه از بین رفت جبران ناپذیر است. بنابراین نگاه ما نگاه سیاسی معمول نیست. بلکه نگاه انسانی است. به همین دلیل در مذاکرات عراق شرکت کردیم و پیشنهادات عملیاتی بسیار خوبی دادیم. از جمله اینکه یک کمیته سه جانبه برای توسعه امنیت در عراق تشکیل بدهیم. اما فکر می‌کنیم موفقیت این فعالیتها نیازمند دو عامل اساسی است: جدیت و صداقت. اگر این دو باشد نتیجه بخش خواهد بود.

گزارشگر:

آیا شما معتقد هستید که از جانب امریکا این شرایط هست و شما آن جدیت و صداقت را در آنها می‌بینید؟

رئیس جمهور:

باید منتظر بمانیم؛ امیدواریم.

گزارشگر:

یعنی منتظر رئیس جمهور بعدی یا انتخابات بعدی امریکا؟

رئیس جمهور:

نه خیر. باید ببینیم از مذاکرات چگونه استفاده می‌کنند و چگونه به پیشنهادات مثبت ایران جواب می‌دهند.

تحولات داخلی امریکا برای ما مهم نیست. ما فکر می‌کنیم این اختیار و حق مردم امریکاست. مردم امریکا هستند که باید تشخیص بدهند چه بکنند. ما فکر می‌کنیم مسائل عراق راه حل انسانی سریع دارد و آماده‌ایم کمک کنیم. مهم نیست چه کسی مقابل ماست. مهم مردم عراق هستند که کشته می‌شوند.

۱۵۲ / تجلی هویت ایرانی در نیویورک

گزارشگر:
متشکر آقای رئیس جمهور.

مصاحبهٔ رییس جمهور با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران

گزارشگر:

بخش عمده این سفر اختصاص به امریکا و حضور در مجمع عمومی سازمان ملل داشت و در کنار آن نیز برنامه‌های مفصلی داشتید. یکی از این برنامه‌ها سخنرانی در دانشگاه کلمبیا بود که خیلی پر هیاهو شد.

جناب عالی به عنوان رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران و نماینده ۷۰ میلیون نفر ملت ایران در این جلسه شرکت کردید و ملت و همه دنیا هم در جریان هستند که چه برخوردی از سوی امریکاییها صورت گرفت.

می‌خواهم ببینیم تحلیل شما از دستاورد حضور جناب عالی در این جلسه برای ملت و کشور ما چه بوده است؟

رئیس جمهور:

بسم الله الرحمن الرحيم. من به ملت بزرگ اسلام عرض می‌کنم؛ ملت تمدن ساز و فرهنگی. چند نکته را کنار هم بگذاریم پاسخ سؤال شما داده خواهد شد. نکتهٔ اول اینکه هیچ ملتی جدای از سایر ملتها نمی‌تواند زندگی کند. زندگی ملتها به هم پیوند خورده و تأثیر و تأثر متقابل دارد. اصولاً بدون تأثیرگذاری مثبت بر مناسبات جهانی، شما نمی‌توانید معادلات کشور خودتان را هم به درستی حل کنید.

فرض کنید حتی اگر نگاه ما اقتصادی باشد، اگر بر مناسبات اقتصادی جهان تأثیرگذاری مثبت و متناسب با آرمانها و خواسته‌های خودتان نگذارید، نمی‌توانید اقتصاد خود را بسازید. این جریان دو سویه است و شما نمی‌توانید یک طرفه کار خود را جلو ببرید، مگر اینکه فراتر از اقتصاد ملی، در اقتصاد جهانی تأثیرگذاری کنید که بعد تعامل اقتصاد شما با اقتصاد جهانی مجموعاً در جهت مثبتی قرار گیرد.

همین بحث در موضوع سیاسی است که شما باید بتوانید تأثیرگذاری درستی بر

محیط سیاسی جهان بگذارید تا بتوانید امنیت ملی و منافع ملی خودتان را حفظ کنید. در بخش فرهنگ هم همین است. این نکته اول.

نکته دوم اینکه اعتقاد ما این است که اساس مناسبات و تعاملات جهانی باید بر بستری از فرهنگ متعالی شکل بگیرد، والا روحیه برتری جویی، زیاده خواهی، خودخواهی و دروغ گویی اجازه نمی‌دهد که انسانها و ملتها در مناسبات بین خود یک فضای دوستی، محبت، عدالت و تکامل متقابل را تجربه کنند. و همه فضا فضای تراحم، کینه‌ورزی و درگیری می‌شود.

بنابراین کار فرهنگ و تأثیرگذاری فرهنگی، کاری مبنایی است. الان ببینید بسیاری از این رفتارهایی که در دنیاست بر پایه یک سری اصول اعتقادی، جهان بینی و نوع نگاه به انسان و جهان شکل می‌گیرد. اولاً اینها شکل می‌گیرد و بعد رفتارها شکل می‌گیرد.

اگر این مبانی درست نشود یا به تبع آن مناسبات فرهنگی اصلاح نشود، فضای سیاسی و اقتصادی هم اصلاح نمی‌شود. طبیعی است که ما به موازات فعالیتهای سیاسی و اقتصادی، باید یک نگاه قوی به تعاملات فرهنگی و تأثیرگذاری بر مبانی فرهنگی داشته باشیم. می‌دانید در کشورهایی که ما می‌رویم، با علما، دانشمندان، شخصیتها و رسانه‌ها گفتگو می‌کنیم و بخش قابل توجهی از سخنرانیهای مهم من در مجامع جهانی نیز به همان نوع نگاه و مبانی فرهنگی و جهان بینی بر می‌گردد.

طبیعی است که دانشگاه کانون این تعاملات است و همه می‌دانیم که امروز بالاخره امریکا میدان‌دار بسیاری از میدانهای اقتصادی و سیاسی دنیا است و می‌دانیم که حامی نوعی نگاه خاص است و بر پایه سلسله مبانی ویژه‌ای کارش را جلو می‌برد. اصلاح این مبانی هم به اصلاح رفتار دولتمردان امریکا کمک می‌کند و هم به انتخاب سایر ملتها و سیاستمداران و فرهنگیان جهان.

طبیعی است که در سفر به امریکا ما دعوت دانشگاه کلمبیا را بپذیریم، نمی‌توانیم بگوییم نمی‌آییم.

سال گذشته هم من دعوت دانشگاه کلمبیا را پذیرفتم، منتها دولت امریکا فشار آورد و آن جلسه لغو شد. پارسال هم استقبال فراوانی شد و دانشگاه از افراد و پلاکاردها و ... پر شد.

گزارشگر:

در کشوری که ادعا می‌کند مهد دموکراسی و آزادی است ما را داخل سالن راه ندادند، ولی تمام حیاط دانشگاه و خیابانهای اطراف دانشگاه مملو از دانشجویان ایرانی بود.

رئیس جمهور:

چون اصلاً پیام اصلی ملت ما فرهنگی است و هویت اصلی ایران فرهنگی است، جاذبه دارد و حرف ملت ایران شنوا دارد و گوشه‌های فراوانی منتظر شنیدن پیام ملت ایران هستند و من هم پیش بینی می‌کردم و پارسال به دوستان گفتم که دولت امریکا اجازه برپایی چنین مراسمی را نخواهد داد. آنها گفتند چطور، گفتم صبر کنید، خواهید دید، می‌دانستم که تحمل تعامل درست و بدون حاشیه فرهنگی را ندارند؛ یعنی نمی‌توانند اجازه دهند در فضایی آرام و دوستانه دیدگاههای فرهنگی ایران مطرح شود، چون این دیدگاهها مطرح شود، بلافاصله قبول می‌شود، چون مبتنی بر فطرت است و پشتوانه منطقی بسیار قوی دارد و از یک حقیقت زلال سرچشمه می‌گیرد.

در هر حال ما حضور در این مراسم را پذیرفتیم و بعد هم اتفاقاتی افتاد که شما در جریان هستید.

به نظر من دستاورد این حضور برای ملت ایران و اصلاً همه کسانی که خواهان تعامل مثبت فرهنگی هستند، که ما اسم آنها را موحدان و عدالت طلبان می‌گذاریم، چون موحدان به انسان و جهان نگاه درست دارند، نگاه توحیدی است که نگاه حقیقی و واقعی است و منشأ کمال، خوبیها و زیباییها، دوست داشتن، عدالت طلبی، ایثار و فداکاری است.

من فکر می‌کنم دستاورد، دستاورد بسیار بزرگی بود؛ حتی خود ما تصور دستاوردی در این وسعت را نداشتیم، گرچه به طور اجمال می‌دانستم که این حضور، حضور طبیعی و آرامی نخواهد بود. علت آن هم مشخص بود، می‌دانستم که بخشهایی از دولت امریکا و صهیونیستها حتماً تحمل نمی‌کنند که رئیس جمهور ایران که چهره‌ای فرهنگی و دانشگاهی است و به صراحت دیدگاههای ملت ایران را مطرح می‌کند، راضی نمی‌شوند که بدون واسطه و رودرو در فضایی صمیمی صحبت کند. البته بعضی نظرات هست که اصلاً دعوت آنها برای این بود که همین پیام را مخدوش کنند و اصولاً برای این کار هم سازماندهی انجام شده بود.

یک هفته قبل از حضور ما در این دانشگاه حداقل سه شبکه امریکایی جنگ روانی

بسیار سنگینی راه انداخته بودند؛ از تخریب شخصیت من تا شخصیت ملت ایران، حرکت و حتی تاریخ و تمدن ملت ایران و با دروغ پردازی و تهمت سعی کردند دو اتفاق بیفتد، یا من احساس کنم که فضا سنگین است و نروم، یا اگر رفتم با اجتماعات معترض هیجانی گروههای گوناگون مواجه شوم و تخریب صورت گیرد و در کنار آن هم بتوانند همان حرفهایی را بزنند که در متنی که به رئیس دانشگاه داده بودند، مطرح شده بود؛ بالاخره هر چیزی که یک نفر می‌تواند بگوید، به نظرم دیگر واژه‌ای نداشتند که به کار نبرند برای اینکه عمق کینه خود را نسبت به فرهنگ و مناسبات فرهنگی بیان کنند.

ما را در مقابل دو انتخاب قرار دادند، طبیعی بود که ما انتخاب اول را نمی‌توانیم بپذیریم، بالاخره دعوت رسمی شدیم، با اصرار، نمی‌شود دانشگاه از رئیس جمهور ایران دعوت کند و بگوید نمی‌آیم. این درواقع نوعی تلقی به تسلیم و شکست و پذیرش تمام ادعاهایی خواهد بود که علیه مبانی فکری ملت ایران مطرح می‌کردند.

ما باید می‌رفتیم. رفتیم و صحنه‌ای که اتفاق افتاد به نظرم صحنه‌ای الهی بود؛ یعنی خدا خواست که بدخواهان را در یک تابلوی نقاشی کاملاً به بشریت نشان دهد. آنها اگر ۱۰ درصد احتمال می‌دادند که چنین صحنه‌ای پیش می‌آید، حتماً چنین کاری نمی‌کردند و همه چیزشان را هزینه نمی‌کردند، نام دانشگاه و رئیس دانشگاه که باید شخصیتی علمی، آکادمیک و فرهنگی باشد.

همچنین همه شعارهای دایر بر آزادی اندیشه و گردش آزاد اطلاعات، به نظرم تابلویی در مقابل بشریت امروز قرار گرفت که دو صحنه کاملاً مجزا در آن بود.

یک صحنه شعارهایی که طی این ۱۰۰ - ۲۰۰ سال داده شده و به خصوص ۵۰ - ۶۰ سال اخیر در مورد گردش آزاد اطلاعات، احترام به انسانها، آزادی اندیشه، گفتگوی آزاد، حق تفکر و ... همه اینها یکجا به چالش کشیده شد. و از آن طرف، مظلومیت پیام توحید و پیام ملت ایران و ارزشهای ذاتی که در ملت ایران و فرهنگ او وجود دارد که می‌تواند بستر بهترین تعاملات بشری بین ملتها باشد؛ که در آن عشق، دوستی، انسانیت، احترام به دیگران، تحمل، ظرفیت شنیدن، پاسخگویی، آرامش بخشی، ایجاد دوستی و محو کینه ورزیها و خشونتها هست. به تعبیر دیگر همان چیزی که امروز می‌تواند الگو برای بشریت قرار گیرد.

خدای متعال در یک تابلو، در فرصتی کوتاه و مختصر و به زیباترین نحو این را در

مقابل چشم بشریت به تصویر کشید. من فکر می‌کنم علت انعکاس وسیع آن هم همین است که خدای متعال در اینجا از مظلومیت و حقانیت دفاع کرد و بدخلقی، بد طینتی و دروغ‌گویی را طرد کرد.

اگر بخواهیم جزئی بشویم، سرفصلهای گوناگون را می‌شود بیان کرد. همین قدر به شما بگویم که بعد از مراسم دانشگاه کلمبیا، من ۱۵ - ۱۶ ملاقات با شخصیت‌های گوناگون داشتم، همچنین در راهروها و مسیرها با شخصیت‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی که برخورد می‌کردم، همچنین بسیاری از خبرنگاران رسانه‌های گوناگون از من عکس می‌انداختند؛ افراد گوناگون، خانم، آقا، سیاسی، غیر سیاسی، فرهنگی، به خصوص جوانان، اولین حرفی که به من زدند راجع به همین مراسم بود که می‌گفتند: خیلی عالی بود، به ما هویت، شخصیت و اعتبار دارد و به انسانیت عزت داد.

اینها که می‌گویم ربطی به احمدی نژاد ندارد، چون من فردی معمولی از ملت ایران هستم و سعی‌ام این است که از هویت ملت ایران و حقانیت پیام ملت ایران دفاع کنم، حرف ملت ایران را می‌زنم. همه این حرفهایی که من می‌زنم، ملت ایران متوجه‌اند که حرف خودشان است. عده زیادی فکر می‌کنند که خودشان هستند که دارند حرف می‌زنند. من کوچک ملت ایران هستم. اینکه می‌گویم شما اصلاً احمدی نژاد را از این صحنه کنار بگذارید. من مطمئنم هرکس از ملت ایران بود، همین عکس‌العمل را نشان می‌داد.

اما این مختص به ملت ایران نیست، به همین دلیل می‌بینید که انعکاس جهانی پیدا می‌کند. رؤسای جمهور فراوانی به من گفتند که ما از تلویزیون این صحنه را دیدیم و افتخار کردیم و احساس کردیم دنیا در آستانه یک تحول است؛ یعنی یک نگاه نو و حقیقتی دارد در جهان مطرح می‌شود.

به لحاظ فرهنگی و سیاسی نیز بار دیگر ملت ایران را به نقطه اوج برد و عظمت‌های ملت ایران را نشان داد. ایرانی‌های فراوانی در آنجا به من و همچنین به شما مراجعه کردند، و با یک عشقی می‌گفتند که ما احساس عزت می‌کنیم که ملت ایران چقدر خوب است.

من می‌خواهم در اینجا یک نتیجه‌گیری برای ملت خودمان بکنم. ملت ایران باید قدر خودش را بداند، برجستگی‌های فرهنگی یک شبه و لحظه‌ای به وجود نمی‌آید، حاصل قرن‌ها و سالها ممارست و تربیت یافتگی ملت ایران و کار علما و بزرگان است.

خود ملت ایران به ارزشها، اعتقادات و سنتهای ایران اهتمام نشان می‌دهد. همین اهتمام ملت ایران به ماه مبارک رمضان را ببینید، بعضی این را دست کم می‌گیرند، حتی آنها که به هر دلیل نمی‌توانند روزه بگیرند، اما یک بخش از ماه رمضان غذا نخوردن است، و کسی که مریض و ... است به این معنی نیست که از ماه رمضان بی بهره است.

ماه رمضان ماه ضیافت الهی است و درهای رحمت باز است. رحمت الهی چیست؟ همین خداپرستی، محبت، عشق و صفات برجسته انسانی است که در دل انسان جا می‌گیرد و اندیشه‌ها و رفتارها اصلاح می‌شود. ما فکر می‌کنیم رحمت الهی فقط مثلاً روزی بیشتر مادی است. آن هم در آن هست، چون برکت هم زیاد می‌شود؛ اما اصل رحمت و برکات رحمت و برکات انسانی و معنوی است.

وقتی ملتی سالهای طولانی به رمضان یا محرم یا صله ارحام یا احترام به بزرگتر و ... اهتمام می‌ورزد، اینها را کنار هم بگذاریم، به مرور تربیت آن، تربیت ملت ایران می‌شود، که اگر در جایی خالص و بدون پیرایه بتوانیم برجستگیهای ملت ایران را در یک تصویر کنار دیگران بگذاریم، آن وقت فرقها معلوم می‌شود.

البته اینکه می‌گوییم براساس تعصب قومی نیست، چون ملت ایران هم متشکل از اقوام گوناگون است، گرچه همه ایرانی هستند؛ این تعصب نیست و فکر می‌کنم که متعلق به همه بشریت است؛ همان طور که محیطزیست متعلق به همه بشریت است، فرهنگ هم متعلق به همه است و این نیست که در انحصار ما باشد؛ کما اینکه در آن جلسه هم این در خدمت بشریت قرار گرفت. می‌توانست به یک نقطه نزاع و کینه ورزی سنگین تبدیل شود. اما ویژگیهای ملت ایران آن را به نقطه دوستی و محبت برای همه ملتها تبدیل کرد؛ یعنی در اختیار و منحصر به ملت ایران نیست، فرصت و رحمتی برای همه ملتهاست.

من می‌خواهم به ملت ایران به خصوص جوانها توصیه کنم که قدر خودمان را بدانیم و این صفات را تقویت کنیم، اینها چیزهایی نیست که آسان و لحظه‌ای به دست بیاید. خدا هم فرصتهای مناسب را برای شکوفایی، برجسته شدن و افتخار کردن به این ویژگیها فراهم خواهد کرد؛ کما اینکه در این سفر خدای متعال در صحنه‌ای که دشمنان ملت ایران پرداختند، آن را تبدیل به افتخار برای ملت ایران کرد.

یک نصیحت هم می‌خواهم به بعضی از دولتمردان امریکا بکنم. این چه رفتاری

است؟ چرا حاضر شدید یک شخصیت دانشگاهی را این قدر تحت فشار قرار دهید تا مجبور شود حیثیت دانشگاهی خود را این گونه تخریب کند؟

البته احتمال زیاد می‌دهم که ایشان را قربانی کنند و به عنوان مقصر این حادثه او را کنار بگذارند، مهم نیست که چه اتفاقی می‌افتد، مهم اتفاقی است که افتاد. آخر به چه مناسبت؟ این همه دروغ و توهین به یک ملت برای چه؟

بارها هم تجربه کرده‌اید و نتیجه نگرفته‌اید. شما هم به همین مفاهیم برگردید. شعار تحمل می‌دهید، پس تحمل کنید. شعار احترام به ملت‌ها می‌دهید، پس به این عمل کنید. شما احترام به دانشگاهیان می‌دهید، این قدر تحمل نداشتید که فردی با دانشگاهیان شما حرف بزند و تمام سال را هم شما حرف بزنید. خواستید در همین جلسه کاری کنید که اینها دیگر گوش ندهند یا این قدر ذهن آنها را مخدوش کنید که اگر حرفی زده شد، اثر نکند.

این یعنی چه؟ اینکه دیگر دوره‌آن تمام شده است. همین حادثه ارتقاء بسیار بالایی در سطح دانش دانشگاهیان و ملت‌های جهان بود. من فکر می‌کنم از این به بعد شاهد تحولات سنگینی در مناسبات دانشگاه و نوع نگاه به دانشگاه‌ها خواهیم بود.

گزارشگر:

زمانی که رئیس دانشگاه کلمبیا آن بی‌ادبی و رفتار ناشایست را کرد، جناب عالی به عنوان یک انسان ناراحت نشدید یا این فکر را نکردید که جلسه را ترک کنید یا ادامه ندهید و برخوردی مثل خودشان داشته باشید؟

رئیس جمهور:

طبیعی است، در آن لحظه انواع افکار به ذهن آدم می‌آید، منتها من به آن رئیس دانشکده که کنار من نشسته بود، گفتم من برای شما واقعاً متأسفم. من بیشتر برای آنها متأسف بودم، و هرچه جلوتر می‌رفت تأسفم بیشتر می‌شد.

گزارشگر:

شما خیلی عادی، می‌خندیدید.

رئیس جمهور:

من می‌خندم، واقعاً تأسفم برای آنها بیشتر می‌شود و از طرف دیگر می‌گفتم اینها از نظر سیاسی چقدر ابتدایی و ساده لوح هستند، هرچه جلوتر می‌رود، فرصتهایی برای

من ایجاد می‌کند. چون بالاخره حرف ما روشن است، ما که دروغ نمی‌گوییم و نمی‌خواهیم کسی را فریب بدهیم. هرچه جلو می‌رفت، می‌دیدم که مثلاً مثل بازی والیبال چقدر دارند پاسهای روی تور آماده می‌دهند که من با یک اشاره می‌توانم آنها در زمین خودشان به لحاظ سیاسی بخوابانم. من مطمئن بودم خدای متعال کمک می‌کند و حق را آشکار می‌کند. آن قدر دلم مطمئن بود که آرام آرام بودم و بیشتر دلم برای آنها می‌سوخت و می‌گفتم چقدر انسان باید سقوط کند و بعضی از دولتمردان این قدر از مرزهای انسانی پایین بیایند. بیشتر دلم برای آنها سوخت و مطمئن بودم که عزت ملت ایران از این صحنه آشکار خواهد شد.

گزارشگر:

شما قرار بود به بازدید از برجهای دو قلو بروید که این هم باعث صحبتها و اختلاف نظرهای زیادی در رسانه‌های آنها شد، نظر خود شما در این مورد چیست؟

رئیس جمهور:

آنها سعی می‌کنند با دروغ پراکنی، مثلاً تصویر من را نشان می‌دهند کنار بن لادن یا اینکه با تانک دارم آدم می‌کشم و ... اینها کارهای روانی است. حادثه ۱۱ سپتامبر حادثه‌ای بود که مبدأ تحولات بزرگ شد و به بهانه آن افغانستان و عراق را اشغال کردند و صدها هزار نفر کشته شدند، طبیعی است که ما باید عکس العمل مناسبی نشان دهیم.

سال قبل ما می‌خواستیم برویم، نشد. امسال می‌خواستم بروم که هم با خانواده‌های بازماندگان ابراز همدردی و ادای احترام کنم و هم می‌خواستم دو سه سؤال و دیدگاه‌هایم را مطرح کنم، که به نظر ما این حادثه نتیجه مدیریت غلط و غیر انسانی در جهان است. باید ریشه‌یابی کنیم که چرا چنین حادثه‌ای رخ داد. دوباره ۲۰ سال دیگر آن را مثل بت هولوکاست درست کنیم و ملت‌ها را به بهانه آن بکشیم و اجازه ندهیم کسی در جعبه را باز کند تا ببیند حادثه چه بود. با ۱۱ سپتامبر یک امر قدسی درست کنند که هر کس آن را نپذیرفت، کافر است و هر کس پذیرفت نیز باید به تمام جنایات بعدی تن بدهد. باید دیدگاه‌هایمان را مطرح می‌کردیم و فکر می‌کنم در این قضیه یک ارتباط عاطفی هم با مردم امریکا برقرار می‌شد و موضوع هم باز می‌شد و آنها هم نمی‌خواستند که چنین چیزی رخ دهد.